بمنّ صانع مکین و مکان و فضل خلاق زمین و زمان نسخه

معدن جواهر ثمین قطعات تاریخ ولادت و وفات حضرت خاتم المرسلین و ائمه اطهار و صحابه کبار و خانواده‌های اولیا و مشائخین و سلاطین و اکابر روزگار و نشیبان اردو و کمالان اقلیم شاعری ...

گنجینهٔ سروری

معروف بنام تاریخی

گنج تاریخ
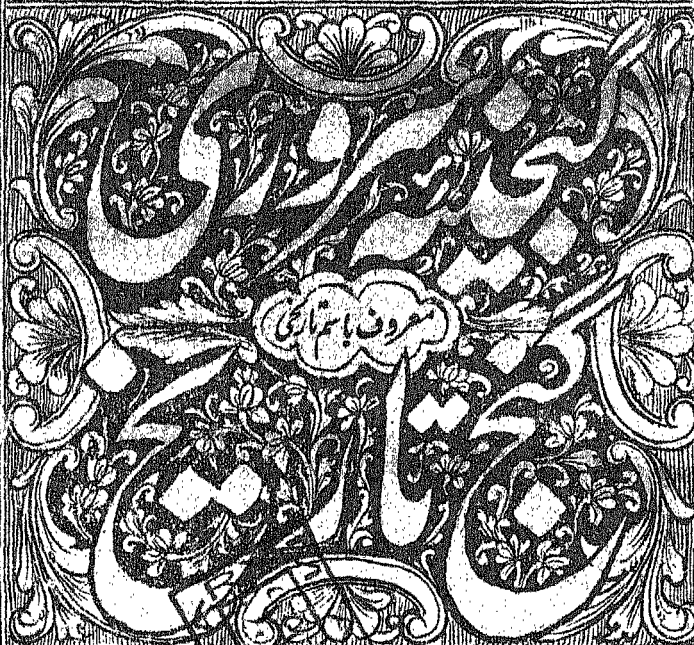
تصنیف مورخ بی بدل علامه اجل شاعر بے نظیر ... هندستان عندلیب شکریان طوطی سخنور جناب مفتی محمد غلام سرور صاحب لاهوری ادام الله الاکبر

در مطبع نامی منشی نولکشور بطبع رسید مقبول جهان شد

اطلاع — اس مطبع مین ہر علم و فن کی کتب کا ذخیرہ سلسلہ وار فروخت کے لیے موجود ہی جسکی فہرست مطول ہر ایک شائق کو چھاپہ خانہ سے مل سکتی ہی جسکے معائنہ و ملاحظہ سے شائقان اصلی حالات کتب کے معلوم فرما سکتے ہین قیمت بھی ارزان ہی اس کتاب کے ٹیٹل پیج کے تین صفحہ جو سادے ہین انمین بعض کتب علوم متفرقات نایاب زمانہ اور تواریخ شاہان و راجگان درج کرتے ہین تاکہ اور بھی کتب موجودہ کارخانہ سے قدردانون کو آگاہی کا ذریعہ حاصل ہو

علوم متفرقات نایاب زمانہ

عجائب المخلوقات — و غرائب الموجودات عجیب قسم کے مخلوقات کا بیان از حیوانات و نباتات وغیرہ مصنفہ علامہ عماد الدین زکریا — با تصویرات رنگین کاغذ سفید —

ایضاً — حسب مراتب بالا بغیر رنگ —

معلومات الآفاق — عجائب الخلقت مخلوقات کا بیان از امین الدین خان — کاغذ سفید با تصویرات رنگین —

ایضاً — حسب مراتب بالا بغیر رنگ —

اعجاز خسروی — شامل پنج رسالہ از حضرت امیر خسرو دہلوی بہ تحشی مولوی غلام حسنین صاحب کاغذ سفید گندہ —

۱ — اعجاز خسروی در نثر گفتاری بصنائع و بدائع رنگارنگ حسب مراتب بالا —

۲ — رسالۂ انشاء و مکاتبات — باصحاب منصب پر رنگ صنائع و بدائع حسب مراتب بالا —

۳ — رسالہ در صنائع خطی حسب مراتب بالا —

۴ — رسالہ در بدائع معنویہ حسب مراتب بالا —

۵ — رسالہ عبارت قدیم و انشانگاری کا طرز و قواعد حسب مراتب بالا —

ریاض الفردوس — اقسام علوم کا مجموعہ تین روضہ مین — ۱ — روضہ مین اقسام علوم کا ذکر عربی زبان مین — ۲ — روضہ مین اقسام فنون فارسی — ۳ — روضہ مین اردو مضمون کے لطائف مصنفۂ مولوی محمد حسین شاہجہانپوری کاغذ سفید —

دائرۂ صنعت — ایک دائرہ مین اقسام صنائع کو بہت مفید طرز سے ظاہر کیا ہی از منشی انوار حسین تسلیم — کاغذ سفید —

پنج گنج خسروی — ٹیٹل رنگین بصنائع بدیع کہ ایک رسالہ سے چار مثنوی و ایک نثر کہ ہر پنج جداگانہ افسانہ ہین مستنبط ہوتے ہین از مولوی محمد دلیر — کاغذ سفید —

چمنستان انندرام مخلص — ہر طرز کا کلام مجتمع ہی کاغذ سفید —

خزینۃ الامثال — ہر قسم کی مثلین زبان زد عربی — فارسی — اردو — از منشی سید حسین شاہ تخلص حقیقت کاغذ خاکی —

مجموعۂ اسکندر ذو القرنین — چار علم کا بیان علم کیمیا — علم ہیمیا — علم ریمیا — علم سیمیا — مولفہ محمد حسین شہید

بسم اللہ الرحمن الرحیم

خالق اکبر تعالے شانہ — وحدہ سبحانہ سبحانہ

صاحب لطف و کرم رب کریم — مالک و رزاق و رحمان و رحیم

او مکین اندر مکان و لامکان — جانشین اندر زمین و آسمان

دیما روشن نظر از نور اوست — جلوہ گر شام و سحر از نور اوست

راست و چپ پیش و پس زیر و زبر — مستفیض از فیض دیدارش نظر

واے عالم خبر گیر جہان — وقت مشکل دستگیر بندگان

واحد و یکتا و رب العالمین — غافر الذنب و غفور المذنبین

ذات لاثانے جناب کبریا — صانع لوح و قلم ارض و سما

آدمے دیو و پری جن و ملک — فرش و عرش و کوہ و دریا و فلک

ہر چہ ہست از دام و دد وحش و طیور — باد و خاک و آب و آتش مار و مور

جملہ زان واحد بکثرت آمدند — قطرہ زان بحر حقیقت آمدند

عالم ہر علم و علام الخبیر — قادر مطلق بصیر است و قدیر

از وجود او وجود ہر وجود — بود او شد باعث ہر اہل بود

رنگ آن رنگین عیان از رنگ ہا — نقش آن نقاش پیدا جابجا

چون مہ و مہر است پیدا نور او — از چراغ دل ہویدا نور او

گوش زو شنوا زبان گویا شده / دیدهٔ اهل نظر بیناست زو
جلوهٔ او شد عیان بر روی گل / بوی او پیداست اندر بوی گل
خوان بقرآن قل هو الله احد / بی زن و فرزند الله الصمد
کن نظر بر صنع و بچشم دوربین / تا نظر آید ترا نور یقین

در نعت سرور کائنات خلاصهٔ موجودات سید عالم صلی الله علیه وسلم

سید کونین ختم الانبیا / احمد مرسل محمد مصطفی
باج بگرفت از سلاطین تاج او / تاجداران جهان محتاج او
هادی گم گشتگان و گمرهان / خانه دار خانهٔ کون و مکان
حامی دین و شفیع المذنبین / ابر رحمت رحمة للعالمین
چتر لولاک است زیبا بر سرش / خلعت الارسول اندر برش
از احد کرده است این احمد ظهور / نور عین آمد عیان از عین نور
از میانش میم چون برداشتند / ذات احمد را احد بنگاشتند
در ثنایش از زمین تا آسمان / هست بر اهل زبان رطب اللسان
نام نامیش محمد مصطفی / وه چه خوش نام خدا صل علی
صد صلوة و صد درود و صد سلام / باد بر روحش الی یوم القیام

در مدح هر چهار اصحاب کبار حضرت سید ابرار صلی الله علیه وسلم

اولا صدیق آن والا همم / کان صدق و مخزن لطف و کرم
صادق و اصدق محب کبریا / یار غار مصطفی با صد صفا
شاهد اوصاف قرآنش بس است / اذ هما فی الغار در شانش بس است
وان عمر والا گهر غازی دین / بعد پیغمبر نبی را جانشین
بندهٔ حق اهل حق حق التیام / از زبانش حق عیان گشتی مدام
بر کلامش ینطق الحق شد دلیل / هست این قول نبی بی قال و قیل
در جهان شد عزت اسلام زو / یافت دین حق بعالم نام زو
حضرت عثمان شه اهل صفا / جانشین ثالث خیر الوری
مخزن انوار و ذی النورین اوست / آفتاب دین شه کونین اوست

مجمع البحرین دریای سخا
شاه والاجاه با حلم و حیا

حیدر صفدر شه کرار بود
ابن عم احمد مختار بود

پهلوان شیر دل شیر خدا
والی عالی علی المرتضی

عاشق الله و محبوب نبی
بادشاه دین سخی و متقی

در تشریح و تقسیم این کتاب که بهشت مخزن منقسم است

بهر ذکر خیر پیران کرام
یافته این گنج تاریخ انتظام

نیز در ذکر شهان باوقار
داده ام این گنج خود را افتخار

جابجا تاریخ هر یک گفته ام
طرفه تر در نظم گوهر سفته ام

در هزار و دو صد و هشتاد و چار ۱۲۸۴
ماند این مخزن ز سرور یادگار

نام تاریخی زبهر این کتاب
گنج تاریخ ۱۲۸۴ آمده اندر حساب

کرده ام تقسیم اندر هشت گنج
تا بیابی حصه بے دست رنج

مخزن اول رقم ای نیک نام
گشت در ذکر شه خیر الانام

نیز سال فوت اصحاب کبار
شد درو ترقیم ای عالی وقار

باز در ذکر امامان کرام +
ختم شد گنج نخستین والسلام

گنج ثانی شد مهیا ای اخی
در بیان اولیای قادری

گنج ثالث آمد ای نیکو سرشت
بهر ذکر خاندان اهل چشت

در چهارم شد به طرز دل پسند
ذکر خیر اولیای نقشبند

کرده ام در مخزن پنجم عیان
شرح حال سهروردیه عیان

گنج ششم هست در متفرقات
هفتمین ذکر نساء عارفات

هشتمین ذکر شهان باوقار
یافت زایشان گنج تاریخ افتخار

گنج هشتم رامن ای والاهمم
کرده ام در یازده حصه رقم

حصه اول چو کردم ابتدا
شجره زو دادم بنی امیه را

حصه ثانی چو شد از من عیان
شد بنی عباس را در وی بیان

حصه ثالث ز روی آگهی
شد درو ذکر شهان غزنوی

حصه چارم چو آمد بر قلم
گشت در وی ذکر غوری رقم

حضرت سرور کائنات صلی الله علیه وسلم از قریش مکه معظمه است صحیح الطرفین از جانب پدر محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف و از جانب ام آمنه بنت وهب بن عبد مناف و اسامی گرامی آنجناب بسیار اند از آنجمله محمد و احمد و حامد و محمود و مصطفی از اشهر ترین اسامی آنجناب است و ولادت با سعادت آنحضرت بروز دوشنبه بوقت قبل از طلوع صبح صادق بماه ربیع الاول بسال واقعه فیل بوقوع آمد یا بعد از آن واقعه پنجاه یا چهل روز در عهد سلطنت نوشیروان عادل و بعد وفات سکندر رومی هشتصد و هشتاد و دو سال و از زمان عیسی علیه السلام ... سال و در سال چهلم از عمر جبرئیل بر آنحضرت نازل شد و معراج آنحضرت بسال ...

پنجمین خلجیه آمد در شمار	تغلقی ششم بدان ای باوقار
خضر خانی را بهفتم کن نظر	هشتمی لودیه ای والاگهر
در نهم چنگیزی است ای نیک خو	نیز تیموری و چغتائی بگو
شد رقم اندر دهم ای نوجوان	حالت شاهان متفرق بیان
حصهٔ احدی عشر ای جان من	گفته‌ام در ذکر امرای زمن
نیز ذکر شاعران هوشمند	شد بیان در وی بطرز دلپسند
جامع این جاه گنج مختصر	بندهٔ پرعیب و خالی از هنر
سرور هم نی غلام سرورم	زیب ور تاج غلامی بر سرم
هست پیش شاعران باهنر	دعوی شاگردی ام بس سربسر
ذره ام در پیش نور آفتاب	بلکه چون خاشاک پیش بحر آب
زین سبب دارم بصد عجز و ندا	در جناب حضرت شان التجا
بر خطاها که باشد در کتاب	خامهٔ اصلاح رانند از ثواب
ورنه بنهند از سر لطف و سخا	بر خطای پرخطا دست عطا
هر که بر این پرخطا احسان کند	دائما بروی خدا احسان کند
پرده پوشی کن که ستار العیوب	بندگان را هست غفار الذنوب
یا الٰهی بهر آل فاطمه	وقت رحلت کن بر ایمان خاتمه
یا الٰهی بهر اولاد علی	دار ما را از محبان نبی
یا الٰهی بهر اصحاب رسول	کن دعای سرور بیدل قبول
یا الٰهی بهر پیران کرام	دار ما را در دو عالم نیکنام

گنج اول در قطعات تواریخ وفات حضرت سرور عالم صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین و ائمه دین رضوان الله تعالی عنهم اجمعین

قطعهٔ وفات آنحضرت علیه الصلوة والسلام که در سال یازده هجری بوقوع آمد

چون محمد از جهان پوشید رو	شکل خورشید جاه گر اندر جنان
محو هو بود است ذات پاک او	گشت از هو سال ترحیلش عیان
بود ذاتش مخزن حب خدا	سال ترحیلش احب الٰهی جوان

و بعد از بعثت در سال ... نبوت در ... بهجرت ... آمد و در ماه صفر ... وفات ... و در ماه ربیع الاول سال یازدهم هجری ... وفات یافت ...

حامی دین دوست مصطفے	شاہ غازی پہلوان متقے
گشت چون از فرش بر عرش عروج	شد ندا از دل معلی شد علے
نیز گفتم رفت محبوب از زمان	تا شدہ تاریخ وصالش منجلے
بندۂ حق رفت چون پیران زدہر	یافت آخر صورت موسے ولی
از زمین چون رفت زیب اولیا	یافتم از سال فوتش آگہی
بود ذات او دل صد اہل دل	... دو واتش ماند بیدل یکدلے
از دل و جان ورد کن سر در مدام	یا ... ی مولے علی مولے علے

قطعہ ثالث

چون شہادت یافت با صدق الیقین	شیر یزدانی علے المرتضے
بہر سال انتقال آنجناب	از دل سرور چنین آمد ندا
صاحب از عالم سفر کرد اید ریغ	رفت از عالم حبیب الاولیا

تاریخ شہادت حضرت امام حسن رضی اللہ عنہ کہ در سنہ پنجاہم ہجری بوقوع آمد

مجمع خلق حسن حضرت حسن	احسن دین محسن دور زمان
نور چشم حضرت خیر النسا	قرۃ العین نبی دو جہان
رفت چون از دار دنیا گفت دل	شد دل بے جان ماند و شد داد از جہان
کامل و مالک ز عالم چون برفت	گشت تاریخ وصال او عیان
رحمت حق بر روان پاک او	باد تا باشد زمین و آسمان

قطعہ ثانی

محسن دین حسن امام جہان	نور چشم علے ولی زمان
چون محب جناب نبوی بود	پس محب است سال رحلت آن
نیز گو سال رحلت آن شاہ	ماند بے یار سر سبز دوران
چون گل باغ جنت است حسن	ہست گل سال رحلتش شایان

قطعہ ثالث

چون ز دنیائے دنی مسموم رفت	آن محب ذو المنن شاہ حسن
گفت دل اسلام از آفاق رفت	ماند خالی آہ از دوستے زمن

ولادت حق وے در عالم ... چهارم از هجرت نبوی است ... شعبان المکرم سنه ... در مدینه بروز سه شنبه ولادت ... از ایمه اثنا عشر وے امام سوم است ... شهید و سید الشهدا ... کنیت و لقب وے ... ابی عبدالله و ابوالائمه ... لقب وے حسین المجتبی

تاریخ شهادت امام المجتبی شهید کربلا سید الکونین امام حسین رضی الله عنه که در سال شصت یا شصت و یک از سنه هجری بوقوع آمد

سید اکبر حسین المجتبے	مقتدا اے زمرهٔ اهل یقین
چون شهادت یافت در کرب بلا	روح پاکش رفت بر عرش برین
جستم از دل سن و سال وصل او	گفت رضوان رفت والی از زمین
یا زفیه ما قبله بے عابد بماند	هم بگو بر آفاق شد محبوب دین
سید امجد بخوان ز آفاق رفت	تا کنی حاصل وصالش بالیقین
علم بے کس ماند از ترحیل او	گفت سرور سال وصل او حسین

مثنوی

شهٔ مظلوم سید الثقلین	پادشاه زمانه شاه حسین
رفت چون از جهان حزن و ملال	یافت با ذات حق کمال وصال
سال ترحیل وے نکو دانے	گر تو اے جو دبیر خواهے
اوست محبوب حق حبیب ازل	سال وصلش بگو حبیب ازل
سال ترحیل آن شهٔ کونین	آمده آخرین دو حرف حسین
سال وصلش عجب شد است عیان	قبلهٔ دین برفت از دوران
لیکن رقم هم باختلاف امم	زبدهٔ دین برفت از عالم
سال ترحیل آن شهٔ اعظم	هست شد بے نیاز از عالم
گو جوان رحلتش موید خواه	نیز مودود و بندهٔ دل آگاه

تاریخ ولادت و وفات امام المومنین علی الملقب بزین العابدین که ولادت و در سال سی و هشت و وفات در سال نود و چهار یا نود و پنج بوقوع آمده بود

سید دین شاه زین العابدین	بود محبوب جناب ذو الجلال
زاهد طیب بگو تولید او	وصل بے عیب و عزیز باکمال
پهلوان و انجم و الاحباب	عابد زاهد دگر اے خوش خصال
سید هادی و آب زندگے	سید طیب دگر تاریخ سال

قطعهٔ ثانی

۸

آن شه عالی علی ابن الحسین	مقتدای اولیا و متقی
سال تولیدش عیان شد از ازل	نیز و آلا باز ابدال است ولی
بهر وصالش جان و دل زآفاق رفت	شد ز دوران سید آل نبی
هم خرد والی و الاجاه گفت	باز محبوب اله است ای اخی

تاریخ ولادت و وفات امام محمد باقر رضی الله عنه که ولادتش در سال پنجاه وهشت یا هفت و وفات در سنه یک صد و دوازده یا چهارده بوقوع آمد

نور چشم محمد است و علی	آنکه او را محمد آمد نام
گشت پیدا مجید تولیدش	هم موحد شد از خرد و الهام
ارتحالش محب دین پیداست	نیز شد سید انبل ارقام

قطعه ثانی

محمد حبیب خدا یار حق	چو شد زین جهان فنا در جنان
همایون و دمساز و زنده دلی	رقم کن بتاریخ آن مهربان
بگو جامع و نیک دل سال او	حبیب محمد بخوان ای جوان

قطعه ثالث

حضرت باقر امام باصفا	قره چشم شه خیر الانام
هست واصل به تولید او	نیز محبوب است نزد خاص و عام
سال وصل او بگو هادی عزیز	هم بخوان ای یار هادی امام
نیز وصل او امام ایزدی است	پس ولی الله دان ای نیکنام
اهل دل ز آفاق چون پدرود گشت	سال ترحیلش بر آمد والسلام

تاریخ ولادت و وفات امام جعفر صادق بن محمد باقر رضی الله عنه که ولادت وی در سال هشتاد و وفات در سنه یکصد و چهل و هشت یا نه بوقوع آمد

امام باصفا صادق شه دین	که بود اندر طلب مطلوب کامل
بتولیدش عطا گو نیک برخوان	بترحیلش بدان محبوب کامل

قطعه ثانی

حضرت جعفر آن شه صادق	رهبر خلق و مرشد و سالک

یازدهم رجب بوقوع آمد و وی امام ششم است از ائمه اثنا عشر و مقتدای اهل طریقت و شریعت و نسبت اکثر از اولیای طریقت و صوفیه عالیه بوی منتهی میشود و بسیار بلکه بی تعداد و بی شمار از وی فیض علوم ظاهری و باطنی یافتند و خوارق و کرامات بسیار از آنجناب بظهور آمدند مزار پر انوار وی در جنت البقیع در مقبره آبا و اجداد [illegible]

[illegible] در جنت البقیع مدفون [illegible] ولادت وی [illegible] ربیع الاول [illegible] وفات بروز دوشنبه [illegible]

جناب احمد حنبل شه دین	که بود او جامع معقول و منقو[ل]
بتولیدش رقم کن قطب احمد ۱۶۴	تبرجالش بخوان محبوب و مقبول ۲۴۲

مثنوی

احمد حنبل آن امام همام	صاحب دین و اسے اسلا[م]
هست تولید آن عجب دلخواه	اقدس ۱۶۵ و احمد و سے الـ[له] ۱۶۵
سال تولید آن امام زمان	عالم پاک وزیب ۱۶۴ عالم خوا[ن] ۱۶۰
سال تولید آن شه اعظم	ناطق است ۱۶۰ و دگر مسیحا د[م] ۱۶۰
ذات او بود کان صلح و فلاح	سال تولید اوست اهل صلا[ح] ۱۶۵
سال تولید آن شه والا	قدس خوان ۱۶۰ معدن ۱۶۴ و نقی ...
سال تولید آن عیان گفتم	سرور را صاحب جهان ۱۶۰ گفت[م]
سال ترحیل آن شه اکمل	هست محمود احمد حنبـ[ل] ۲۴۱
سال ترحیل اوست ای مشتاق	صاحب علم ۲۴۱ و مهدی آفاق ۲۴۱
نیز سرور بدر دور رنج و ملال	گفت مقبول دین ۲۴۲ به سال وصال

تاریخ ولادت و وفات امام علی نقی رضی اللّٰہ عنہ کہ ولادت وی در سال دو[صد] و دوازده یا ۲۱۳ یا ۲۱۴ یا ۲۱۵ - وفات در سنہ دو صد و پنجاه و دو یا ۲۵۴ چار یا پنج بوقو[ع]

نقی روح جهان جان زمانه	که بود او شاه شاهان زمانه
علی هادی امامش ۲۱۴ هست تولید	وصال اوست سلطان زما[نه] ۲۵۴

قطعۂ ثانی

حضرت علی که ذات معلیش سر بسر	در جسم جمله اهل جهان بود مثل جا[ن]
پیر است ۲۱۲ و روح قطب ۲۱۴ زمانه ولادتش ۲۱۲	هادی ۲۱۴ صدق و طاهر و اطهر ۲۱۵ شده عیا[ن]
مهدی علی جمیل ۲۵۲ گو ارتحال او	آل نبی نقی و محمد ۲۵۴ نقی بخوا[ن]

تاریخ ولادت و وفات امام حسن عسکری رضی اللّٰہ عنہ کہ ولادت وے در سال دو صد و سی و یک ۲۳۱ دو یا سه و وفات آن جامع الکمالات در سال دو صد و شصت هجری بوقو[ع]

حسن آن حسن دین مصطفوی	پیشوائے جهان امام زما[ن]
قطب سید ولی است تولیدش ۲۳۱	نیز سید و لے ۲۳۱ عالی دا[ن]

هست قطب الحسن وصال او — باز قطب الموحدین برخوان
بحر مواج سال ترحیلش — گشت ازابر فیض طبع روان

تاریخ ولادت وغیبت امام محمد مهدی رضی الله عنه که ولادت وی در سال دوصد و پنجاه وهشت یا پنج وغیبت یا وفات درسنه دوصد وشصت وچاریا پنج یا شش وقوع آمد

مهدی وهادی امام اولیا — مقتدای دوجهان سید امین
هست ثابت مهدی عالم پناه — سال تولیدش به نزد اهل دین
نیز حسن علم می گردد عیان — سن تولید امام المسلمین
از رحیلش مهدی اهل صفاست — بار دیگر مهدی اهل الیقین

مثنوی

هادی خلق مهدی دوران — نام نامی وی محمد دان
سال مولود آن شه مسعود — طرفه سلطان حق خرد فرمود
سال مولود او چه ها گفته — عقل مهدی حق نما گفته
سال تولید او چو گوهر سفت — عقل سلطان ولی مهدی گفت
شد چو غائب زچشم اهل زمن — سن وسالش سراج شد روشن
می شود سال غیبتش مفهوم — گر شماری زهادی معصوم
باز تاریخ غیبتش به یقین — گشت پیدا ز قطب کامل دین

گنج دوم در ذکر قطعات وفات بزرگان سلسلهٔ خاندان قادریه اعظمیه که متعلق بحضرت غوث الاعظم قطب العالم ابومحمد محی الدین عبدالقادر جیلانیست از شروع سلسله تا این زمانه

تاریخ وفات حضرت معروف کرخی قدس سره که وفات وی در سال دوصد یا دوصد ودو یا دوصد وشش است

شیخ معروف پیر واصل کرخ — گشت چون از جهان دنیا طاق
زبدهٔ اصفیاست تاریخش — شد عیان نیز زبدهٔ آفاق
صاحب عادل است واهل یقین — باز تاریخ آن شه مشتاق

قطعهٔ ثانی

شیخ والا حضرت معروف کرخی مقتدا — چون ازین دنیای فانی کرد رحلت در جنان

شد چو از دنیا بفردوس برین — بود پیرے بے ریا سالش بدان
ہم بگو ابو الفرح محبوب نبی — نیز محی الدین طرطوسے بخوان
واسے کشف و دگر کاشف ولی — سال وصلش آمد از سرو عیان
باز وصل آن شہ عالی جناب — شاہ عالم گشت از خاطر بیان

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن قریشی ہنکاری قدس سرہ کہ در سال چارصد وہشتاد و چار یا ہشتاد و پنج یا ہشتاد و شش بوقوع آمد

ابو الحسن آن رہبر دین رسول — چون ز دنیا گشت راہی در جنان
آفتاب آمد دگر تاج عطا — سال وصل آن شہ والا مقام
سرور ہادے بگو اے خوش خصال — شاہ طیب ابو الحسن دان ایجوان
ہم شہ عادل امام الاولیا — قطب ربانی ولے اللہ خوان
گفت ام اہل محبت اے عزیز — باز مہتاب ازل کردم بیان

تاریخ وفات شیخ ابو سعید مبارک مخزومی قدس سرہ کہ در سال پانصد و سیزدہ یا ہشت از ہجرت حضرت شاہ رسالت بوقوع آمد

ابو سعید آن اسعد دور زمن — جلوہ گر شد در جنان چو ماہ عید
قافلہ سالار سالس ہست نیز — عابد طیب مبارک ابو سعید
شمس حق گو باز قطب عارفان — سال وصلش طرفہ گفت و شنید

قطعہ ثانی

آن مبارک شیخ پیر ابو سعید — سفتہ اے اولیا شاہ اتقیا
شد چو از دنیا بگو تاریخ او — ہادیے محبوب پیرے بے ریا
ہست اشفے از آلہے سال او — باز دل فرمود پیر رہنما

تاریخ وفات شیخ حماد و باس بغدادی قدس سرہ کہ در سال پانصد و بست و پنج یا پانصد و سی و یک بجری بوقوع آمد

شیخ حماد پیر روشن دل — بود در سر معرفت مستور
سال ترحیل او ہست پیر طریق — ہم رقم کن زبے مہ پر نور
سن وصلش فقیر فانے دان — رکن دوران دگر بکن منظور

گفت مسکین عبد قادر هم فقیه نیکنام ‌‌ ‌ خامه ام انظهر وصل آن شه روشن ضمیر

عارف محبوب محی الدین شده تاریخ او ‌ ‌ بانمحی الدین رکن الحق جهر شد از خبیر

مثنوی

محی دین غوث معلی قطب دین ‌ ‌ ذات او محبوب رب العالمین

پیر پیران میر میران دستگیر ‌ ‌ شاه والا پیر هر برنا و پیر

قرهٔ چشم جناب مصطفی ‌ ‌ نور حق لخت دل خیر النسا

سال تولیدش بگوای مدح خوان ‌ ‌ پیر محی الدین والی جهان

بالیقین تولید آن والی حق ‌ ‌ خوان امام المسلمین هادی حق

سال تولیدش بعد صدق و صفا ‌ ‌ شد رقم محبوب قطب اصفیا

سرهٔ تولید آن پیر بگو ‌ ‌ بالیقین سید ولی عارف بگو

سال تولیدش چه خوشتر گفته ام ‌ ‌ عارف احسن دگر مجرم

گفت دل سال وصال او چنین ‌ ‌ اہل دل محبوب رب العالمین

تاریخ وفات شیخ قضیب البان قدس سره که در سال پانصد و هفتاد بوقوع آمد

رهنمای جهان قضیب البان ‌ ‌ شیخ ذیجاه رهبر معصوم

رحلتش کاشف القلوب بگو ‌ ‌ خوان دگر بار پیر دین مرحوم

باز سال وصال او گر دید ‌ ‌ هادی متقی ز دل معلوم

تاریخ وفات شیخ احمد بن مبارک قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و دو به وقوع آمد

شیخ احمد بن مبارک چون بفضل ایزدی ‌ ‌ یافت از دنیای دون در جنت اعلی مقام

رحلتش احمد مقدس بن مبارک شد رقم ‌ ‌ نیز احمد نور ربانی شد از سر و رعیان

شهسوار است دو باره شمس دین حق بگو ‌ ‌ رحلت آن پیر عالمگیر و شاه دو جهان

تاریخ وفات سید احمد رفاعی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

سید احمد رفاعی سرور دور زمان ‌ ‌ شد چو از دنیای فانی راهی خلد برین

قطب کامل شاه دین شد سال رحلتش رقم ‌ ‌ هم بگو احمد رفاعی سید هادی دین

عاشق نامی است هم سال وصال آنجناب ‌ ‌ نیز زیبا باو ارشاد است ای اهل الیقین

هم بخوان احمد کرم قطب حق ای مهربان ‌ ‌ باز احمد صاحب وحدت بخوان ای اهل دین

از عظمای خلفای غوثیه اعظم است و یار وفادار و خادم غمگسار آنجناب بود و تمام عمر در خدمت آنحضرت بسر برده جامع علوم ظاهری و باطنی [illegible] [illegible] است ۱۲ [illegible] نام پدرش ابو الحسن و از سادات حسینی است [illegible] [illegible]

تاریخ وفات سید شرف الدین عیسی خلف الرشید غوث الاعظم که در سال پانصد و هفتاد و سه بوقوع آمد

شیخ شرف الدین چو رفت اندر جنان	سال وصل آن شه اهل کمال
کن رقم مسعود سید پیشوا	متقی پاک هم سال وصال
ذات پاکش بود میر عاقبت	عاقبت شد عاقبت تاریخ سال

تاریخ وفات شیخ صدقه بغدادی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و سه بوقوع آمد

امام جهان صدقه پیر کبیر	فدا کرد در عشق حق جان و تن
ز سرور ارتق سال وصلش بجو	دگر صدقه صادق امام زمن

تاریخ وفات ابو عمر حیرت قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

بو عمر آن مخزن نور خدا	شد چو در خلد برین منزل گزین
سال وصلش بو عمر انور بخوان	نیز فرما مطلع نور یقین
ارتحالش آفتاب کامل است	نیز پیر متقی اے اهل دین

تاریخ وفات شیخ محمد الاوانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و شش بوقوع آمد

چون محمد از جهان با لطف حق	گشت در فردوس والا بهره یاب
رحلتش سرور اعلی شد عیان	نیز شد روشن محمد آفتاب
باز سال ارتحال پاک او	اهل تسلیم آمده اندر حساب

تاریخ وفات شیخ ابو مسعود بن شبلی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بوقوع آمد

شیخ قوی رتبه پیر عالمگیر	بو مسعود آنکه بود زبده حق
عاشق حق بگو به رحلت او	هم شده بو مسعود زبده حق

تاریخ وفات شیخ حیات حرانی قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

چون سفر کرد از جهان فنا	در جنان مهدی زمانه حیات
رحلتش منبع حیات بگو	هم بخوان مهدی زمانه حیات

قطعهٔ ثانی

حیات آب حیات چشمهٔ دین	چو از دنیا بجنت گشت پیدا
ندا شد از دلم اشرف به سالش	دگر آمد عیان شمس المعلی

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الرحمن قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

است و در فتوحات مکی مذکور است که غوث الاعظم در حق وے فرمود که ابن القائد از مفردین است و مفردین جماعه هستند که از دائره قطب خارج اند و خضر علیه السلام هم از ایشان است و رسول صلی الله علیه وسلم هم قبل از نبوت از مفردین بود ۱۲

ابوبکر و لقب شمس الدین و نام ... کنیت وے ... زیارتگاہ خلق است ۱۲ ... در بغداد و ... علوم ظاہر و باطن از پدر ... وقت خود بود و اکتساب ... است از عظمائے بزرگان فرزند دلبند غوث الاعظم

چو از دنیا بجنت گشت راہی — شد اہل الیقین مقبول رحمان

وصالش و انتہائے تسلیم پیداست — دوبارہ متبین مقبول رحمان

دگر بارہ بسال رحلت او — عیان شد ماہ دین مقبول رحمان

قطعہ ثانی

بجنت شد چو از دنیائے فانی — رحیم وارحم محبوب رحمان

بتاریخ وصالش گفت سرور — مکمل اہل دین محبوب رحمان

تاریخ وفات سید شمس الدین عبدالعزیز قدس سرہ کہ در پانصد ہشتاد و نہ بوقوع آمد

سید ذیجاہ و عالی مرتبت — مرشد حق نسا حق بین عزیز

رحلتش مہتاب عالم گفتہ ام — نیز شد روشن ز شمس الدین عزیز

تاریخ وفات شیخ ابو شعیب مدین مغربی کہ در سال پانصد و نود ہجری بوقوع آمد

شیخ بو مدین شعیب مغربی — آن امام دین شہ دور زمن

ہست تاریخ وصال آنجناب — زاہد ہادی شعیب بن حسن

سید طیب ابو مدین شعیب — ہست سال وصل آن فرخندہ تن

ہم رقم کن معدن نور یقین — سال ترحیلش اگر خواہی زمن

قطعہ ثانی

چو بومدین شعیب آن ولی دین — ز دنیا رفت در خلد معلی

شدہ روشن ز رو شند وصالش — شریف آمد و گر از دل ہویدا

تاریخ وفات سید تاج الدین عبدالرزاق قدس سرہ کہ در سال پانصد و نود و پنج بوقوع آمد

شد ز دنیا چو در بہشت برین — عارف حق مجیب تاج الدین

کاشف صدق سال رحلتش گو — نیز سید حبیب تاج الدین

قطعہ ثانی

تاجدار اہل جنت با صفا — شیخ تاج الدین امام المسلمین

ارتحالش آفتاب عالی است — ہم بخوان تاج کمال اہل دین

پس محب مقتدا گو وصل او — باز خوان شاہ جہانگیر از یقین

تاریخ وفات سید ابوالفضل محمد قدس سرہ کہ در سال شش صد بوقوع آمد

سید ابوالفضل فضل اہل فضل — شد چو از فضل خدا اندر جنان

نامی وی عبدالعزیز فرزند دلبند و پسر ... حضرت غوث الاعظم است مرید و شاگرد و خلیفہ پدر عالی قدر ... وفات والد ماجد بجانب ... وطن ... وفات یافت ۱۲

نام وے شعیب و لقب ابومدین بن حسن است مرید و خلیفہ شیخ ابوالفرج ... شیخ محی الدین ... غوث الاعظم ... وفات یافت ۱۲

کنیت وی عبدالرحمن و لقب تاج الدین ... ابوالفرج ... عبدالرزاق ... حضرت غوث الاعظم ... محی الدین عبدالقادر ... است مرید و خلیفہ ...

ابوالفضل ... کنیت وے ... نام ... حضرت ... سید ... غوث الاعظم ... است ۱۲

سیر فردوس است سال وصل او — هم محب متقی کردم بیان
کاشف حق کامل آمد رحلتش — زبدهٔ اشراف هم گشته عیان

تاریخ ولادت و وفات سید ابوزکریا که ولادتش در سال پانصد و پنجاه و در سنه ششصد هجری بوقوع آمد

شیخ زکریا ابو یحیی که بود — شاه عالی قرهٔ چشم علی
قبلهٔ حاجات و عارف حق نما — سال تولیدش نوشتم اے اخی
هم وصے اهل حکمت کن رقم — نیز فرما تاج اهل دین وصے
عاشق پاکیزه دل هم گفت دل — سال تولیدش دوباره متقے
عصمت آمد سن ترحیلش دگر — عارف حق سید طیب وصے

تاریخ ولادت و وفات سید سیف الدین عبدالوهاب قدس سره که ولادتش
در سال پانصد و دوازده و وفات در سنه ششصد و سه بوقوع آمد

شاه سیف الدین شه سیر دو سرا — قاتل کفار با شمشیر دین
سال تولیدش بشیر آمد عیان — تاج حق فرما دهم مهتاب دین
قطب عرفان نیز سالک کاشف است — طالب عشق است و قطب الشاهدین
گفت سیف الدین سیر حق خرد — ارتحال آن شه روی زمین
مقتدای اولیا گو وصل او — عالم اسرار خوان با صد یقین
ارتحالش آفتاب احسن است — نیز شاه نامور اے نکته چین
سیف حق سلطان صادق گفته ام — وصل آن شیخ یقین پیرا بین

تاریخ ولادت و وفات سید ابونصر موسے قدس سره که ولادتش در سال
پانصد و بست و نه و وفات در سنه ششصد و هژده بوقوع آمد

حضرت بونصر پیر با کمال — رهبر عالم شه روی زمین
شد ز دل مفتاح تولیدش عیان — صاحب توحید و هم سردار دین
شاه اکبر خوان و معشوق احد — سال تولیدش به قول مومنین
رحلتش بونصر مقبول انام — نیز شد پیدا ز مهتاب یقین
یار رهبر سید مرشد بگو — ارتحال پاک او فارغ نشین

تاریخ وفات شیخ موفق الدین مقدسی قدس سره که در سال ششصد و بست و دو بوقوع آمد

چون شیخ موفق بن محمد ز دنیا گشت سوے خلد مامور
رقم کن لفظ برکت یا تبرک بتاریخش دگر نور علی نور

تاریخ ولادت و وفات سید ابو اسحاق ابراہیم قدس سرہ که ولادت وے در سال پانصد و بیست و ہفت و وفات در سال ششصد و بیست و سه بوقوع آمد

سید ابراہیم پیر رہنما حامی دین پیشواے دو جہان
کاشف دین نجی تولیدا وست رحلتش دان کاشف عالی مکان

قطعه ثانی

شیخ بو اسحاق ابراہیم دین پیر عالم سید اہل کمال
واے تبیلیغ تولیدش بگو باز ابراہیم نور حق وصال

تاریخ وفات شیخ صدر الدین قونیوی قدس سرہ که در سال ششصد و سی بوقوع آمد

صدر دین صدر اولیاے کرام شد ز دنیا چو در بہشت بہین
وصل او ہست آفتاب علوم نیز واصل صدق صدر الدین
متقی نیک رہبر اکبر ہست سال وصال آن حق بین
باز فرما ولئ دین درویش سرور او وصل او بصدق یقین

تاریخ ولادت و وفات شیخ محی الدین ابن العربی که ولادت وے در سال پانصد و شصت و وفات در سنه ششصد و سی و ہفت یا ہشت بوقوع آمد

محی دین پیر زنده دل والا ہادی سالکان روے زمین
ہست سال ولادتش نعمت صاحب کشف مہدی است ببین
نیز جو لیش ز صاحب التوحید عارف دہر ہم بخوان بیقین
عقل فرمود صاحب الارشاد سال ترحیل او بصد تزئین
کن رقم نیز ہادی تحقیق ہم بخوان آفتاب محی الدین

تاریخ وفات شیخ محمد بن احمد الاجوبی که در سال ششصد و پنجاه و ہشت بوقوع آمد

شیخ احمد چو از عنایت حق کرد رحلت ازین جہان به وطن
رحلتش ماہتاب صاحب حق کن رقم نیز ماه نور و سرور
باز احمد شه مکرم دان وصل آن پادشاه دور من

غایت ایجاد شرم پر ور دگار خود نامی سال رحلت ... وے در بغداد متصل مزار پدر بزرگوار وی است ۱۲
کنیت وی ابو المعالی است و نام صدر الدین از عظماے مریدان و بہترین خلفاے غوث الاعظم است و مولانا قطب الدین علامه شیرازی در حدیث شاگرد وی است ۱۲
نام نامی وے ...

تاریخ وفات سید امام عبد الله یافعی قدس سره که در سال هفتصد پنجاه و پنج یا شصت الوقوع آمد

آن امام یافعی نور آله	بود اندر مکه یکی قطب الولی
هاتفم فرمود سال رحلتش	کاشف اسرار امام یافعی
هم قمر رکن زاهد اهل بهشت	هم ولی بوستان یافعی
اهل دل مخدوم هم گردد عیان	هم شهنشاه عزیز است ای ولی

تاریخ وفات سید عبد الملک بهاکهری که در سال هشتصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

مقتدای دو جهان عبد الملک	هادی و مهدی امین سید شریف
رحلتش خوان مقتدای زمان	نیز کامل اهل دین سید شریف

تاریخ وفات سید عبد الواسع بهاکهری قدس سره که در سال هشتصد و هشتاد بوقوع آمد

عبد واسع سید هر دو سرای	مقتدا و رهنما و متقی
شمع عشق آمد وصال پاک او	باز فرما سید مخلص ولی

تاریخ وفات سید عبد الخالق بهاکهری که در سال نهصد و هفت بوقوع آمد

شاه عبد الخالق آن هادی خلق	شد چو از دنیا بفردوس برین
کاشف ارشاد گو تاریخ او	نیز فرما عبد خالق اهل دین

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین جمشیدی قدس سره که در سال نهصد و بیست و یک بوقوع آمد

شیخ روی زمین بهاء الدین	ماه فردوس و بدر چرخ کمال
رفت چون از جهان بجنت خلد	عارف شیخ و ذاکر آمد سال

تاریخ وفات سید محمد غوث حلبی اوچی گیلانی قدس سره که در سال نهصد و بیست و سه بوقوع آمد

بفردوس برین چون کرد رحلت	محمد غوث پیر سید دین
محمد شاه میران قطب اقطاب	بگو تاریخ او با طبع رنگین
دگر سلطان اکبر متقی گو	بسال رحلت آن شاه حق بین

قطعه ثانی

چو شد از جهان در بهشت برین	جناب محمد امام زمان
شده سال ترحیل آن شاه دین	ز مخدوم هم عالم محمد عیان

تاریخ وفات شیخ سید ... لاهوری که در سال نهصد و سی و سه بوقوع آمد

چو از دنیا بفردوس برین رفت — جناب شاه حق آگاه فیه
چو از دل سال ترحیلش بجستم — عیان شد میر سید شاه فیه

قطعهٔ ثانی

شد چو از عالم بخلد جاودان — معدن نور خدا فیروز شاه
عارف اشراف تاریخش بگو — نیز قطب الاصفیا فیروز شاه

تاریخ ولادت و وفات سید عبد القادر ثانی اوچی که ولادت وے در سنه هشتصد و شصت و دو و وفات در سنه نهصد و چهل و نو وقوع آمد

عبد قادر ولی لاثانی — شیخ ذی جاه سید معصوم
طرفه شکاستانے عالم شد — سال تولید آن ولی مرقوم
سید مخدوم گو بترحیلش — هم بخوان ماه عَلَم دین مخدوم
شاه خلد است و رهنمائی خلد — گر بخواهی سال وصل او معلوم

قطعهٔ ثانی

شیخ نامی پیر عبد القادر است — سید عالی شه روے زمین
طرفه تاج الفقر واصل شد رقم — سال تولیدش بدان ای اهل دین
سن ترحیلش به اقوال صحیح — دان خدا دان شیخ اهل الیقین

تاریخ وفات شیخ محمود حضوری لاهوری که در سال نهصد و چهل و دو به وقوع آمد

رفت از دنیا چو براه جنان — شیخ محمود پیر باکمال
صاحب مشتاق تاریخش بگو — نیز شمس العارفین اهل جمال
هم بکرم مرشد محمود خوان — باز فضل ایزدی دانش وصال

تاریخ وفات سید عبد القادر گیلانی لاهوری که در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

عبد قادر سید نورانی است — قطب دوران سالک ربانی است
خیمه اسلام آمده ترحیل او — بار دیگر عبد قادر ثانی است

تاریخ وفات سید عبد الرزاق گیلانی اوچی که در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

عبد رزاق شاه والا جاه — رفت چون در جنان ز دور زمان
میر حق آفتاب گو سالش — باز مخدوم قطب عالم خوان

تاریخ وفات سید مبارک حقانی گیلانی اوچی که در سال نهصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

مبارک شد چو فردوس معلی — بآن سید مبارک پیر یکتا
زفیض الله پسر در رحلتش یافت ۹۵۶ — دگر فضل آلہ گشت گویا ۹۵۶
بگو سید مبارک پیر رہبر ۹۵۶ — ولی دو جہان مشتاق فرما ۹۵۶
کرم یار حق سید مبارک ۹۵۶ — عیان شد وصل آن شاه معلی
دگر شیخ ولی و باه فضل است ۹۵۶ — وصال آن ولی محبوب مولی

تاریخ وفات سید محمد غوث بالا پیر صاحب سکهره که در سال نهصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

شد چو رخلد برین منزل گزین — آن محمد غوث پیر دستگیر
وان وصالش میر مہدی مستقیم ۹۵۹ — نیز صادق شاه بالا پیر پیر ۹۵۹
باز عارف با خدا شد جلوه گر ۹۵۹ — سال وصل آن شه روشن ضمیر

تاریخ وفات سید بہاول شیر گیلانی حجره واله که در سال نهصد و هفتاد و سه بوقوع آمد

چون بہاو الدین زد بیار رخت بست — رفت در فردوس چون سرو سهی
مہدی ابرار شیر آمد عیان ۹۷۳ — سال وصالش نیز شیر جلی ۹۷۳
شیر غفران نبی گو رحلتش ۹۷۳ — نیز بدل شیر سلطان الولی ۹۷۳
باز گو ترحیل او سرو بہشت ۹۷۳ — نیز قطب الاکرمین شیر اخی ۹۷۳

قطعه ثانی

رفت چون از جہان بہاو الدین — یافت مسکن بجنت الاعلی
پیر اہل صفا بہاول شیر ۹۷۳ — گشت تاریخ رحلتش پیدا
نیز شیر دلیر حق عالی ۹۷۳ — ہست تاریخ آن شه والا

قطعه ثالث

شد بہاول شیر در خلد برین — زین جہان پر بلا چون گشت سیر
سال تاریخ وصال آنجناب — گفت سرور قطب حق شیر ولی ۹۷۳

تاریخ وفات مخدوم جی قاری قدس سره که در سال نهصد و هفتاد و هشت بوقوع آمد

شد چو مخدوم از جہان بیوفا — گشت در فردوس والا جای گیر
رحلتش مخدوم قطب العالم است ۹۷۸ — هم بخوان یادی مخدوم الکبیر ۹۷۸

ابن سید مبارک گیلانی ... صاحب تجرید و تفرید بود ... صاحب کشف و کرامت ... خاندان قادری ... شد و در آخر عمر ... وفات یافت

سید نظام الدین ... سید عبدالقادر گیلانی ... صاحبزاده سید ابوالحیات ... بن سید عبدالقادر ثانی ... سید غوث ... در بیابانی بخوبی ... سید عبدالقادر گیلانی که سید بہاؤ الدین شیر بن سید محمود بن سید بہاول علاؤ الدین بن سید زین العابدین المشہور شیخ الدین بن سید صدر الدین بن سید ظہیر الدین بن سید ... بن سید ... مشتاق بن سید ... بن سید صالح بن سید علی بن عبدالرزاق بن سید عبدالله ... غوث الاعظم قدس سره ... بغداد است

یکصد سال ... خلوت کرد ... در کوہستان ... از دوازده سال ... بمقام ... در بداؤن ... وطن ... در بداؤن
به قول صاحب اخبار الاخیار این بزرگ در شہر بدر که از دیار دکن ست سکونت داشت تمام شب در نوافل گذرانیدی ...

سید آفاق عبد الرزاق بن حضرت غوث الاعظم قدس سره بن سید ابی صالح نصر بن سید عبد الجبار بن سید محمد ... بن سید ابدال بن سید نصر بن سید ... است که ... سلسلهٔ آبای ... داشت ... قطاع ... سکونت ... در راه ... قلعه از سادات گیلانی ... نام پدرش سید ابدال

شد چو اسمعیل از دار البقا	مسکن خود یافت در دار السلام
رحلتش آمد عیان مهتاز وقت ۹۹۴	نیر اسمعیل مخدوم انام ۹۹۴

تاریخ وفات سید اله بخش گیلانی لاهوری که در سال نهصد و نود و چار بوقوع آمد

اله بخش آن ولی دین احمد	ز دنیا شد چو در خلد معلی
بجستم از خرد وسال وصالش	ز فیاض زمانه گشت پیدا ۹۹۴
اله بخش است نام آن گرامی	محمد بخش شد سالش هویدا ۹۹۴

تاریخ وفات شیخ خضر سیوستانی که در سال نهصد و نود و چار بوقوع آمد

شیخ خضر آن رهنمای راه حق	متقی اسی دین ولی متقی
هادی دین شیخ شد از دل عیان ۹۹۴	سن وسال انتقالش ای اخی
آفتاب عارفان حق بگو ۹۹۴	نیز سالک متقی نور الولی ۹۹۴

تاریخ وفات سید شاه نور حضوری لاهوری که در سال نهصد و نود و هفت بوقوع آمد

گشت روشن چون بخلد جاودان	سید و سردار سرور شاه نور ۹۹۷
سال وصلش از خرد شد جلوه گر	هادی احسن منور شاه نور ۹۹۷
زو الکریم خوان نیز سال وصل او ۹۹۷	هم بدان مقبول انور شاه نور ۹۹۷

تاریخ وفات سید موسی پاک شهید گیلانی ملتانی که در سال یکهزار و یک بوقوع آمد

چو موسی از جهان رخت سفر بست	عیان شد رحلت آن شاه حق بین
ز قطب الاصفیا موسی ثانی ۱۰۰۱	دگر موسی ثانی نیر دین ۱۰۰۱

تاریخ وفات شیخ عبد الوهاب متقی شاذلی چشتی که در سال یکهزار و یک بوقوع آمد

ز دنیا شد چو در خلد معلی	جناب شیخ اکمل عبد وهاب ۱۰۰۱
رضا جو شیخ کامل گو بسالش ۱۰۰۱	دگر بر خوان ز افضل عبد وهاب ۱۰۰۱

تاریخ وفات سید صوفی گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و دو هجری بوقوع آمد

شه خلد صوفی صافی ضمیر	شریفی ز اولاد پاک علی
شود سال ترحیل او جلوه گر	ز مخدوم صوفی سید ولی ۱۰۰۲
ز فیاض سالک بجو رحلتش ۱۰۰۲	دگر قطب فیاض دان ای اخی ۱۰۰۲

تاریخ وفات سید کامل شاه لاهوری که در سال یکهزار و پنج هجری بوقوع آمد

قدس سره ۱۲۰۵ فرزند سید محمد بن زین العابدین بن عبد القادر ثانی اچی است در لاهور آمده بعلم مشیخت افراخت وهمین جا وفات یافت ۱۲۴۳ در سیوستان سکونت داشت پیر روشن ضمیر خرقه ... میان میر لاهوری است ۱۱۵۵ فرزند ارجمند سید محمود حضوری لاهوری ... ۳۰ ...

جناب شیخ کامل صدر دیوان ندا شد بہر سال انتقالش
بعلم عشق کامل قطب عالم کہ شاہنشاہ کامل قطب عالم ۱۰۰۸

تاریخ ولادت و وفات شیخ لعل حسین لاہوری کہ ولادتش در سال نہصد و چہل و پنج و وفاتش در سنہ یکہزار و ہشت ہجری مقدس بہ وقوع آمد

طالب عشق و عاشق جانباز
ماه عالم حسین نور الحسین
گشت پیدا انیس دین سرمست ۹۴۵
سال تولید او بہ زینت و زین
گفت سر ور عشق سرمست ۱۰۰۸
سال ترحیل آن شہ کونین
شیخ محمود نیز شیخ زمان ۱۰۰۸
وصل او ہست شمع عشق حسین ۱۰۰۸

تاریخ وفات شاه بدر گیلانی قدس سره کہ در سال یکہزار و ہژده بوقوع آمد

چو بدر الدین ازین دنیاے فانی
سفر در زید و شد در گلشن جنت
رقم کن فضل حق یا شیخ حق سال ۱۰۱۸
دگر سید ولی بدر الکرامت ۱۰۱۸

تاریخ وفات شاه شمس الدین لاہوری کہ در سال یکہزار و بست و یک بوقوع آمد

جلوه گر شد چون باوج ہفت چرخ
روح شمس الدین ولی با صفا
سال ترحیلش عیان شد از خرد
ہادی محبوب شمس الاتقیا ۱۰۲۱
فخر عالم نیز شمع بوتراب ۱۰۲۱
باز مجذوب کریم آمد ندا ۱۰۲۱
صاحب ذکر است و ہم عارف سخی ۱۰۲۱
شیخ عالی نیز ہادی رضا ۱۰۲۱

تاریخ وفات سید عبد القادر ثالث لاہوری کہ در سال یکہزار و بست و دو بوقوع آمد

عبد قادر چو شد ز دار فنا
یافت از حق تجلی و الاجا
فیض اسلام گو تاریخش ۱۰۲۲
ہم بخوان عبد قادر اہل خدا ۱۰۲۲

تاریخ ولادت و وفات شیخ خیر دین ابو المعالی قادری لاہوری کہ ولادتش در سال نہصد و شصت و وفات در سنہ یکہزار و بست و چار ہجری بوقوع آمد

ابو المعالی خیر دین احمدی
آنکہ شد پر نور ز رو روے زمین
خیر دین مولی است تولیدش عیان ۹۶۰
رحلتش فرما متقی خیر دین ۱۰۲۴

تاریخ وفات شیخ عبد اللہ سہتی قدس سره کہ در سال یکہزار و سی و ہفت بوقوع آمد

شد ز دنیا چو در بہشت برین
شیخ با اختصاص عبد اللہ

و بہ ہدایت خلق مصروف ماند مزارش در بہت برکنار دریاے جون است ۱۲۵۸ از عظماے مشائخ قادریہ و اکمل مریدان شاه اسکندر

هست وصلش امام دین فیاض — نیز صدیق خاص عبد الله

تاریخ وفات شیخ طاهر لاهوری قادری که در سال یک هزار و چهل بوقوع آمد

شیخ پاکیزه طاهر و اطهر — رفت طاهر چو زین جهان بجهان
سال تاریخ آن شه ذی جاه — خواجهٔ طاهر و مقدس خوان

قطعهٔ ثانی

شیخ طاهر چون ز دنیا پاک رفت — سال وصل آن شه والا وے
مے شود روشن ز روشن آفتاب — هم وے طاهر بزرگ ستے
باز طاهر بادشاه اتقیا — سال ترحیلش رقم کن اے اخی

تاریخ ولادت و وفات حضرت میاں میر بالا پیر لاهوری قدس سره که ولادتش در سال نهصد و پنجاه و هفت و وفات در سنه یکهزار و چهل و پنج بوقوع آمد

میر دنیا و دین میاں میر است — واقف راز و محرم اسرار
هست میر بهشت تولیدش — هم میاں میر چشمهٔ انوار
بندهٔ مقتدا میاں میر است — طرفه تولید آن شه ابرار
هادی صدق میر اشرف دان — واصل آن شاه زبدة الاخیار
نیر فیاض حق وے آمد — هم میاں میر دستگیر اے یار

تاریخ وفات شاه بلاول قادری لاهوری که در سال یکهزار و چهل و شش بوقوع آمد

ز دنیا شد چو در خلد معلی — جناب شه بلاول شاه شاهان
بگو مقبول حق سرے تاریخ — دگر کامل شه فضل است اے جان
بلاول قبلهٔ دین شاه عشق است — دگر مقبول عشق آمد نمایان
بلاول پیر محبوب بهشت است — وصال آن شه دین شاه عرفان

تاریخ وفات شیخ عبد الحق محدث دهلوی که در سنه یکهزار و پنجاه و یک بوقوع آمد

ز دنیا وصل با حق یافت آخر — چو عبد الحق ولی پاک معصوم
وصالش یافتم با طرز رنگین — ز عبد الحق امام دین مخدوم

تاریخ وفات سید محمد محکم الدین قدس سره والا که در سنه یکهزار و پنجاه و پنج بوقوع آمد

چون محمد مقیم محکم دین — شد ز دار الفنا مقیم بهشت

رحلتش دو شنبہ از نقیمہ آمد	نیز جان جنان مقیم بہشت
شد عیان نیز افضل الاقطاب	سال ترحیل آن مقیم بہشت

تاریخ ولادت و وفات شیخ بادشو لاہوری کہ ولادتش در سال نهصد و هشتاد و سه و وفات در سنه یکهزار و پنجاه و شش ہجری الاقدس بوقوع آمد

عاشق اللہ و محبوب حسین	شیخ بادشو در دو عالم بادشاہ
مخزن علم و عمل تولید اوست	خواه گو شیخ جلیل اے نیکخواه
ہست عجب معرفت بادشو وصال	باز گو ست نفس عشق آلہ

تاریخ وفات شاہ سلیمان قادری قدس سرہ کہ در سنه یکهزار و شصت و پنج بوقوع آمد

سلیمان مقتدا اے ہر دو عالم	شہ دین پیشوا اے اہل دوران
سلیمان پیر شاہنشاہ گفتم	رہبر وصل ثانی سلیمان

تاریخ وفات سید جان محمد حضوری لاہوری کہ در سال یکهزار و شصت و چهار بوقوع آمد

گرد چون عزم سفر زین دار فانی سوی خلد	شہ عالی لقا جان محمد رہبر جنت
بیان کن جان جنت عاشق مولی وصال او	عیان کن سرور جان محمد سرور جنت

	قطعہ ثانی

جان ہر دو جہان محمد جان	گرد چون از جہان بخلد ظہور
فیض دین سالک است ترحیلش	باز جو وصلش از محبّ ظہور

تاریخ وفات سید عبدالرزاق المشهور شاہ چراغ لاہوری کہ در سال یکهزار و شصت و نہ بوقوع آمد

جلوه گر شد در جنان مثل چراغ	چون چراغ آن آفتاب عارفان
گشت روشن سال ترحیلش ز دل	سید حق آفتاب عارفان

تاریخ وفات ملا شاہ قادری لاہوری کہ در سال یکهزار و شصت و نہ بوقوع آمد

ملک جنت یافت چون از فضل حق	شیخ ملا شاہ شاہ با عطا
قطب شیخ الاولیا تاریخ اوست	ثانیا محبوب اعظم شد ندا
پس محمد شاہ محمود عاقبت	ہست بہر رحلت او مدعا
باز گفتم سالک محرم سخی	نیز ملا شاہ مطلوب خدا

تاریخ وفات شاہزاده داراشکوه قادری کہ در سال یکهزار و هفتاد بوقوع آمد

رحلتش هست عارف سرمست
نیز فرما فضیل واصل دین

تاریخ وفات شیخ رحیم داد نوشاهی قادری که در سال یکهزار و یکصد و پانزده بوقوع آمد

در جنان یافت رتبهٔ اعظم
هست دریای فیض تاریخش
چونکه آن اعظم و عظیم و رحیم
هم بخوان اشرف و کریم رحیم

تاریخ وفات سید حسن پشاوری گیلانی که در سال یکهزار و یکصد و پانزده بوقوع آمد

حسن احسن یافت در خلد برین
رحلتش شیخ حسن مطلوب گو
چون جناب سید والاحسن
نیز فرما فاضل مولی حسن

تاریخ وفات شاه رضا قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و شانزده بوقوع آمد

با نعمت خلد گشت راضی
دل گفت که آفتاب خلد است
چون شاه رضا ولی والا
تاریخ وصال آن [illegible]

تاریخ وفات شاه درگاهی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و بیست و دو بوقوع آمد

گشت روشن چو رفت از دنیا
شیخ پیر است ارتحالش نیز
در جنان همچو ماه درگاهی
قطب سرور شاه درگاهی

تاریخ وفات شیخ تاج محمود قادری نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و بیست و سه بوقوع آمد

تاج سر از خلد شد با عز و شان
شد عیان سالش ز فیاض کبیر
نیز سرور گفت سال وصل او
حامد و محمود و پیر مقتدا
باز شد پیدا ز شیخ الاصفیا
عاقبت محمود تاج اولیا

تاریخ وفات سید نور محمد حجره والا که در سال یکهزار و یکصد و بیست و شش بوقوع آمد

نور محمد آن سه عالم چو از جهان
شاه کریم متقی آمد وصال او
بر عرش حق رسید بقرب جلیل حق
دیگر بگو که نور محمد خلیل حق

تاریخ وفات حافظ برخوردار نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی بوقوع آمد

شد چو برخوردار در باغ بهشت
حافظ عالم بگو تاریخ او
باز محبوب جهان شاه بهشت
شیخ برخوردار پیر رهنما
نیز فرما دوستدار مجتبی
بهر سالش حاصل آمد مدعا

تاریخ وفات شیخ هاشم دریا دل نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی و پنج بوقوع آمد

عالیجناب ... پیر شاه عبد اللطیف
صابری شد ...
...
یافت بعد وفات پدر بر سجاده
...
سجاده نشست

مولانا عبداللہ لاہوری ... فضیلت علم بخدمت ... ظاہری شاگرد مولانا عبدالحکیم سیالکوٹی است که در اوائل عمر از وے فیض یاب گردید ... مخاطب گردید ... ونیز ثانی شیخ حاجی محمد نوشاه ... ارادت ... است

همچو دریا شد روان اندر بهشت	پیر ہاشم شاه بحر معرفت
سال ترحیلش بگو دریائے فضل ۱۱۳۵	نیز حق آگاه بحر معرفت ۱۱۳۵

تاریخ وفات سید احمد شیخ الهند گیلانی که در سال یکهزار و یکصد و سی و شش بوقوع آمد

رفت احمد چو در بهشت برین	وصل آن شیخ دین و حق آگاه
اعظم الاولیاء وے گفتم ۱۱۳۶	همدگر شیخ هند ایت الله ۱۱۳۶

تاریخ وفات سید بدرالدین گیلانی که در سال یکهزار و یکصد و سی و شش بوقوع آمد

بدر چہره رخ زمانه بدرالدین	شه چو روشن باوج باغ جنان
سال تاریخ رحلتش سرور	بدر دین پیر دین شریف بخوان ۱۱۳۶

تاریخ وفات شاه شرف لاهوری که در سال یکهزار و سی و هفت بوقوع آمد

چون مشرف شد بجائے بهشت	آن شرف شیخ یقین تاج الشرف
سال وصل اوست شیخ المؤمنین ۱۱۳۷	هم بخوان محبوب دین تاج الشرف ۱۱۳۷

تاریخ وفات شیخ عصمت الله نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی و هفت بوقوع آمد

چو با صدق و یقین اندر جنان رفت	جناب شیخ صادق عصمت الله
غلام الله خوان سال وصالش ۱۱۳۷	دوباره جو ز عاشق عصمت الله

تاریخ وفات حضرت شاه عنایت قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و چهل و یک بوقوع آمد

چو از فضل عنایات آلہے	عنایت رفت از دنیا بجنت
زمستان کرم جو وصالش ۱۱۴۱	دگر تاج یقین اهل عنایت ۱۱۴۱

تاریخ وفات سید حاجی عبدالله گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و چهل و یک بوقوع آمد

شیخ عالمگیر عبدالله پیر	سیر جنت شد چو با فضل و عطا
سال ترحیلش بخوان عاشق سخی ۱۱۴۱	نیز فرما اهل نعمت مقتدا ۱۱۴۱

تاریخ وفات شیخ جمال الله نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و دو بوقوع آمد

چون بباغ جنتے شد جلوه گر	آن جمال باکمال معرفت
رحلتش شیخ کبیر است و دگر ۱۱۴۲	قبلهٔ عالم جمال معرفت ۱۱۴۲
یا ز شیخ العالمین تحریر کن ۱۱۴۲	سال وصل آن هلال معرفت

تاریخ وفات شیخ محمد معموری نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و پنج بوقوع آمد

تاریخ وفات میر سیف الدین حجره واله که در سال یکهزار و یکصد و شصت و شش بوقوع آمد

میر سیف الدین امیر با جلال	کرد چون در خلد از دنیا ظهور
سیف دین مهر بهشت آمد وصال	باز دیگر نور فضل و شیخ نور

وفات شیخ رحمت الله نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و شصت و هفت بوقوع آمد

شد چو رحمت برحمت حق وصل	هست تاریخ آن شه ابرار
رحمت الله ولی رهبر نیز	رحمت الله معدن الانوار
شیخ النور دگر بتاریخش	بنویس و ببین بخوان بشمار

تاریخ وفات شیخ نصرت الله نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد بوقوع آمد

رفت با نصرت چو در خلد برین	نصرت الله ناصر کون و مکان
رستم عشق است سالش کن رقم	نیز نصرت واصل کامل بخوان
شمس اهل خلد هم کرده ظهور	عاشق نور تجلی شد عیان

تاریخ وفات سید بهلی شاه قصوری که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و یک هجری بوقوع آمد

چو بهلی شاه شیخ هر دو عالم	مقام خویش اندر خلد ورزید
رقم کن شیخ اکرم ارتحالش	نگر هادی اکبر هست توحید
دوباره گو منور تاج عشاق	بسال رحلت آن شاه تفرید

تاریخ وفات محمد عظیم قادری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

چون محمد عظیم اعظم وقت	شد بصد عظمت از زمانه جدا
رحلتش فاضل کریم آمد	نیز شیخ جلال اهل صفا
زیب عالم عظیم تاریخ است	بهر ترحیل آن شه اعلی

تاریخ وفات شاه سردار قادری که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

شاه سردار و ولی و متقی	شد شه فردوس با صدق و صفا
گشت روشن از خرد خورشید دین	سال وصل شاه بچون مهر و ماه
باز خورشید جلال است و دگر	سید هادی پیشوا سردار شاه

تاریخ وفات سید محمد عبد الرزاق المشهور میر محمد که در سال یکصد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

عبد رزاق میر عالی جاه	ذات پاکش بدو جهان طاق است

تاریخ وفات سید غلام نبی حجره والا که در سال یکهزار و دوصد و چهل و هفت بوقوع آمد

رفت چون زین دهر بخلد برین	حاکم دین شاه غلام نبی
گفت بتاریخ وصالش خرد	طالب الله و غلام نبی ۱۲۴۷

تاریخ وفات سید قطب الانام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال یکهزار و دوصد و پنجاه بوقوع آمد و ولادت وی در سنه یکهزار و یکصد و هشتاد و ... بوقوع آمد

قدوة اقطاب آن شه قطب الانام	میر قطب الدین وے متقی
سال ترحیلش ز چرخ چارمین	طرفه خورشید سنی شد منجلی ۱۲۵۰
حلتش مخدوم نعمت کن رقم ۱۲۵۰	نیز قطب الافضلین کامل ولی ۱۲۵۰

تاریخ وفات شیخ مسلم خان لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و پنجاه و چهار بوقوع آمد

جناب شیخ مسلم خان والا	بجنت رفت چون زین دهر پرشور
و نے مهربان شیخ است سالش ۱۲۵۴	دگر آمد عیان محبوب منظور ۱۲۵۴

گنج سوم در بیان قطعات تاریخ وفات حضرات سلسله چشت نیک سرشت تاریخ وفات خواجه حسن بصری رضی الله عنه که در سال یکصد و ده یا یازده یا دوازده یا چهارده بوقوع آمد

خواجه دو زمن آن محسن و حسن حسن	زیب بصره زینت دین مقتدا و متقی
سال وصلش قطب گو اعلی بدان سالک بخوان	هم ولی امجد همایون هادی ملک و علی
مه جبین و ماه دین و طاق و باحق گفته‌اند	جامع و والی دین و کافی و زنده ولی
اهل گل هست و مساز و محب یکدل است	شد دگر ماه بلال از اوج خاطر منجلی
ها و نے کامل محب دین و عابد پاکباز	وان وسیله بازگو اهل جمال از آگهی

تاریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که در سال یکصد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

عبد واحد صاحب توحید پیر	فرد و یکتا شد چو آخر از زمان
معدن جود است و عابد زنده دل	سال وصل آن شه والا مکان
زبدهٔ دین عبد واحد کن رقم	هم امام عبد واحد کن بیان
نیز تا بخشش بقول اهل حق	وان یقین حق بین دگر قطب جهان

تاریخ وفات خواجه فضیل بن عیاض که در سال یکصد و هشتاد و شش یا هشتاد و هفت بوقوع

چون فضیل از فضل حق شد در بهشت	سال وصل آن شه دار القرار

موسوم شد و وے در عالم خرد سالی از کوزه آب حضرت رسالتمآب آب خورد ازین سبب علوم نبوی در وجود وے سرایت نمود ۱۲۱۱ھ خلیفه راستین خواجه حسن بصری است ابوالفضل کنیت داشت و نیز خرقه تبرک از خواجه کمیل بن زیاد که وی نیز از خلفای امیرالمؤمنین علی است پوشید و وے بعد سه روز از وفات کرده ۱۲ ۱۷۶ھ از اولیای نامدار مشایخ بغداد مقتدا از متقدمین است ابو علی کنیت داشت و ابوالفیض نیز گفته‌اند اصل وے از کوفه و تولدش در سمرقند یا بخارا است و خرقه فقر و خلافت از حق پرست خواجه عبدالواحد بن زید پوشید و از شیخ المشایخ ابی عیاض بن منصور ... سلمی کوفی نیز خلافت داشت

این آیت بخواند الم یان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذکر الله باستماع این آیت فی الحال تائب شد بعبادت حق مشغول گردید و از کاملان

ماه عالم پس امام عدل گو	سید اقطاب و واقف کن شما
بو علی هادے امجد کن رقم	تا بماند بہر رحلتش یادگار
صاحب ہوے و اہل سیف نیز	از صوفے کن بہ سالش اختیار

تاریخ وفات سلطان ابراہیم بن ادہم کہ در سال دوصد و شصت یا شصت و یک یا دو یا شصت و ہفت یا ہشتاد و یک بوقوع آمد

شیخ ابراہیم سلطان الورے	شد چو از دنیا بہ فردوس برین
دل ببال وصل آن والا ہمم	قطب حق بین گفت و ہم قطب الیقین
شد رقم قطب تقی سال او	نیز سلطان ہمایون بالیقین

تاریخ وفات خواجہ حذیفۃ المرعشی کہ در سال دوصد و پنجاہ یا دوصد و ہفتاد و شش بوقوع آمد

مرعشے پیر جہانگیر و ے	چون مخلد گشت در خلد برین
ارتحال آن شہ والا جناب	قطب عالم گو دو بارہ پیر دین

وفات خواجہ ہبیرۃ البصری قدس سرہ کہ در سال دوصد و ہشتاد و ہفت بوقوع آمد

باصر اہل بصیرت شیخ حق	شیخ بصرے چون بجنت یافت جا
رحلتش کامل امین الدین بگو	بار دیگر خوان جمال الاصفیا
وصل او موصل شد زاہد کریم	ہم فنائے اللہ شد از دل ندا

تاریخ وفات خواجہ علو ممشاد دینوری کہ در سال دوصد و نود و ہشت ہجری بوقوع آمد

چونکہ اعلے علو دینورے	یافت عالی مقام باغ جنان
مہربان است و نیر والا	سال ترحیل آن شہ ذیشان
پس صبور و عزیز صدیق است	زاہد دین علو عالے دان

تاریخ وفات خواجہ ابو اسحاق شامی کہ در سال سہ صد و بست و نہ ہجری بوقوع آمد

ذاکر شام و سحر شاہے و لے	شد چو از دنیا بجنت شادکام
وصل پاکش ہست قطب الواصلین	ہم ابو اسحاق محبوب انام
رحلتش سلطان ابو اسحاق گو	پس بخوان رکن جہان اے نیکنام
باز شد پیدا ز مہدے کریم	ارتحال پاک او تم الکلام

تاریخ ولادت و وفات خواجہ ابو احمد ابدال چشتی کہ ولادتش در سال دوصد و

هم بخوان واسطے دین مہر جمال — نیز کن تحریر عالی پیشوا

کعبهٔ دین شاه مودود اداست — رحلت آن بادشاه اتقیا

ارتحالش هم رقم شد از قلم — صاحب مودود واسطے پیشوا

هم شه محمود بن مودود خوان — انتقال او زسرور والدعا

تاریخ وفات خواجه پیر کبار ولوزی که درسال پانصد پنجاه هجری بوقوع آمد

از جهان چون شیخ ولو شیخ دین — رفت در دربار جنت یافتا بار

متقی آمد وصال پاک او — هم وسے دو جهان پیر کبار

تاریخ ولادت ووفات خواجه احمد چشتی که ولادتش درسال پانصد وهفت ووفاتش در پانصد وهفتاد بوقوع

شیخ دین احمد که در پیران چشت — بود شیخ اهل حال واهل قال

مهربان قطب زمان تولید او — عاشق احمد وسے دال انتقال

تاریخ وفات شاه محمد سنجان چشتی که درسال پانصد ونود وهفت بوقوع آمد

ستلے رتبه در ملک جنان یافت — چو سنجان شاه عالیجاه محمود

وصالش جوز واسئے متقی نیز — زعالی زبدهٔ دین شاه محمود

تاریخ وفات خواجه حاجی شریف زندنی که درسال ششصد ودوازده بوقوع آمد

چون مشرف شد باشراف بهشت — اشرف التاثیر حاجی شریف

یار عرفان پیر کشف آمد عیان — رحلت آن پیر حاجی شریف

هم بگو مهتاب دین اهل دین — نیز کن تحریر حاجی شریف

تاریخ وفات خواجه عثمان هارونی چشتی که درسال ششصد وهفده بوقوع آمد

از زمین چون شد براوج آسمان — شیخ عثمان مقتدا و اولیا

قطب حق آمد وصال پاک او — جلوه گر شد نیز تاج الاصفیا

تاریخ ولادت ووفات خواجه معین الحق والدین حسن سنجری که ولادت درسال پانصد وسی وهفت ووفات درسنه ششصد وسی وسه هجری بوقوع آمد

حسن محسن معین الحق والدین — دلش روشن ز انوار تجلے

تولیدش امام مجتبے خوان — وصالش نیز اکبر معلے

قطعه ثانی

زبدهٔ دین صاحب التوحید گو	پیر اکبر جلال الدین وصال
تاریخ وفات شیخ محمد ترک نارنولی که در سال ششصد و چهل و دو به وقوع آمد	
چون محمد بعرش کرد عروج	سال ترحیل آن شه ذی شان
کاشف البحر کن ولا تحریر	بعد از ان متقی محمد خوان
تاریخ وفات خواجه فخر الدین اجمیری که در سال ششصد و پنجاه و سه بوقوع آمد	
فخر اهل زمانه فخر الدین	یافت از حق چو عز و فخر جنان
خواجهٔ ابدال و خواجهٔ والا	رحلتش خوان ز مقتدای زمان
تاریخ وفات شیخ بدر الدین غزنوی که در سال ششصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد	
گشت روشن چو بدر دین در خلد	سال ترحیل آن شه حق بین
کاشف راز اولیا فرما	نیز پیر سعید بدر الدین
تاریخ وفات شیخ جمال الدین قطب هانسوی که در سال ششصد و پنجاه و نه بوقوع آمد	
شد چو روشن جمال روی بهشت	از جمال کمال دین بنے
جلوه گر شد به سال رحلت او	عارف حق جمال دین بنے
قطعهٔ ثانی	
شد چو در جنت بصد حسن و جمال	شیخ حق آئین جمال اهل فقر
پیرو آفگن شد عجب سال وصال	از جمال الدین جمال اهل فقر
سال ولادت و وفات شیخ فرید الحق والدین گنجشکر اجودهنی قدس سره که ولادتش در سال پانصد و هشتاد و پنج و وفات در سنه ششصد و شصت و چهار یا ششصد و هفتاد بوقوع آمد	
مقتدای دین فرید الدین ولی	فرد عالم فرد و فرد دو جهان
گشت ظاهر حق طلب قطب الفرید	از فرد تولید آن قطب زمان
هم فرید اولیا پیر آمد است	سرور تولید آن شاه جهان
نیز تولیدش بقول اصفیا	شد فرید الدین امین الدین عیان
زیب عالم فرد عالم طرفه تر	سال تولیدش عیان شد از نهان
شد دگر مهدی فرید العالمین	سال تولیدش ندا از آسمان
عاشق حق کامل آمد رحلتش	زاهد دین پیر عالم گیر دان

رحلتش گوییم شاه دین فرید	شمع نور آمد گرامی دوستان
هم حبیب حق فرید الدهر گو	صوفی کامل فرید الدین بخوان
باز عالیجاه قطب الحق فرید	بندهٔ فرد الفرید ای مهربان
عاشق صادق دگر فرما سنجے	سال وصل آن شه عالی مکان
پس مه کامل فرید الدهر گو	سرورا سال وصالش بی‌گمان

قطعهٔ ثانی

مقتدا ای یقین فرید الدین	فرد اہل جہان ولی زمان
عمدهٔ دین فرید حق گفتم	سال تولید آن شه ذی شان
زبدهٔ دین فرید دهر آمد	نیز سال ولادتش بزبان
سال ترحیل او خرد فرمود	حبیب مولی فرید هر دو جهان
قطب دوران فرید شد پیدا	رحلت آن شهنشه دوران
بندهٔ حق فرید قطب الهند	وصل او گفت سرور نادان

قطعهٔ ثالث

فرید دین فرید جہاں عالم	شه فرخ لقا فرخنده آیین
فرید الهند قطب ملک فرما	پی تولید پاک آن شه دین
بخوان وصلش فرید الدهر اسلام	دگر سالک فرید الدین حق بین

قطعهٔ رابع

پیر شکر گنج فرید زمان	حضرت مسعود ولی سید
سالک مسعود فرید آمد است	مادهٔ تولید وی از دل پدید
سال وصالش چو بجستم ز دل	گفت بگو بادشه دین فرید

قطعهٔ خامس

فر دنیا و دین فرید الدین	فرد و یکتا بقرب وصل رسید
رحلتش بندهٔ خدا میخوان	هم بدان فرد دین فرید وحید

تاریخ وفات شیخ نجیب الدین محمود متوکل که در سال ششصد و شصت و یک بوقوع آمد

چون نجیب الدین متوکل نجیب	از توکل یافت با حق اتصال

شیخ نجیب الدین محمود ... متوکل است ... برادر حقیقی شیخ فرید الدین ... در توکل و قناعت و رضا و تسلیم مقامات بلند و معراج ارجمند داشت ... در دهلی سکونت کرده ... [illegible]

طالب مقبول شمس الدین بود ۔۔۔ نیز شمس الدین ولی با صفا

شمس دین سلطان نامی شد عیان ۔۔۔ باز شمس دین امیر آمد ندا

هم ز شمس دین اکبر جسته ام ۔۔۔ ارتحال آن ولی مقتدا

قطعۂ ثانی

شمس دین شد چو در جهان روشن ۔۔۔ هست تاریخ آن شه حق بین

اهل دین شمس دین ولی حق ۔۔۔ هم محب یقین شمس الدین

تاریخ وفات قاضی محی الدین کاشانی چشتی که در سال هفتصد و نوزده هجری بوقوع آمد

شد بجنت چو زنده جاوید ۔۔۔ زنده دل محی دین ولی حق بین

رحلتش هست صاحب تحقیق ۔۔۔ نیز مهتاب حسن محی الدین

تاریخ وفات خواجه علاء الدین چشتی اجودهنی که در سال هفتصد و بست هجری بوقوع آمد

شد چو از دهر خلد اعلی قیمت ۔۔۔ شیخ دنیا و دین علاء الدین

متقی یقین هست تاریخش ۔۔۔ نیز پیداست متقی حق بین

یا رحق کاشف و شه یا جباه ۔۔۔ هست وصالش بزینت و تزئین

باز تاریخ رحلت آن شاه ۔۔۔ گفته ام شیخ حق علاء الدین

تاریخ وفات خواجه شمس الدین دهلوی که در سال هفتصد و بست و دو بوقوع آمد

بمغرب چو رفت از روی زمین آه ۔۔۔ چو شمس الدین ولی مهر منور

بگو قطب الشرف اخلاص فرما ۔۔۔ بسال رحلت آن شاه رهبر

دگر تاریخ وصالش جلوه گر شد ۔۔۔ ز شمس الاولیا هادی اکبر

تاریخ وفات شیخ شرف الدین بوعلی قلندر پانی پتی که در سال هفتصد و بست و چهار بوقوع آمد

بوعلی اشرف و شریف و نجیب ۔۔۔ وصل شد چون بوصل رب ودود

ارتحالش شرف ولی زمان ۔۔۔ نیز فرما شرف ولی مسعود

باز دیگر شرف سعید بگو ۔۔۔ سال ترحیل آن شه با جود

باز شد سن رحلتش پیدا ۔۔۔ زیب عالم قلندر مسعود

تاریخ ولادت و وفات شیخ نظام الدین بداؤنی دهلوی که ولادتش در سال ششصد و سی و چهار و وفات در سنه هفتصد و بست و پنج هجری بوقوع آمد :

نظام الدین نظام دین احمد — ولے محبوب حق حق گو وحق بین
تولیدش ز دل آمد هویدا — که محبوب الٰہی سرور دین
اگر با وے حق بدر نیر است — تولیدش بگو اے فرح آیین
رقم شد سن وسال انتقالش — فرید ملک سلطان السلاطین
عدیم المثل دان سال وصالش — خلیفه کن بیان با زیب وتزئین

تاریخ وفات خواجه امیر خسرو دهلوی که درسال هفتصد وبست وپنج بوقوع آمد

خواجه خسرو امیر دو جهان — یافت مثل گل چو در جنت مقام
رحلت او اشرف الاقطاب گو — نیز فرما بلبل شیرین کلام

قطعۂ ثانی

آن امیر اولیا آن خسرو ملک بقا — شد چو زین دار الحزن چون گل سوی باغ جنان
عندلیب دل ز بهر ارتحال پاک او — گفت زیبا طوطیِ گویندۂ هندوستان

تاریخ وفات شیخ وجیه الدین یوسف چشتی که درسال هفتصد وبست ونه بوقوع آمد

سر دنیا گذاشت آخر کار — شیخ مسعود یوسف ثانی
یوسف عاقبت بگو سالش — هم بخوان بود یوسف ثانی

تاریخ وفات میر حسن علائی سنجری دهلوی که درسال هفتصد وسی وشش بوقوع آمد

چون حسن احسن شد اهل جمال — با کمال حسن در جنت رسید
رحلتش حسن حقیقت شد عیان — سید مرشد حسن آمد پدید

تاریخ وفات مولانا ضیاء الدین برنی که درسال هفتصد وسی وهشت بوقوع آمد

جلوه گر در جنت الفردوس شد — چون ضیاء الدین بصد نور وضیا
رحلتش مخدوم امجد کن رقم — بار دیگر پیر برنی پارسا
وصل او ابر سعادت گفته ام — واصل خاص است دیگر والدعا

تاریخ وفات شیخ برهان الدین غریب که درسال هفتصد وچهل ویک بوقوع آمد

چو شد برهان دین برهان جنت — عجب سال وصال او به تشهیر
نصیر دفر معود عاشق منبع حق — دگر اهل صفا برهان دین پیر

وفات شیخ حسام الدین سوخته چشتی که درسال هفتصد وچهل ویک بوقوع آمد

از اعظم خلفای حضرت سلطان المشایخ است شیخ عبد اللطیف ... [illegible] ... عاشق قدرتش ... [illegible] ... سادات بعظام ... [illegible]

	یا پنجاه وهفت بوقوع آمد
گشت چون جلوه گر نصیر الدین	بجنان چون چراغ پر انوار
هست مهتاب نیر دهلی	سال ترحیل آن شه ابرار
کن رقم نیز رهبر فردوس	تا شود سال رحلتش اظهار
قبله حق نصیر دین محمود	سال وصلش بخوان تو با تکرار
باز محبوب نیر اکبر	هم بگو پیر وسید وسردار
کن رقم باز رحلت آن شاه	طالب الله و واقف اسرار
باز صدیق حق نصیر الدین	گفت دل سال رحلتش ای یار
شاه نامی نصیر شد تحریر	رحلت پاک او زسر وردار

تاریخ وفات شیخ اخی سراج الدین چشتی که در سال هفتصد پنجاه وهشت بوقوع آمد

چون سراج الدین سراج اهل چشت	جلوه گر شد مثل مه اندر جنان
عارف امجد سراج الدین بگو	هم ولی منیر تاریخ آن
عارف رهبر دو بارا کن رقم	سالک محترم سراج الدین بخوان

تاریخ وفات شیخ صدر الدین حکیم چشتی که در سال هفتصد و پنجاه و نه بوقوع آمد

صدر دنیا و دین ولی جهان	شد چو به صدر خلد صدر نشین
شاه جنت بگو بتاریخش	هم بخوان شاه دین صدر الدین

تاریخ وفات شیخ قطب الدین منور قدس سره که در سال هفتصد وشصت بوقوع آمد

قطب جنت شد چو با صد عز وجاه	قطب عالم قطب دین قطب الیقین
سال ترحیلش ندا شد از فلک	قطب دنیا آفتاب اهل دین
هم بخوان مهر منور قطب حق	سال وصل آن شه خلوت نشین

تاریخ وفات شیخ معین الدین خرد قدس سره که در سال هفتصد وشصت ویک بوقوع آمد

چو در اقلیم جنت یافت شاهی	معین اهل اعانت پیر مغفور
معین الدین متوکل رقم کرد	نثار بخش سرور گشت ما مور
دگر تاریخ ترحیلش عیان شد	معین الدین کامل مطلع نور

تاریخ وفات شیخ علاء الدین نیلی قدس سره که در سال هفتصد وشصت ودو هجری بوقوع آمد

شیخ برهان الدین ... [illegible] ... نظام الدین است ... از اعاظم خلفای سلطان المشایخ ... دهلوی داشت ... است ... شیخ نصیر الدین چراغ دهلی ... از اجل خلفای ... [illegible] ... مستفید گردید ... زمان به کمالات باطنی ...

جمال الدین ... [illegible] ... هانسوی بود ... که در عمر خردی بعد وفات پدر از حضرت گنج شکر خرقه تبرک یافته بود ... فرزند ... شیخ نظام الدین ... [illegible]

شیخ کمال الدین علامه صاحب زهد و ریاضت و ذوق و شوق بود ... ولیعهد و خلیفه راستین است ۱۲ ... فرزند ... مزار دست در خطه اوده ... این خدمت بزرگی ... دست بیعت ... از سلطان المشایخ ... نظام الدین بود و خرقه خلافت و اجازت ... از اجل علماء ...

ز دنیا شد مقیم جنت الخلد — علاؤ الدین و اسلی و اصف حق
رقم شد بهر سال انتقالش — علاؤ الدین عارف صاحب حق

تاریخ وفات شیخ سراج الدین چشتی که در سال هفتصد و شصت و دو به وقوع آمد

ماهتاب جنان سراج الدین — جلوه گر گشت چون بروح جنان
هست اهل خلوص تاریخش — همه گر صاحب کرامت خوان

تاریخ وفات شیخ جلال الدین پانی پتی که در سال هفتصد و شصت و پنج بوقوع آمد

چون جلال الدین شه اهل جلال — یافت با وصل خداوندی وصال
بحر عرفان جلال بی نیاز — هست وصل آن شه اهل کمال
پیر کامل پیر عالیشان بگو — نیز مفتاح جلال حق جلال
پس ز اهل الله محبوب خدا — گیر بهر رحلتش تاریخ سال

تاریخ وفات شیخ حمید قلندر چشتی که در سال هفتصد و شصت و هشت بوقوع آمد

چون بالطاف جناب ذو الجلال — شد بجنت حامد رحمان حمید
شاه عالیشان بگو تاریخ او — هم بخوان سرور شه عرفان حمید

تاریخ وفات سید محمد بن مبارک کرمانی که در سال هفتصد و هفتاد و یک بوقوع آمد

محمد شیخ دین آل محمد — چو روشن شد بجنت مثل مهتاب
عجب سال وصالش حق پرست آ — فقیر فقر هم گفتم درین باب
چو شاهنشاه حق هاتف ندا کرد — وصال پاک او گفتم باحباب
محمد درد عشق است و دو بار را — محمد بن مبارک میر اقطاب

تاریخ وفات شیخ یوسف چشتی که در سال هفتصد و هفتاد و چهار بوقوع آمد

یوسف مصر دین حق یوسف — کرد چون از جهان بخلد مکان
رحلتش یوسف حقیقت گو — یوسف حسن ماه تابان خوان
باز کن شمع نور حق روشن — سال وصلش ستاره حق دان

تاریخ وفات شیخ تاج الدین شیر سوار چشتی که در سال هفتصد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

شیخ تاج الدین شه عالم که او صاف او — تاج دین اعزاز دنیا شیخ حق این گفته اند
ارتحالش مرشد مقصود و هم سلطان خلد — تاج فقر و نیز تاج شاهی دین گفته اند

سوانح ... ملفوظ حضرت ... اهل چشت ... خلفاء ... شیخ قطب الدین ... مرید ... نصیر الدین چراغ دهلی ...

تاریخ وفات شیخ عبد المقتدر چشتی که در سال هفتصد و نود و یک بوقوع آمد

چون باکرام خداوندی و فضل لایزال | رفت از دار الفنا در خلد عالی مقتدر
صاحب مخدوم شد وصلش دگر یاره خرد | گفت او سے مقتدر فرمود والی مقتدر

تاریخ وفات شیخ علاء الدین علاء الحق بن اسعد لاهوری بنگالی که در سال هشتصد بوقوع آمد

بفردوس معلی شد علاء الدین چو از عالم | ز رویش زینت تازه بگلزار جنان آمد
ولی رهبر علاء الحق و الدین است تاریخش | دگر والی علاء الحق و ملت عیان آمد

تاریخ وفات شیخ حسام الدین فتح پوری که در سال هشتصد و پنج بوقوع آمد

شد چو واصل بوصل حقانی | شیخ دین سے حسام الدین
گفت سرور بسال رحلت او | شاه مرد ولی حسام الدین
نیز دان متقی قطب الحق + | هم ولی متقی حسام الدین

تاریخ وفات میر سید اشرف جهانگیر سمنانی که در سال هشتصد و هشت بوقوع آمد

شرف گشت با لقای جنت | چو شیخ اشرف آن میر شرف پیر
شریف الواقف آمد ارتحالش | دو باره اراه بر قطب جهانگیر
دگر کردم رقم در سال ترحیل | امام مومنان میر جهانگیر
بخوان سال وصالش بار دیگر | مکمل عارف و الا جهانگیر
وے شد میر جنت آمد | چو شد وصلش ز نوک خامه تحریر
وصالش واصل کامل شریف است | اگر خواهی بکن اے یار تقریر

تاریخ وفات شیخ احمد تھانیسری که در سال هشتصد و بست به وقوع آمد

شیخ دین احمد سے احمد وے | شد چو از دنیا بجنات النعیم +
هست مخدوم مکمل رحلتش | هم محمد متقی عابد سلیم

تاریخ وفات شیخ فتح الله اودھے که در سال هشتصد و بست بوقوع آمد

چو فتح الله ز حق یافت مفتوح | بمفتاح ملطف جنتی باب
امام اولیا خاص است سالش | دو بارا نور دین فتاح الابواب

تاریخ وفات شیخ عین الدین قتال که در سال هشتصد و بست و دو بوقوع آمد

چو عین الدین شیخ وے عین الحقیقت | که ذات عین و نقش عین دین بود

ازکبرای مشائخ زمین و اولیای متقدمین مرید و خلیفه شیخ نصیر الدین چراغ دهلی است در اوایل تشریف بدهلی داشت بعد وفات پیر روشن ضمیر خود در دیار دکن تشریف برد و بوسیله عظیم یافت و چون موی گیسوی وی دراز بود ...

زدنیا شد بجو سال وصالش ... زنور العین عین الدین مسعود
هم عین الدین ولی هادی قال ... زدل سال وصالش گشت موجود

تاریخ ولادت و وفات میر سید محمد گیسو دراز که ولادتش در سال هفتصد و بیست و وصال آن باکمال در سنه هشتصد و بست و پنج بوقوع آمد

اشرف اولاد آل مرتضی ... شیخ دین سید محمد پیشوا
هادی محبوب آل بوتراب ... کن رقم تولید آن شاه هدا
نیز تاج اولیا صدیق دین ... بازیب دین محمد مقتدا
زیب تاج عارفان سالش بخوان ... هم رقم کن بادشاه اتقیا
سرور احمد و هم حق آگاه گو ... تا بر آید بهر وصالش مدعا

تاریخ وفات شیخ احمد عبد الحق ردولوی چشتی که در سال هشتصد و سی و شش بوقوع آمد

چون بوصل حق بحق موصول شد ... عبد حق مهر حقیقت ماه حق
رحلت پاکش زسرور شد عیان ... حق شه مسعود حق آگاه حق
مقتدای اهل حق کامل ولی ... سال وصل او بگو از راه حق
بازشاهنشاه حق هادی ولی ... نیز حق رهنمای راه حق
هم خلیل حق موحد گفته اند ... پس ولی الله بر حق شاه حق

تاریخ وفات شیر خان مسعود بک چشتی که در سال هشتصد و سی و شش بوقوع آمد

شیخ خان شیر بیشه توحید ... یافت چون وصل ذات سبحانی
رحلتش گو امام دین مخدوم ... نیز شیر دلیر یزدانی

تاریخ وفات شیخ قوام الدین چشتی و سهروردی که در سال هشتصد و چهل و دو بوقوع آمد

قوام الدین چو از فضل خدا است ... قیام خویش در فردوس اعلی
وصالش گفت دل سلطان مخدوم ... سخی حق بین و مخدوم معلی
دگر میر شریف و بدر خلد است ... وصال آن شه محبوب مولی

تاریخ وفات شیخ سارنگ چشتی و سهروردی که در سال هشتصد و چهل به وقوع آمد

چو سارنگ از جهان رخت سفر بست ... بجنت شد بفضل ذوالجلالی
وصالش عارف متوکل آمد ... دگر گفتم ولی مخدوم عالی

تاریخ وفات قاضی شہاب الدین دولت آبادی کہ در سال ہشتصد و چہل و ہفت بوقوع آمد

چو بر اوج جنان شد پرتو افگن ‏— شہاب الدین ولی عالی مسلم
وصالش کن رقم تو قیمہ اسلام ‏— دگر فرما شہاب الدین مسلم

تاریخ وفات میر سید اللہ چشتی کہ در سال ہشتصد و چہل و نہ بوقوع آمد

دست خدا میر سید اللہ پیر ‏— سرور دین راہبر راہ حق
رخت چو گو مرد خدا از رحلتش ‏— نیز سید اللہ شہنشاہ حق

تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و یک بوقوع آمد

چو نور الدین لبصد انوار و اسرار ‏— منور شد بفردوس معلی
بگو تاریخ او شمس الہدایت ‏— دگر قطب اللہ انوار تجلی
زمخدوم المکمل رحلتش جو ‏— دو بارا ابر رحمت کن ہویدا
محب ذو الجلال آمد وصالش ‏— دگر سر شت کامل گشت پیدا

تاریخ وفات شیخ علاؤ الدین قریشی چشتی کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و ہشت بوقوع آمد

جائے اعلیٰ بخلد عالی یافت ‏— چون شد مقتدا علاؤ الدین
ہست خیر از خلد تاریخش ‏— ہم ولی خدا علاؤ الدین

تاریخ وفات شیخ کبیر چشتی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و ہشت بوقوع آمد

چو بگرفت در خلد اکبر مقام ‏— کبیر آن شہ و پیر بر تا و پیر
وصالش شدہ بحر رحمت روان ‏— دگر قبلہ اہل جنت کبیر

تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح جونپوری کہ ولادتش در سال ہفتصد و ہفتاد و دو و وفات در سنہ ہشتصد و پنجاہ و ہشت بوقوع آمد

ولی مفتاح دین ہادی ابو الفتح ‏— کہ ذاتش رہبر راہ صواب است
ولی حق ہما ابو الفتح سرور ‏— پئے تاریخ تولیدش خطاب است
ز بہر ارتحالش ہاتف غیب ‏— بگفتا نور حق فتاح باب است

تاریخ وفات شیخ عارف چشتی صابری کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و نہ بوقوع آمد

بقرب معرفت اندر جنان رفت ‏— چو عارف شیخ عارف واقف حق
بجو مخدوم حق سال وصالش دو بارا ‏— ز قطب الحق معلی عارف حق

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح علائی قریشی کالپوی که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

شیخ باب جنت شد مشهور — چو آن اهل یقین هادی ابو الفتح
چو سال انتقالش جستم از دل — بگفتا سرور دین هادی ابو الفتح ۸۶۲

تاریخ وفات شیخ پیارا چشتی که در سال هشتصد و شصت و پنج بوقوع آمد

چو شد یکتا به فردوس معلی — جناب صاحب لطف ید پیارا ۸۶۵
تو از سر خدا وصلش بجوئید ۸۶۵ — ز کامل صاحب التوحید پیارا

تاریخ وفات شیخ محمد المشهور شیخ مینا چشتی و سهروردی که در سال هشتصد و هفتاد بوقوع آمد

چو مسکن یافت اندر قصر محمود — محمد شاه دین مقبول احمد
وصالش کن بیان مخدوم مسعود ۸۷۰ — دگر فرما مخلیل حق محمد
ز شمس عشق باز از گلشن عشق ۸۷۰ — وصال آن شه حق بین برآمد

تاریخ وفات شیخ شمس الدین طاهر که در سال هشتصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

چو شمس الدین بجنت شد منور — وصال پاک آن خورشید آفاق
باول گشت روشن تاج عزت ۸۸۱ — دوباره جلوه گر شد شمع عشاق ۸۸۱

تاریخ وفات شاه جلال الدین گجراتی که در سال هشتصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

شد چو با صد جلال در جنت — شیخ والا جلال عالی جاه ۸۸۱
فاخر آمد ز دل وصالش نیز ۸۸۱ — واصل حق جلال شاهنشاه ۸۸۱

تاریخ وفات شیخ کاکو چشتی لاهوری که در سال هشتصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

حکومت یافت در اقلیم فردوس — چو شاهنشاه والا جاه کاکو ۸۸۲
رقم شد احسن الاخلاق سالش ۸۸۲ — دوباره شاه اکبر شاه کاکو ۸۸۲

تاریخ وفات شیخ حسام الدین مانک پوری که در سال هشتصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

چون حسام از دهر در جنت مقام — کرد سال وصل آن اهل یقین
صاحب مخدوم کامل گو و نیز ۸۸۲ — هادی مشکل کشا مطلوب دین ۸۸۲

تاریخ وفات شیخ سعد الدین خیرآبادی که در سال هشتصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

شد چو با صد سعادت از دنیا — سعد دین اسعد و سعید امین ۸۸۲
هست پیر خلیل سالش نیز ۸۸۲ — کاشف حق سعید سعد الدین ۸۸۲

گیسو دراز است و القابش ... از مریدان با یاران سید محمد ... مزار پر انوارش در شهر ... گیسو دراز است ... صاحب وجد و سماع بود ... شیخ قوام الدین چشتی سهروردی ... شیخ نور الدین قطب العالم ... [illegible]

۵۸

[illegible]

چو شیخ قدس سره واقدس عبد قدوس — بملک قدس از حق یافت شاهی
زمشتاق جهان سالش عیان شد (۹۴۵) — دگر مشتاق محبوب آلهی (۹۴۵)
بگو قدوس شاهنشاه اقطاب (۹۴۵) — اگر تاریخ ترحیلش بخواهی

تاریخ وفات شیخ عبد الکبیر بالاپیر چشتی که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد

در جهٔ کبرے ز حق در خلد یافت — چون کبیر آن شیخ اکبر دستگیر
هست تاج الاتقیا تاریخ او (۹۴۷) — هم فرید الدهر سلطان الکبیر (۹۴۷)

تاریخ وفات شیخ خانو گوالیاری که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد

شیخ خانو خوان لقبا یا سخا — شد چو در جنت پے تاریخ آن
گشت مخدوم معطی زندہ دل (۹۴۷) — نیز خانو حق نما کامل عیان (۹۴۷)

تاریخ ولادت و وفات شیخ علاؤ الدین بن نور الدین اجودھنی که ولادتش در سال هشتصد و هفتاد و دو و وفاتش در سنه نهصد و چهل و هشت بوقوع آمد

ولی و متقی و شیخ عالم — علاؤ الدین عالی شاہ معصوم
زہ الف یاده مخدوم آفاق (۸۷۲) — پے تولیدا و گردید مفهوم
رقم کن مرشد ابرار وصلش (۹۴۸) — دو بارا حق نما مهدے مخدوم (۹۴۸)
شده معراج خلد و شیخ ابدال (۹۴۸) (۹۴۸) — ز دل سال وصالش طرفه معلوم

تاریخ وفات شیخ عبد الرزاق جھنجھانه که در سال نهصد و پنجاه بوقوع آمد

رزق خود چون یافت شیخ عبد رزاق از بهشت — سال وصل آن ولی باصفا اهل تمیز
عابد رزاق و الامنر لت کردم رقم (۹۵۰) — بار دیگر قطب جنت عابد رزاق نیز (۹۵۰)

تاریخ وفات شیخ یوسف المشهور شاہ یوسی که در سال نهصد و پنجاه بوقوع آمد

چو یوسف یوسف مصر محبت — ز دنیا رخت خود بربست به بهشت
خرد مست محبت گفت تاریخ (۹۵۰) — دگر فرمود کامل یوسف چشت

تاریخ وفات شیخ امان پانی پتی که در سال نهصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

در جهان با امان و ایمان رفت — شیخ حق گو امان حق آگاه
سال ترحیل اوست میر بهشت (۹۵۷) — شیخ داملے و شیخ و الاجاه (۹۵۷) (۹۵۷)
واے فضل گو دگر باره (۹۵۷) — هم بخوان خاص حق امان الله (۹۵۷)

از مریدان شیخ محمد بن عارف بن شیخ احمد عبد الحق چشتی صابری است و در فقر و تجرید شانے عظیم داشت و کتاب انوار العیون از تصانیف اوست [illegible] و فرزند دلبند شیخ عبد القدوس گنگوهی است نعمت فقر باهم از پدر حاصل کرد و خرقهٔ خلافت یافت [illegible] مرید و خلیفهٔ شیخ حسین ناگوری است و کرامت بسیار و خوارق بوقوع آمده [illegible] از اولاد امجاد شیخ فریدالدین گنج شکر است و فیض روحانی [illegible]

تاریخ وفات شیخ عثمان زنده پیر بانی پتی که در سال نهصد و نود و نه وقوع آمد

شیخ عثمان پیر عالمگیر چشت	یافت چون در روضهٔ جنت مکان
رحلتش رکن جهان عثمان بگو ۹۹۹	باز قطب الواصلین عثمان بخوان ۹۹۹

تاریخ وفات شیخ نظام نارنولی که در سال نهصد و نود و نه بود وقوع آمد

نظام الدین چو از دنیای دون یافت	بلطف حق مکان در باب جنت
عیان شد شیخ مهدم رحلتش نیز ۹۹۹	محب اولیا مهتاب جنت ۹۹۹

تاریخ وفات شیخ سطه کاکوری چشتی که در سال یکهزار و سه بود وقوع آمد

لذت وصل خدا در خلد یافت	سطه شیخ با خبر شیرین کلام
هست فیاض همایون رحلتش ۱۰۰۳	هم بخوان والا قدر شیرین کلا

تاریخ وفات شیخ عبد الله انصاری سلطانپوری که در سال یکهزار و شش بود وقوع آمد

از عبادت یافت چون عبد الله خلد	رحلت آن عابد دوران زمان
آفتاب فقر عبد الله گو ۱۰۰۶	بار دیگر آفتاب عاشقان

تاریخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال یکهزار و یازده بود وقوع آمد

اختیار الدین چو با صد اختیار	گشت خود مختار در خلد برین
بهر سال انتقال آنجناب	گفته سرور اعظم و شیخ امین ۱۰۱۱

تاریخ وفات شیخ جلال کاسی چشتی که در سال یکهزار و سیزده بود وقوع آمد

چون جلال آن ولی اهل جلال	با جلال و کمال شد بجنان
هست شیخ زمانه تاریخش ۱۰۱۳	باز مشتاق حق جلال بخوان ۱۰۱۳

تاریخ وفات خواجه حاجی اویس و توزی قصوری که در سال یکهزار و هفده بود وقوع آمد

قبلهٔ اهل عیان شد از جهان	شیخ حاجی کعبهٔ اهل یقین
شیخ نور عارف رقم کن سال او ۱۰۱۷	بار دیگر شیخ حاجی پاک بین ۱۰۱۷

تاریخ وفات شیخ نظام الدین بلخی چشتی که در سال یکهزار و بست و چهار بود وقوع آمد

چون نظام الدین ز دار دهر رفت	باب جنت بر رو انش گشت باز
وان حضوری افضل اقطاب نیز ۱۰۲۴	ارتحالش هم نظام پاکباز ۱۰۲۴

تاریخ وفات شیخ محمد بن فضل الله چشتی که در سال یکهزار و بیست و نه بود وقوع آمد

تاریخ وفات شیخ عبد الرشید جونپوری که در سال یکهزار و پنجاه و پنج بوقوع آمد

چون رشید آن مرشد ارشاد حق	با هزاران رشد در جنت رسید
افضل الاقطاب گو تاریخ او	نیز قطب الاولیا عارف رشید

تاریخ وفات شیخ یحیی گجراتی که در سال یکهزار و هفتاد و پنج بوقوع آمد

یافت در جنت حیات دائمی	چونکه یحیی زنده دل زنده وی
سال وصل آن ولی با خدا	یافتیم عشق خدا از آگهی

تاریخ وفات شیخ پیر محمد لکھنوی که در سال یکهزار و هشتاد بوقوع آمد

محمد پیر در بزم محمد	چو شد تاریخ آن سر آفاق
بگو شیخ یقین و شیخ حق بین	بفرما شه محمد پیر عشاق

تاریخ وفات شه دوله دریائی گجراتی که در سال یکهزار و هشتاد بوقوع آمد

بجنت یافت از حق دولت وصل	چو شاهنشاه حق آگاه دوله
عجب تاریخ وصلش جلوه گر شد	ز قطب الوقت سوی شاه دوله

تاریخ وفات شیخ داود گنگوهی چشتی که در سال یکهزار و نود و پنج بوقوع آمد

چو شه داود شد از قضای آله	از این دهر در خلد جنت نشین
بگو شیخ داود حق بین وسال	دگر بار داود و شیخ یقین

تاریخ وفات شاه ابو المعالی چشتی که در سال یکهزار و یکصد و شانزده بوقوع آمد

رفت شه از دنیا چو در خلد برین	پیر رهبر بو المعالی اهل فیض
سال وصل اوست تاج التارکین	بار دیگر بو المعالی اهل فیض

تاریخ وفات شیخ عبد الرشید جالندهری چشتی که در سال یکهزار و یکصد و بست و یک بوقوع آمد

حضرت عبد الرشید آن میر دین	چون ز دنیا رفت و در جنت رسید
سال وصل اوست عارف حق پرست	بار دیگر سرور عالم رشید

تاریخ وفات شیخ سوندها چشتی که در سال یکهزار و یکصد و بست و نه بوقوع آمد

شیخ سوندها چون ز دنیا رخت بست	سال وصلش سرور راز ره یقین
گفت سوندها متقی رهبر ولی	محرم مشتاق و فخر المحسنین

تاریخ وفات سید محمد سعید المشهور شاه بیک که در سال یکهزار و یکصد و سی و یک بوقوع آمد

کرامات ظاهر و باطن و جامع نسبت صوری و معنوی بود و قبول عظیم یافت از الامر یدان و خلفاء وے در اقالیم دور و دراز رفتند صاحب ... از سادات صحیح النسب و خلفاء سید ابو المعالی چشتی است

چو از حکم قضا گردید آخر ۱۱۳۱ — باوج خلد روشن مثل بیگه
بگفتا دل بسالش منتهی الشرع — خرد فرمود تاج نقرشه بیگه ۱۱۳۱

تاریخ وفات سید عتیق اللہ چشتی جالندهری که در سال یکهزار و یکصد و سی و یک بوقوع آمد

ز دنیائے دون چون به فردوس رفت — وے جهان پیر پیران عتیق
شهنشاه عشق است تاریخ او ۱۱۳۱ — دوباره بگو میر پیران عتیق ۱۱۳۱

تاریخ وفات شیخ یحیی مدنی چشتی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و یک بوقوع آمد

باز یحیی زنده دل شب زنده دار — گشت چون زنده بجنات النعیم
کن رقم عاشق یحیی تاریخ او ۱۱۴۱ — نیر یحیی جنت المستقیم ۱۱۴۱

تاریخ وفات شیخ کلیم اللہ جهان آبادی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و دو بوقوع آمد

بجنت یافت از حق جلوهٔ حق — کلیم اللہ مکو لن ترانی
بگو موسے ثانی کاشف دین ۱۱۴۲ — دگر عرفان دین موسے ثانی ۱۱۴۲

تاریخ وفات نظام الدین اورنگ آبادی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و دو بوقوع آمد

بنظم خلد شد منظوم آخر — نظام دین و دنیا شیخ محبوب
وصال او ز شیخ العالمین جو ۱۱۴۲ — دگر فرما نظام دین مطلوب ۱۱۴۲

تاریخ وفات شیخ لطف اللہ چشتی که در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

شد چو لطف اللہ بالطاف اله — بعد فوت خود بقرب حق وصول
کن رقم اهل نظر تاریخ او ۱۱۸۶ — بار دیگر کن بیان فیض رسول ۱۱۸۶

تاریخ ولادت و وفات مولانا فخر الدین فخر جهان دهلوی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و بست و شش و وفات در سنه یکهزار و یکصد و نود و نه بوقوع آمد

فخر دین فخر جهان با افتخار — عزت اسلام فخر المومنین
گشت فخر الدین علامے عیان ۱۱۲۶ — سال تولیدش بصد صدق و یقین
طرفه سال انتقال آنجناب — شد بیان محبوب فخر السالکین ۱۱۹۹

تاریخ ولادت و وفات سید علیم اللہ جالندهری که ولادتش در سال یک هزار و یکصد و نه و وفات در سنه یک هزار و دو صد و دو هجری به وقوع آمد

حضرت سید علیم اللہ پیر — شیخ آگاه محبوب الانام

مردے بزرگ و صاحب ارشاد بود ۱۲۵۰ ... شاہ نیاز احمد بریلوی است ... بود ۱۲۔۔ ابوالظفر بادشاہ دہلی مرید وے از خلفائے خواجہ سلیمان یافتہ بہادر شاہ داشت تربیت و تکمیل از ... بنام کالے صاحب اشتہار ولقب قطب الدین بود و نامی وے غلام نصیر الدین فخر الدین دہلوی است نام فرزند دلبند مولانا

چو کالا بڑو کالے صاحب زہد و ہد	سکونت کرد در قصبہ بہشتے
چراغ دین ببالش جلوہ گر شد ۱۲۶۸	دو یارا عاشق صدیق چشتے ۱۲۶۵

تاریخ وفات شیخ غلام محمد المشہور مسکین شاہ چشتی کہ در سال یکہزار و دو صد و ہفتاد و پنج بوقوع آمد

یافت چون مسکین اہل مسکنت	با ہزاران رتبہ اندر خلد جا
مقصد الوراے سال اوست ۱۲۷۵	نیز مسکین شاہ مرد مقتدا ۱۲۷۵
باز سال انتقال آنجناب	ہست درویش کریم مجتبے ۱۲۷۵

تاریخ ولادت و وفات شیخ حاجی رمضان چشتی لاہوری کہ ولادتش در سال یکہزار و دو صد و وفات وے در سن یکہزار و دو صد و ہشتاد و دو بوقوع آمد

حضرت رمضان کہ نام پاک او	بود شبیہ چو رمضان بر زبان
آمد اندر ماہ رمضان بر زمین	ہم برمضان شد بہ بام آسمان
قطب رمضان رست و رمضان علی است ۱۲۰۰	سال تولید شش بہ قول صالحان
قطب دوران شیخ ترحیلش گو ۱۲۸۲	نیز کامل زندہ دل رمضان بخوان ۱۲۸۲
بے نیاز آمد سنین عمر او	نیک گفتم ہم خطا کردم بیان

گنج چہارم در قطعات تواریخ وفات حضرات سلسلہ عالیہ نقشبندیہ مجددیہ قدس سرہم و آغاز این سلسلہ از یار غار پیغمبر ابوبکر صدیق اکبر رضی اللہ عنہ است و بعد ازان

حضرت سلمان فارسی رضی اللہ عنہ است کہ وفات وی در سال ۳۶ بوقوع آمد

حضرت سلمان کہ بادانا بہ چشم	باب رحمت بر وے از افلاک باز
بود خاکش گوہر خاکے نژاد او	رفت مثل گنج اندر خاک باز
روح پاکش پاک بود و پاک رفت	ہست سال ارتحالش پاکباز ۳۶

تاریخ وفات حضرت امام قاسم رضی اللہ عنہ کہ در سال یکصد و ہفت یا یکصد و ہشت یا یکصد و یازدہ یا دوازدہ یا یکصد و دو ہجری باختلاف روایت بوقوع آمد

قیمت خود یافت چون قاسم بخلد	سال وصل آن امام نیک نام
طالب اللہ و حق فرمودہ اند ۱۰۸	زاہد کامل بہ قول خاص و عام ۱۰۸
با وے مطلوب و اہل اللہ نیز ۱۰۱	شد رقم ایمان دگر با وے امام ۱۰۲
قطب دان کافی بخوان سالک بگو ۱۱۱	ہم ولے اللہ با صد احترام ۱۱۱

مردے بزرگ و صاحب ارشاد بود ۱۲۵۰ از خلفا خواجہ سلیمان چشتی است مرد تارک و عابد و خدا پرست و ذاکر و شاغل بود مزار پر انوار در لاہور متصل مزار شیخ طاہر لاہوری است ۱۲...

کنیت وے ابو عبد اللہ است و نام نامی وے سلمان از کبار اصحاب جناب رسالت مآب است عمرے طوال داشت سلمان بن اسلام ... گفتند پدر وے ... آتش پرست بود و وے از دین مجوس بیزار شدہ در دین موسوی درآمد ... مشرف گشت چون ...

۶۸

جان محبوب آمده زنده وے — بازومسازاست و یادِ وے انام

تاریخ ولادت و وفات شیخ ابایزید بسطامی که ولادتش درسال یکصد و سی وشش ودرسنه دوصد وشصت ویک یاشصت و دو یاشصت ونه بوقوع آمد

شیخ کونین بایزید و لے — شاه والاوے عالی جاه
سال تولید او اگر خواہے — کن رقم بایزید اہل الله
ہست دیندار رحلتش دیگر — اہل دین بایزید حق آگاه
باز مہدی ہادی آفاق — ہمدگر حق طلب وے آمد

تاریخ وفات شیخ ابوالحسن خرقانی که درسال چارصد سیزده یا نوزده یا بست پنج بوقوع آمد

بوالحسن محسن ولے اہل حسن — المضاعف شد چو زو حسن جہان
سال وصالش بوالحسن صدیق دین — مے شود از خامهٔ سرورعیان
شاه احسن گفت ہاتف رحلتش — بازول فرمود واصل مہربان
نیز تاریخش به قول مختلف — مے شود قطب الحسن جان جہان
بوالحسن قطب جہان محمود گو — ہمدگر قطب الحسن اقدس بخوان
پس خرد بحسن کمال حسن گفت — سال وصل آن شه جنت مکان

تاریخ وفات شیخ ابوعلی فارمدی که درسال چارصد وہفتاد وہفت بوقوع آمد

بوعلی چون خلد اعلیٰ از خدا — یافت وصل آن علی متقی
شد محمد بوعلی پیر مجیب — نیر مہدی مکرم بوعلی
تاج شیخ است و دگر تاج جلیل — رحلت آن شاه عالی متقی
وصل او میر علی عابد بگو — باز عزت ہم عبادت اے اخی

تاریخ ولادت و وفات خواجه یوسف ہمدانی که ولادتش درسال چارصد و چہل یاچہل ویک ووفات درسنه پانصد وسی وچار یاپنج یاشش بوقوع آمد

ہمه دان وہمه خوان یوسف ہمدان که ذات او — بحسن صورت ومعنی است بیشک یوسف ثانی
پے تولید پاکش صوفی محمود یوسف گو — دوباره سال مولودش بخوان مقبول ربانی
زمہدی نور دین یوسف بجو تاریخ ترحیلش — ہم عالی قدر عالی جاه وصل اوست اشجانی
عیان کرد زیوسف شاه دینی رحلت پاکش — دوباره یوسف نصرت اے سرور گردانی

…طویل داشت مزارش در ریوگر کہ سہ فرسنگ از بخارا واقع است ۱۲

اگر خواہی تو تاریخ صحیح ارتحالش را	بگو یوسف ابو یعقوب دین ایوب ہمدانی

تاریخ وفات شیخ حسن اندا قی کہ در سال پانصد و پنجاہ و دو بود قوع آمد

چون حسن با حسن و انوار جمال	از جہان در زید در جنت وطن
اہل تقوے گو شکر لب کن بیان	سال وصل آن شہ دور زمن
ماہ ارشاد است و فیض دین دگر	بار دیگر عارف و عابد حسن

تاریخ وفات خواجہ احمد یسوی قدس سرہ کہ در سال پانصد و شصت و دو بود قوع آمد

شیخ احمد حامد ذات اله	شد چو در جنت بہ بزم احمد
نیز نور آسمانے شد عیان	سال وصل آن ولے متقی
باز احمد کاشف حق شد رقم	ہمد گر احمد ولے جنتی
عاشق کامل چو من کردم بیان	یافتم از سال نقلش آگہی

تاریخ وفات خواجہ عبد الخالق غجدوانی کہ در سال پانصد و ہفتاد و پنج بود قوع آمد

یافت از خالق چو خلد جاودان	عبد خالق صاحب خلق داسین
گو ہمایون جنتی تاریخ او	بار دیگر مطلع نور یقین
باز محبوب سنی مجتبی	نیز تاریخ اولیا مہدی دین
ارتحالش آفتاب کامل است	کن رقم بشمار پس خارغ نشین

تاریخ وفات خواجہ محمد صدیق کہ در سال ششصد و پنجاہ و ہفت بود قوع آمد

شد چو در جنت بصد صدق و صفا	احمد صدیق صدیق زمان
ہست وصالش قطب کامل مجتبی	سال وصل احمد عالی مکان
شاہ عارف کن رقم اے نیک خو	ہم فقیہ احمدے صدیق دان

تاریخ وفات خواجہ سلیمان کرمنی کہ در سال ششصد و پنجاہ و ہشت بود قوع آمد

چون سلیمان مہر حسن باطنے	شد بجنت پرتو افگن مثل ماہ
خازن آمد ارتحال او زول	ہم ولے حق سلیمان بادشاہ

تاریخ وفات خواجہ عارف ریوگرے کہ در سال ہفتصد و پانزدہ بود قوع آمد

یافت با معرفت بخلد مکان	عارف حق ولے عرفانی
خواجہ اہل دین بگو سالش	نیز عارف امین ربانی

سلہ تمام نامی وے ابو محمد حسن بن علی بن انداقی از اعاظم خلفا خواجہ یوسف ہمدانی ست و در انداق کہ بفاصلہ سہ فرسنگ از بخارا ست سکونت داشت پیر طریقت و امام شریعت بود مزار پرانوار وے در بخارا در حظیرہ مزار خواجہ اسحاق کلاآبادی است درون دروازہ کلاآباد است ۱۲

سلہ از سادات عظام و مشائخ کرام و اولیائی ذو الاحترام بود و در وقت خود ثانی نداشت مرید و خلیفہ خواجہ یوسف ہمدانی بود اول مرید شیخ بابا ارسلان شد بعد وفاتش تکمیل از خدمت خواجہ ہمدانی یافت مزار در تربیت ترکستان است ۱۲ • سلہ خواجہ ہمدانی یافت مزار و پیر یا ایشان بہ نکتہ...

سلہ خلیفہ و جانشین خواجہ یوسف ہمدانی است شیخ سلسلہ عالیہ نقشبندیہ و شیخ ... عالیہ نقشبندیہ ... بعد از اجداد ... ایشان ... است ۱۲

[illegible]

باز درویش صادق آمد راست	رحلت آن ولی عرفانی
تاریخ وفات خواجه محمود انجیر فغنوی که در سال هفتصد و پانزده یا هفتده بوقوع آمد	
چون مکان در جنت محمود یافت	حامد محمود و شیخ الاتقیا
شاه عرفانی است سال وصل او	هم بخوان محمود تاج الاصفیا
تاریخ وفات خواجه عزیزان علی رامتنی که در سال هفتصد و بست و یک بوقوع آمد	
قدر اعلی و عمر و عالی یافت	چون علی شد بجنت العالی
گو علی بو تراب رحلت او	نیز عاشق ولی عزیز علی
وصل او بنده خداوان است	هم علی مجتبی عزیز نبی
قطعه ثانی	
چون علی عالی همه والی عالی منزلت	شان اعلی یافت در فردوس شان
سال ترحیلش ز رضوان شد بگوش من نداء	طالب حق رهنما و از عزیزان علی
تاج انوارانی ز دل شد جلوه گر در وصل او	بار دیگر عارف اهل یقین جان علی
تاریخ وفات خواجه بابا سماسی که در سال هفتصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد	
چون محمد حامد ذات آله	حمد گویان رفت در قصر جنان
رحلتش مخدوم اجلال آمد ست	هم محمد متقی جان جهان
قطعه ثانی	
در جنت خلد چون ز دنیا	مطلوب خدا محمد آمد
از مجمع عقل سال وصلش	محبوب خدا محمد آمد
تاریخ وفات میر سید کلال که در سال هفتصد و هفتاد و دو بوقوع آمد	
رفت چو با عز و امارت بخلد	میر جهان سید امجد کلال
گفت بتاریخ وصالش خرد	بود شاه گوی محمد کلال
تاریخ ولادت و وفات خواجه بهاء الدین شاه نقشبند بخاری که ولادتش در سال هفتصد و بست و هشت و وفات در سنه هفتصد و نود و یک بوقوع آمد	
نقش بند نقش نقاش ازل	آن بهاء الدین شه کون و مکان
زاهد مشکلکشا تولید او	قطب عالی نقشبند آمد عیان

تاریخ وفات خواجه نظام الدین خاموش که در سال هشتصد و شصت و یک بوقوع آمد

چون نظام الدین بجنت جست راه ... رفت خاموش از جهان سوی جنان
رحمت باری بگو را شیخ بخوان ... سال ترحیلش بقول صالحان
بندهٔ حق خاص هم تاریخ اوست ... باز مخدوم یقین کردم بیان
رحلتش شکافی علم گو ... قطب مخدوم جهان هم ایجوان

تاریخ وفات خواجه سعد الدین کاشغری که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

یافت از حق مقام سعد مخلد ... سعد دین اسعد زمان و زمین
گفت تاریخ رحلتش سرور ... شیخ جمیل سعد الدین
باز مسعود مرشد کونین ... هست سال وصال آن شه دین

تاریخ وفات خواجه شهاب الدین احمد جنیدی که در سال هشتصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

چون شهاب الدین بجنت منتقل ماه ... پرتو افگن شد بتاریخ آن
نیر اکبر شهاب الدین بگو ... کن منور آفتاب خاندان

تاریخ ولادت خواجه برهان الدین ختلانی که در سال هشتصد و نود و سه بوقوع آمد

حضرت برهان ولی برهان حق ... شد چو در جنت بصد صدق یقین
قطب کامل خاص ترحیلش بخوان ... نیست عاشق زنده دل برهان دین

تاریخ ولادت و وفات خواجه عبید الله احرار نقشبند که ولادتش در سال هشتصد و شش و وفات در سنه هشتصد و نود و پنج بوقوع آمد

عبید الله ولی اهل عبادت ... امام دین عالی شاه ابرار
بتاج عارفان تولید پاکش ... بجو دیگر ز لفظ ذوق شمار
مکرم نامور قطب زمان نیز ... بخوان تاریخ تولیدش دگر بار
وصالش عارف مرشد رقم کن ... دگر باره شه مشهور احرار
دو باره انتقال آن شه دین ... بفرما ولی سردار احرار

قطعه ثانی

خلد والا چو کرد مسکن خویش ... پیر احرار شیخ عالی جاه
هست کامل ولی شه جنت ... سال ترحیل آن شه آگاه

خاص صدیق گو دگر بارہ — خواجہ ہادئ حق عبید اللہ

تاریخ ولادت و وفات خواجہ نور الدین عبد الرحمن جامی کہ ولادتش در سال ہشتصد و ہفدہ و وفات در سنہ ہشتصد و نود و ہشت بوقوع آمد

خواجہ جامی ولی ساقی جام — جرعہ نوشش جام حب کبریا

صاحب نویسم گویید او — نیز واصل جهان شہ کلکشا

رحلتش مہد الکرامت گفتہ ام — ہم شفیق راہبر اسرے باصفا

نیز جامی ماہ دین محمد وهم جام — بہر سال رحلتش کردم ادا

وصل او دان خواجہ جامی دگر — زاہد دین حسن عرش سرور ا

تاریخ وفات سید میر عبد الاول نقشبندی کہ در سال نہصد ہجری بوقوع آمد

یافت چون آخر مقام اندر بہشت — عبد اول میر دین جنت مکان

سید کونین محمد ہم آمدہ ہست — ارتحال آن شہ دوران زمان

نیز زاہد عباد اول حق پرست — باز شاہ عالم جنت بدان

تاریخ ولادت و وفات خواجہ شمس الدین محمد روجی کہ ولادتش در سال ہشتصد و بست و وفات در سنہ نہصد و چہار بوقوع آمد

گشت شمس الدین چو روشن در جہان — سال تولیدش بہ قول اصفیا

سرور ان محبوب شمس دین بخوان — نیز شمس الاصفیا افضل صفا

ہست ترحیلش ولی پر نور شمس — ہمدگر ہادئ اکرم مقتدا

ہادئ اسلام شمس الاکرمین — گشت حاصل بہر وصلش مدعا

خاص بار سخن دابدال نیز — ختم شد سال وصالش مدعا

تاریخ شہادت خواجہ محمد یحییٰ شہید کہ در سال نہصد و شش بوقوع آمد

شیخ یحییٰ شہید کامل عصر — اکمل و اسعد است و سعد و سعید

یافت حق راہبر آنکہ او را یافت — دید حق ما ہر آنکہ حق را دید

کرد چون زین جہان بخلد عروج — روح پاکش بر اوج عرش رسید

صاحب جان نثار شد تاریخ — نیز قطب کبیر مرد شہید

تاریخ وفات خواجہ محمد عابد نقشبندی کہ در سال نہصد و دہ بوقوع آمد

خواجہ عابد از خلفاے خواجہ احرار ... نقشبندی است در فقر ثانی بلند و مقامات ارجمند داشت ۱۲ فرزند نخستین خواجہ احرار است و در موضع ... کہ از مصنفات ... سکوت داشتند ... و خواجہ داماد سید تقی الدین

بعد زہد و ریاضت یافت جنت	چو آن عابد محمد قطب مخدوم
وصال او بعہد اطوار رنگین	بخوان زاہد محمد قطب مخدوم ۹۱۰

قطعۂ ثانی

یافت از فرط عبادت باغ خلد	عابد دین رحمۃ اللہ علیہ
بہر سال وصل زاہد گفت دل	زاہد دین رحمۃ اللہ علیہ ۹۱۰

تاریخ وفات خواجہ خواجگان نقشبندی کہ در سال نہصد و یازدہ بوقوع آمد

چو آن خواجہ خواجگان شیخ دین	بخلد برین یافت جاے قرار
بوصلش بگو خواجہ رہنما ۹۱۱	بفرما چنین خواجہ نامدار ۹۱۱

تاریخ وفات مولانا رضی الدین عبد الغفور لاری کہ در سال نہصد و دوازدہ بوقوع آمد

پیر اہل معرفت عبد الغفور	با رضا راضی شد و رفت از جہان
سالک محمود قطب است اے اخی ۹۱۲	سال وصل آن شہ عالی مکان
ہم جناب خواجہ لاری بگو ۹۱۲	نیز عارف پیر حق لاری بخوان ۹۱۲

تاریخ وفات مولانا محمد زاہد وخشی کہ در سال نہصد و سی و شش بوقوع آمد

محمد زاہد آن شیخ معلی	چو با حق شد ز دنیا اتصالش
ولی قیصر ہم فیض آگہی ۹۳۶	عیان شد شیخ زاہد ارتحالش ۹۳۶

تاریخ وفات مولانا درویش محمد نقشبندی کہ در سال نہصد و ہفتاد بوقوع آمد

ز دنیا شد چو در خلد معلی	جناب سرور اکبر محمد
ز سرور مست عشق آمد وصالش ۹۷۰	دو بار عاشق رہبر محمد ۹۷۰

تاریخ وفات خواجہ عبد الشہید کہ در سال نہصد و ہشتاد بوقوع آمد

خواجہ عبد الشہید آن شیخ دین	روح پاک او چو در جنت رسید
شد ندا مخدوم ہادی کریم ۹۸۰	بحر وصلش ہم ولی خواجہ شہید ۹۸۰

تاریخ وفات مولانا خواجگی انکنگی کہ در سال یکہزار و ہشتاد بوقوع آمد

چون شہ خواجگی با وج بہشت	جلوہ گر گشت چون مہ انور
ہست شیخ زمان وصال او ۱۰۰۸	ہم بخوان خواجہ یقین اکبر ۱۰۰۸

تاریخ وفات خواجہ محمد باقی دہلوی کہ در سال یکہزار و دوازدہ بوقوع آمد

دختر سید تقی الدین کرمانی است و از بطن وی خواجہ نظام الدین ... و خواجہ محمود و خواجہ عبد الحق بوجود آمدند چون دختر سید تقی الدین انتقال کرد نکاح ثانی خواجہ ... خواجہ نظام الدین ... اولاد مصنف ... افتاد و از بطن وی خواجہ عبد الشہید متولد گشت و نیز از بطن یک کنیزک ... پسر مسمی بہ ابو الفیض بوجود آمد و این ہمہ حضرات اولیاے کامل بودند ۱۲ ... ساکن ... شہر لاہور ... رضی الدین است از علماے ...

خواجہ عبید اللہ ... مولانا جامی ... شرح ... حاشیہ ... نقشبندی ... خواجہ عبد الشہید ... خلافت یافت ... مولانا محمد ... خواجگی ...

... خلیفہ ... نقشبندی ... خلیفہ مولانا محمد ... ارشاد ...

چو باقی راسے ملک بقا شد — باہل وحسرگفت ہذا فراسے
ندا آمد ز ہاتف سال وصلش — بجاے ملک باقی رفت باسے

قطعہ ثانی

چو شد از عالم فانی بمقیم جنت والا — بسعی خواجہ عالی شد دار البقا باسے
بخوان قطب زمان مخدوم باقی سال ترحیلش — دگر قطب زمن والی شد دار البقا باسے

تاریخ ولادت و وفات شیخ احمد مجدد الف ثانی فاروقی کابلی سرہندی کہ ولادتش

در سال نہصد و ہفتاد و یک و وفات وی در سنہ یکہزار و سی و چار بوقوع آمد

شیخ احمد شیخ دین احمدی — پیر دین محبوب مقبول عظیم
شد عیان احمد رفیع المنزلت — سرو را تولید آن شیخ کریم
نیز در تولید او اشرف فقیر — طرفہ تر پیداست از طبع سلیم
رحلتش فیض کمال احمد است — ہم بخوان احمد صراط المستقیم
پیر سلطان الف ثانی بخوان — سال وصل آن شہ جنت مقیم
شیخ امجد احمد پاک آمدہ است — ارتحال آن ولی بے خوف و بیم
حبیب احمد گو ولی زاہد بخوان — در سنین عمر آن نور قدیم

قطعہ ثانی

احمد فاروق سرہندی ولی اہل دل — در سن تولید و ترحیلش چو جستم اتصال
در ولادت احمد زاہد شفیع امت است — بے نیاز احمد شفیع امت آمد ارتحال

تاریخ وفات خواجہ بیرنگ نقشبندے کہ در سال یکہزار و چہل و دو بوقوع آمد

ز دنیاے دون رخت ہستی بہ بست — چو بیرنگ آن مقتدا اہل فقر
بگو شیخ اسلام تاریخ او — دگر زبدة الاصفیا اہل فقر

تاریخ وفات خواجہ خاوند محمود المشہور بحضرت ایشان لاہوری کہ در سال یکہزار و پنجاہ و دو بوقوع

بحمد اللہ کہ در جنت مکان کرد — ولی بے ریا خاوند محمود
بہ سرور گفت رضوان ارتحالش — کہ قطب الاصفیا خاوند محمود

قطعہ ثانی

چو شد زیر زمین افسوس افسوس — ز دنیا آفتاب عشق محمود

وصالش منبع فیض است سرور ۱۰۵۲ — دوباره آفتاب عشق محمود ۱۰۵۲

قطعهٔ ثالث

شاه محمود چون ز دار فنا — رفت شد وصل با خدا محمود
هست محمود شاه رحمت سال — نیز مخدوم پارسا محمود ۱۰۵۲

قطعهٔ رابع

ز دنیا شد بجنت حمد گویان — چو حق آگاه قطب وقت محمود
وی جامع فیض است سالش ۱۰۵۲ — دوباره شاه قطب الوقت محمود ۱۰۵۲

تاریخ وفات شیخ آدم بنوری مجددی که در سال یکهزار و پنجاه و سه بوقوع آمد

چو کرد از عالم فانی سفر سوی بقا آخر — مثال گنج پنهان گشت اندر زیر گل آدم
بسال رحلت او حافظ دین کن قمر ۱۰۵۳ — دگر باره شد از عالم بجنت زنده دل آدم ۱۰۵۳

قطعهٔ ثانی

فخر آدم آدم ثانی وی — شد چو از دنیای دون اندر جنان
رحلتش شیخ زمان آدم بگو ۱۰۵۳ — شاه عالم آدم ثانی بخوان ۱۰۵۳
نیز آدم شیخ محمود است عزیز ۱۰۵۳ — فخر آدم هادی حق کن بیان ۱۰۵۳

تاریخ وفات شیخ نور محمد پشاوری که در سال یکهزار و پنجاه و نه بوقوع آمد

چو روشن شد بجنت مثل خورشید — شه اهل صفا نور محمد ۱۰۵۹
رقم شد فیض حقانی وصالش ۱۰۵۹ — دگر مشکل‌کشا نور محمد ۱۰۵۹ ❀

تاریخ وفات میر نعمان مجددی که در سال یکهزار و شصت و پنج بوقوع آمد

چو از دنیای سوی جنت گشت منعم — شه ملک ولایت گشت نعمان ۱۰۶۵
بسال انتقالش گفت سرور — که هادی رب نعمت میر نعمان ۱۰۶۵

تاریخ وفات شیخ ابوالفتح مجددی که در سال یکهزار و شصت و شش بوقوع آمد

چون در جنت بجو مفتوح یافت — فتح دین بوالفتح مفتاح جنان ۱۰۶۶
رحلتش شیخ زمان محبوب گو ۱۰۶۶ — هم زهی بوالفتح مفتاح جهان ۱۰۶۶
متقی معشوق و شاهنشاه تاج ۱۰۶۶ — نیز تاریخش ز سرور شد عیان

تاریخ وفات عبدالحی مجددی که در سال یکهزار و هفتاد هجری بوقوع آمد

گشت مدفون چو آن صورت گنج	در زمین حق پرست عبد الله
مهدی اعظم است سالش نیز	قطب دین حق پرست عبد الله

تاریخ وفات شیخ احمد سعید مجددی که در سال یک هزار و هفتاد و نه وقوع آمد

با سعادت چون سعید از دهر رفت	در جهان ماتم شد و در خلد عید
جلوه گر از طبع روشن وصل اوست	نیر روشن ولی دین سعید

قطعه ثانی

صورت مشعل به بزم احمدی شد جلوه گر	با سعادت سعد دین احمدی احمد سعید
زیب عالم شیخ و شیخ ناطق آمد سال او	هم بخوان مهدی عارف قطبی احمد سعید

تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد معصوم مجددی که ولادتش در سال یک هزار و نه و وفات وی در سنه یکهزار و هفتاد و نه یا هشتاد و نه وقوع آمد

مجدد نقشبند نقش یزدان	وی معصوم عالی رتبه مخدوم
پی تولید آن شاه معلی	ز دل شد یار حق مخدوم معلوم
دو باره طرفه تر در سال تولید	ذوی الاکرام شد تاریخ منظوم
زهادت غنچه چو ارتحالش	بفرما اهل حق مخدوم معصوم
دگر باره وصال پاک آن شاه	ز والامر ثبت گردید مفهوم
چه خوش بار دگر از دل نداشد	که عارف هادی اسرار معصوم

تاریخ وفات خواجه معین الدین خاوند کشمیری که در سال یکهزار و هشتاد و پنج بوقوع آمد

داخل فردوس شد با عز و جاه	قطب ربانی معین اهل دین
خواجه ملت بگو سالش دگر	تاج عصر ثانی معین اهل دین

تاریخ وفات شیخ سیف الدین مجددی که در سال یکهزار و نود و هشت بوقوع آمد

بقتل نفس از حق یافت جنت	چو سیف الدین عالی سیف قتال
وصالش با صفا شمشیر دینی است	دو باره شاه عالی سیف قتال

تاریخ وفات شیخ سعدی بلخاری لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و هشت بوقوع آمد

با سعادت شد چو در خلد برین	شیخ سعدی پیر اسعد شیخ پیر
تاج نعمت سعدی آمد رحلتش	نیز سعدی عارف اکبر فقیر

... مریدی بزرگ صاحب عبادت و ریاضت و هدایت و ارشاد بود ...

هم شهنشاه ولایت شد عیان ۱۱۰۰	سال وصل آن شه روشن ضمیر

تاریخ وفات شیخ محمد اسمعیل غوری مجددی که در سال یکهزار و یکصد و یازده بوقوع آمد

پاک رفت از جهان بخلد برین	چونکه معصوم و همه اسماعیل
رحلتش هست عارف سرمست ۱۱۱۱	نیز مخدوم و هم اسماعیل ۱۱۱۱

تاریخ وفات حافظ عبد الغفور پشاوری که در سال یکهزار و یکصد و شانزده بوقوع آمد

شیخ عبد الغفور حافظ دین	چون فدا کرد جان بنام الله
حافظ واصل است تاریخش ۱۱۱۶	هم بخوان حافظ کلام الله ۱۱۱۶

تاریخ وفات خواجه احمد یوسف نقشبندی که در سال یکهزار و یکصد و شانزده بوقوع آمد

شیخ احمد چو نزد احمد رفت	بهر تاریخ آن شه اسعد
کن شهنشاه مجتبی تحریر ۱۱۱۶	فاصل علم احمدی فرما ۱۱۱۶

تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و یک بوقوع آمد

رخت سفر بست چو زین دار دون بخلد	شیخ مراد سرور عشاق بامراد
تاریخ او خرد ز شهنشاه عشق جست ۱۱۳۱	گفتا و گر که طالب مشتاق بامراد ۱۱۳۱

تاریخ وفات سید نور محمد بدایونی که در سال یکهزار و یکصد و سی و پنج بوقوع آمد

چو در خلد معلی جلوه گر شد	چراغ پنج تن نور محمد
عجب سال وصالش گشت روشن	ز مخدوم و هم ز من نور محمد ۱۱۳۵

قطعه ثانی

چو شد خورشید دین نور محمد	بزیر ابر مثل ماه منور
شده تاریخ وصلش پرتو افگن	محمد نور گنج نور پر نور ۱۱۳۵

تاریخ وفات خواجه محمد صدیق مجددی که در سال یکهزار و یکصد و سی و شش بوقوع آمد

چون بصد صدق از جهان صدیق رفت	ارتحالش طرفه با صدق و صفا
هست اهل دین کریم اهل خلق ۱۱۳۶	نیز اهل فضل قطب الاولیا ۱۱۳۶

تاریخ وفات شیخ عبد الاحد مجددی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و دو بوقوع آمد

با احد پیوست از دار فنا	فخر دین شیخ عبد الاحد نور علی
هست شیخ العالمین تاریخ او ۱۱۴۲	هم بخوان شیخ کبیر اسرے متقی ۱۱۴۲

بازشد پیدا ز دل سال وصال	مقتدا عبد الاحد یکتا ولے

تاریخ وفات خواجه محمد افضل مجددی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و شش بوقوع آمد

فاضل و افضل و لے اہل فضل	فضل حقست چونکه از حق یافت مفت
عقل افضل و افضل حق سال او	آفتاب حسن عالم تاب گفت

تاریخ وفات حافظ محمد محسن مجددی که در سال یکهزار و یکصد و چهل و هفت بوقوع آمد

محسن دین احسن الاخلاق پیر	یافت از حق چونکه حسن اتصال
وصل او حافظ محب حق بود +	نیز حافظ محسن آمد ارتحال
بدر عشق عاشق بخوان سالش دگر	شاه مشتاق است تاریخ وصال

تاریخ وفات حافظ سعد الله مجددی که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

با سعادت چونکه سعد الله رفت	در مقام اسعد خلد برین +
ارتحال او به سرور شد عیان	حافظ پاکیزه دل هادی دین
سالک مشتاق سعد الله گو	سال ترحالش بصد صدق یقین
سرورا حافظ حبیب عالم است	باز وصل پاک آن خلوت نشین

تاریخ وفات خواجه محمد زبیر دهلوی که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

روح پاک خواجه والا زبیر	رفت چون از فرش بر عرش برین
هست شمس الاتقیا قطب زمان	سال وصل آن امام المتقین
شد عیان از نقش دل تاریخ او	نقشبند پاک با نقش یقین
نیز شمس العارفین کامل زبیر	ظاهر آمد ارتحال آن این

تاریخ ولادت و وفات خواجه نور الدین محمد آفتاب کشمیری که در سال یکهزار و هشتاد و شش و وفات آن جامع الکمالات در سنه یکهزار و یکصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

نور دین آفتاب نور یقین	بود مهر منیر عزت و جاه
آفتاب آفتاب حسن بگو	سال تولید آن ثریا جاه
شیخ معصوم و مهر افضل خوان	سن ترحیل و بحسرت و آه

تاریخ وفات شیخ محمد عابد مجددی که در سال یکهزار و یکصد و شصت بوقوع آمد

عابد دین عبد حق خیر العباد	از عبادت یافت چون ملک قدم

تانزده بتکمیل رسید و
صاحب ولایت و کرامت
شد ۱۲ ... مرید
خلیفه خواجه محمد ۱۲ الله
نقشبند و در دهلی علم
مشیخت افراخت و مزار
وے در دهلی است ۱۲
شاه خلف الصدق
خواجه نظام الدین بن
خواجه معین الدین بن
خواجه خاوند محمود نقشبندی
است و بعد وفات پدر
خود و تربیت و تکمیل از
خواجه احمد یسوی یافت
گردیده و ۱۲ از تب در
کشمیر زیارتگاه خلق
است

شیخ میر است و دگر مخدوم عشق
بازفضل علم عابد پاکباز

رحلتش اے ہمدمان بی بیش و کم
شیخ قطب الحق وصالش گفته ام

تاریخ وفات حاجی محمد سعید لاہوری قادری نقشبندی که در سال یکہزار و یکصد و شصت و شش بوقوع

چون سعید آن اسعد جن و بشر
نور فضل و شیخ نور آمد وصال

از فنا در کشور بقا رسید
نیز بحر معرفت حاجی سعید

تاریخ وفات خواجه کمال الدین نقشبندی که در سال یکہزار و یکصد و ہشتاد و ہشت بوقوع آمد

چو سید کمال از کمال رضا
بتاریخ ترحیل آن شیخ دین

ز دنیائے دون یافت با حق وصال
بگو شیخ اقطاب سید کمال

تاریخ ولادت و وفات شاه شمس الدین حبیب الله مرزا جان جانان دہلوی که ولادتش در سال یکہزار و یکصد و یازده و وفات در سنه یکہزار و یکصد و نود و پنج بوقوع آمد

جناب جان جانان شاه شمس الدین حبیب الله
بتولیدش سنی مقبول ربانی رقم کردم

که بد یکتا بحبوبی و سطلو سطلے و مرغوبی
بوصل پاک او شاه شهادت قطب محبوبی

قطعه ثانی

جان جانان شاه شمس الدین سخے
خازن جنت رقم شد از قلم
گشت روشن از خرد سال وصال
پس فنش فیض است سال وصل او

وصفت او بیر ولیست از گفت و شنید
بهر تولید سعید آن سعید
بنده حق پیر شمس الدین شهید
شاه بحر الرحمت هم آمد پدید

تاریخ وفات مولوی احمد الله مجددی که در سال یکہزار و یکصد و نود و ہشت بوقوع آمد

مولوی احمد آن مقبول الله و نبے
رفت از دنیا چو در خلد برین تاریخ او

مخزن فیض ہدایت مطلع نور قدم
منظهر احمد بخوانش شیخ محرم کن رقم

تاریخ وفات شیخ ثناء الله پانی پتی که در سال یکہزار و دوصد و شانزده بوقوع آمد

چو رفت آخر ثناء الله و اسے
بجوان اہل ظفر تاریخ سالش

ثنا گویان ازین دار پر ادبار
دگر بگیر وصلش تاج اخیار

تاریخ وفات شاه درگاہی مجددی که در سال یکہزار و دوصد و بست و شش ہجریست و ولادت باسعادت وی در سنه یکہزار و یکصد و شصت و دو بوقوع آمد

سلسلهٔ ... [illegible] ... شیخ احمد مجدد الف ثانی ... صفی القدر بن ... سیف الدین بن شیخ ... [illegible]

شیخ درگاه شاه والاجاه ۱۱۶۲ عاشق خاص کن رقم سرور هست تاریخ رحلت پاکش	حاکم دین زماه تا ماهے سال تولید او اگر خواهے ۱۲۲۶ زاهد هند شاه درگاهے

تاریخ وفات شیخ صفی الدین المشهور صفی القدر که در سال یکهزار و دو صد و سی و شش بوقوع آمد

مے صافے بجنت کرد چون نوشش مصفے تر وصالش جلوه گر شد	صفے با صفا محبوب مولے ۱۲۳۶ ز شیخ اصفیا محبوب مولے

تاریخ ولادت و وفات شاه عبد الله المشهور سید غلام علی دهلوی مجددے که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و هشت و وفات در سنه یکهزار و دو صد و چهل بوقوع آمد

شه و سید و رهبر دو جهان ۱۱۵۸ شده روشن از خامه ام نور بخش ۱۲۴۰ وصالش غلام علی مهدی هست	امام دو عالم علی و لے بتاریخ تولید آن متقی ۱۲۴۰ دگر آفتاب مروت علی

تاریخ وفات مولانا خالد مجددی که در سال یکهزار و دو صد و چهل و دو بوقوع آمد

بلطف حق مخلد گشت در خلد ۱۲۴۲ و لے منظور و منظور آلهی ۱۲۴۲ دوباره گیر سال ارتحالش	چو خالد جاذب و مجذوب مولے بخوان تاریخ آن مطلوب مولے ۱۲۴۲ ز خالد جنتے محبوب مولے

تاریخ ولادت و وفات خواجه ابو سعید مجددی که ولادتش در سال یکهزار و یکصد و نود و شش و وفات در سنه یکهزار و دو صد و پنجاه بوقوع آمد

بوسعید آن سعد و اسعد نیک ذات ۱۱۹۶ شد عیان تولید پاکش شاه فیض ۱۲ رحلتش مخدوم نعمت از خرد ۱۲۵۰ پس رفیق فیض گفتم سال او	چشم عالم آنکه مثل او ندید ۱۱۹۶ نیر سعد منظور بے گفت و شنید ۱۲۵۰ هادی حق شیخ پیر آمد پدید ۱۲۵۰ هم معلے شیخ والا بوسعید

تاریخ وفات شاه رؤف المتخلص برافت که در سال یکهزار و دو صد و پنجاه و سه بوقوع آمد

شاه رافت صاحب رافت رؤف ۱۲۵۳ شد عیان رافت حبیب متقی ۱۲۵۳ نیز رافت عاشق نامے بخوان	یافت در دار القرار آخر قرار سال وصل آن شه والاتبار ۱۲۵۳ بارجو سالش ز رافت شهسوار

۸۳

وجودات ... [illegible] ... خلیفه ... میرزا جان جانان دهلوی ... غلام ... بود ... شاه غلام علی ... [illegible]

آخر در سلسله مجددیه ... [illegible] ... از ولایت ... غلام علی ... سجاده نشین غلام علی مجددی است ... شیخ احمد مجدد الف ثانی است ... [illegible]

از ملفوظات شاه غلام علی ... اول بالاتفاق شاه ابو سعید ... غلام علی مجددی است ۱۲۵۰ ... بخدمت شاه غلام علی ... [illegible]

موسوم کرده ... ذکر مقامات و مکتوبات حضرت شاه کتابے و دیگر هم تصنیف نموده ... تفسیر رؤفی و دیگر کتب در فقه و حدیث بسیار اند بعد وفات ...

تاریخ وفات مولوی کرم اللہ محدث کہ در سال یکہزار و دوصد و پنجاہ و ہشت بوقوع آمد

بخلد برین گشت منزل گزین — چو آن مولوی معظم کرم
وے غریب است تاریخ او ۱۲۵۸ — دگر قطب و اشرف مکرم کرم ۱۲۵۸

تاریخ وفات ملا عبد الغفور جراجی کہ در سال یکہزار و دوصد و پنجاہ و نہ بوقوع آمد

گشت عبد الغفور چون مغفور — دل ترحیل آن شہ معصوم
گفت زاہد وے منظور است ۱۲۵۹ — نیز ملا فقیہ حق مخدوم ۱۲۵۹

تاریخ وفات مرزا رحیم بیگ المشہور درویش محمد عظیم آبادی کہ در سال یکہزار و دوصد و شصت بوقوع

رحم ول مرزا رحیم اللہ ولی اہل کرم — رحمت حق یافت در جنت بفضل ذو الجلال
کن رقم منظور دین سالش دگر مخدوم شرع ۱۲۶۰ — ہم بخوان خورشید عالم اشہر سال ارتحال ۱۲۶۰

تاریخ وفات مولانا خطیب احمد مجددی کہ در سال یکہزار و دوصد و شصت و شش بوقوع آمد

رفت چو در بزم محمد ز دہر — احمد ذی جاہ وے متقی
گفت بتاریخ وصالش خرد — اختر اجلال و مظفر وے ۱۲۶۶

تاریخ ولادت و وفات شاہ احمد سعید مجددی کہ ولادتش در سال یک ہزار و دوصد و ہفدہ و وفات در سنہ یکہزار و دوصد و ہفتاد و ہفت بوقوع آمد

حضرت احمد سعید آن نور حق — پیر اسعد سید دین شیخ سعید
خوان نعمت گشت تولیدش عیان ۱۲۱۷ — مظہر امید زاہد شد پدید ۱۲۱۷
مظہر اسلام دان ترحیل او ۱۲۷۷ — ہم بخوان شیخ یقین احمد سعید ۱۲۷۷

تاریخ ولادت و وفات سید امام علی شاہ مجددی کہ ولادتش در سال یک ہزار و دوصد و دوازدہ و وفات در سنہ یکہزار و دوصد و ہشتاد و دو بوقوع آمد

نقشبند دل امام اولیا — زاہد دین سید و الاعتصام
سال مولودش غریب آمد عیان ۱۲۱۲ — جلوہ گر شد باز خورشید امام ۱۲۱۲
نیز شیخ السالکین اہل جلال ۱۲۱۲ — گشت تولیدش رقم اے نیکنام
فضل قرب و شیخ قرب آمد دگر ۱۲۱۲ — سال تولیدش بہ قول خاص و عام
کن رقم نور اسے شیخ نیستر ۱۲۱۲ — اے اخے تولید آن ذی الاعتصام
رحلتش منظور وے کن رقم ۱۲۸۲ — ہم بخوان مرد خدا عارف امام ۱۲۸۲

پس حساب تاریخ علم ترحیلش بگو	پس وے منظور فرما والسلام

گنج پنجم در قطعات تواریخ حضرات مشائخ سلسلهٔ عالیه سهروردیه قدس الله سره العزیز تاریخ وفات شیخ ممشاد دینوری که در سال دو صد و نود و هشت بوقوع آمد

جان بجانان چون شه ممشاد داد	روح پاک او بجنت یافت جا
سال ترحیلش ندا شد از خرد	زاهد آفاق محبوب الهدا
زنده دل محبوب علم آمد عیان	پیر موے شد وصالش مدعا

تاریخ وفات شیخ ابو محمد رویم که در سال سه صد و سه هجری بوقوع آمد

چون رویم آن سلسبیل عشق حق	شد روان آخر بباغ جنتی
سال ترحیلش خرد فیروز گفت	پیر کامل خواند و هم انور وے
زنده دل کامل وے الله بجوان	سال وصل آن وے متقی

تاریخ وفات شیخ علی رودباری که در سال سه صد و بیست و دو بوقوع آمد

علی چون بلطف خدا بے سبے	مخلد شد آخر بخلد برین
بگو محرم دل بتاریخ او	علی پیر فرما و برهان دین

تاریخ وفات شیخ ابو عبد خفیف که در سال سه صد سی و یک یا سی و دو بوقوع آمد

کرد عزم سفر چو از دنیا	پس بجنت رسید عبد الله
هست بحر الکمال تاریخش	هم وے سعید عبد الله

تاریخ وفات ابو علی کاتب که در سال سه صد و پنجاه و شش بوقوع آمد

علی عین الکرم شه لطف	بذات عین حق گردید موصول
علی معصوم گو تاریخ سالش	دگر باره علی محبوب مقبول

تاریخ وفات شیخ ابو العباس نهاوندی که در سال سه صد و هفتاد و یک بوقوع آمد

بفردوس و ریزم احمد رسید	چو احمد وے سے جنتے
بگو شاه دین سال ترحیل او	بفرما دگر نیز دین وے
رفته دیگانه بجو رحلتش	دگر فرد موے بگو اسے اخی

تاریخ وفات شیخ ابو القاسم علی گورگانی که در سال چهار صد و پنجاه بوقوع آمد

قسمت خود یافت چون آخر ز حق	حضرت قاسم وے مستقیم

از محبت جست دل تاریخ او	هم خرد فرمود بو القاسم رحیم

تاریخ وفات شیخ اخی فرخ زنجانی که در سال چارصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

ماند نیکو بدهر نیکو رفت	نیک رو نیک نام زنجانی
گفت سرور بسال ترحیلش	پیر طالب امام زنجانی
نیز سالک ولی مکرم گو	رحلتش ذو الکرام زنجانی

تاریخ وفات شیخ ابو علی فارمدی که در سال چارصد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

یافت اعلی رتبه در خلد برین	چون علی عالی مکان شیخ هدا
زبدهٔ حق عارف آمد رحلتش	هم علی عالی امام با صفا

تاریخ وفات شیخ ابوبکر نساج که در سال چارصد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

شده موصول با وصل خداوند	چو بکر آن ولی ذات محبوب
بگو عرفان مولی ارتحالش	اگر قطب جهان بوبکر مطلوب

تاریخ وفات شیخ احمد غزالی که در سال پانصد و هفده هجری بوقوع آمد

احمد آن محبوب دین احمدی	یافت قرب احمدی اندر جنان
بلبل جنت بگو تاریخ او	نیز شمس دین احمد کن بیان

تاریخ وفات شیخ عین القضات همدانی که در سال پانصد و سی و سه بوقوع آمد

عین قضات از جهان چون رخت بست	سال وصل او عیان شد از قلم
هادی اهل یقین عین العلوم	هم بدان زنده ولی عین الکرم
باز گو علم نبی عین الیقین	نیز نور العین علوی کن رقم
پس محب الله نور العین نیز	سال وصل اوست ای والا همم
گشت پیدا نور عین اهل عطا	ارتحالش از خرد بی بیش و کم

تاریخ وفات شیخ ضیاء الدین ابو النجیب عبد القاهر سهروردی که در سال پانصد و شصت و دو یا سه بوقوع آمد

بانجناب شیخ پیر بو نجیب	شد چو از دنیا بجنت شد قریب
مختلف شد سال وصل آن نجاب	هر سه تاریخ آمده اندر حساب
اولاً گو معدن انوار علم	بهر سال رحلت آن کان حلم
باز سال وصل آن سردار حق	گشت روشن معدن الانوار حق

از خلفای عظام شیخ ابو عبدالله خفیف است جامع کمالات ظاهری و باطنی و مطلع انوار صوری و معنوی بود و در خانقاه خود لنگر عظیم جاری داشت مزارش در زنجان است ۱۲

۴۰۳ ام نامی وی فضل بن محمد است و در فارمد سکونت داشت و شیخ الشیوخ خراسان بود و خرقهٔ خلافت از دست شیخ ابو القاسم گرگانی پوشید ۱۲

۴۸۷ نامش ابوبکر بن عبدالله است و در طوس سکونت داشت و خرقهٔ خلافت از دست شیخ ابو القاسم گرگانی پوشید و با ابوبکر دینوری نیز صحبت داشته و برای حصول قوت حلال بافندگی کردی ۱۲ ۵۱۷

۸۶

امام وقت و مقتدای شریعت و طریقت [illegible] برادر حقیقی امام محمد غزالی است خرقهٔ خلافت و اجازت از شیخ ابوبکر نساج پوشید و غیره بسیار تصنیف [illegible] است ۱۲

۵۲۵ ام [illegible] عین القضات [illegible] شیخ احمد غزالی [illegible] ۱۲

[illegible]

نیز سال انتقالش شد عیان — مطلع انوار محبوب زمان

تاریخ وفات شیخ وجیه الدین سهروردی که در سال پانصد و شصت و شش بوقوع آمد

جلوه گر شد بر اوج خلد برین — مهر دین متقی وجیه الدین

هست مهتاب حسن تاریخش — نیز کاشف ولی وجیه الدین

تاریخ وفات شیخ عمار یاسر قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و دو بوقوع آمد

گشایش یافت در خلد معلی — چو آن شیخ زمان عمار یاسر

رقم شد عاشق اعلی وصالش — دگر باره بخوان عمار یاسر

تاریخ ولادت و وفات شیخ الشیوخ شهاب الدین عمر سهروردی که ولادتش در سال پانصد و چهل و دو و وفات در سال ششصد و سی و دو بوقوع آمد

قطب شه و پناه دین شیخ شهاب الدین ولی — مقتدای اهل هدایت پیر پیر دستگیر

کاشف عالم بگو مصباح عرفان کن رقم — تا ترا حاصل شود تولید آن روشن ضمیر

بهر رحلتش بخوان سرور شهاب الدین بگو — بار دیگر کن بیان زاهد شهاب الدین پیر

تاریخ ولادت و وفات شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی که ولادتش در سال پانصد و هفتاد و هشت و وفات در ستة ششصد و شصت و یک یا شصت و شش بوقوع آمد

پادشاه دین بهاء الدین ولی — قطب اقطاب جهان شیخ زمان

عشق حق تولید او تحریر کن — عاشق صادق بگو ترحیل آن

شمع نور آمد دگر ترحیل او — نیز شیخ دین بهاء الدین بخوان

مرشد کامل بکن کامل رقم — عصمت الله سال تاریخش بدان

هم بکرم یار حق والی بگو — پیر زکریا ولی حق بین بخوان

رحلتش شاه رفیع است و دگر — شاه مهدی الکریم آمد بجان

قطعه ثانی

شاه روی زمین بهاء الدین — شیخ عالی امین بهاء الدین

گشت تولیدش از خرد روشن — مطلع نور دین بهاء الدین

گفت سرور بسال رحلت او — عارف اهل یقین بهاء الدین

تاریخ وفات شیخ جمال خندان رو که در سال ششصد و پنجاه و شش بوقوع آمد

شد بحسن وجمال در جنت بدر عشق است رحلت پاکش	شیخ اجمل جمال اہل جلال بخوان آفتاب حسن جمال
تاریخ وفات شیخ صدر الدین عارف ملتانی کہ درسال ششصد وہشتاد وچہار بوقوع آمد	
شیخ صدر الدین ولی صدر الصدور اہل رحمت ارتحالش شد رقم بار دیگر سید صدر الدین جمیل عارف عالی مکان قطب آمد است قطب سعد الله صدر الاولیا باز سال ارتحالش شد عیان مہدی صدر الصدور استاد اتقی	شد چو بر صدر جنان بالاقین ہم امین الدین ولی العارفین ہست وصل آن شہ ولی زین ہم گر ابدال صدر الاکرمین شد ندا در وصلش از عرش برین قطب زیبا دین صدر الدین امین رحلت آن شاہ از وی یقین
تاریخ وفات شیخ فخر الدین عراقی کہ درسال ششصد وہشتاد وہشت بوقوع آمد	
عراقی چون بجنت برد تشریف بتاریخ وصالش محترم گو	باہل دہر گفت ہدا افراقی وگر سلطان ولی عاشق عراقی
تاریخ وفات شیخ حسن افغان سہروردی کہ درسال ششصد وہشتاد ونہ بوقوع آمد	
چون حسن شد بجنت الاحسن حسن متقی طیب گو +	سال ترحیل آن شہ والا + عاشق زندہ دل حسن فریاد
تاریخ ولادت ووفات سید جلال الدین شیر شاہ میر سرخ بخاری اچی کہ ولادتش درسال پانصد ونود وپنج ووفات درسنہ ششصد ونود ہجری بوقوع آمد	
سید ذی رتبہ بادشاہ کمال آفتاب جلال والاجاہ نیز عاشق جلال واصل جود بازاہد شیخ مخدوم است	شیخ دنیا ودین جلال الدین سال تولید او بخوان وبین ہم بخوان آفتاب واصل دین وصل آن سید دین شہ حق بین
تاریخ ولادت ووفات شیخ شرف العالم مصلح الدین سعدی شیرازی کہ ولادتش درسال پانصد وہشتاد ویک ووفات درسنہ ششصد ونود ویک بوقوع آمد	
ولی زمان سعدی پاکباز	شہ دہر مطلوب پروردگار

تاریخ وفات سید علم الدین بلائین که در سال هشتصد و هشت به وقوع آمد

رفت از عالم چو با علم و عمل — علم دین آن عالم و عامل ولی
تاریخ ابرار است تا بخشش دگر — عالم اسرار با عالم بینی

تاریخ وفات شیخ کبیر الدین اسمعیل سهروردی که در سن هشتصد و بیست و پنج بوقوع آمد

جلوهٔ مولی چو اندر خلد یافت — مهر عالم ماه دین اکبر کبیر
بادشاه اتقیا گو رحلتش — بار دیگر شاه دین اکبر کبیر

تاریخ وفات سید صدر الدین راجن قتال اوچی که در سال هشتصد و بیست و هفت بوقوع آمد

چو صدر الدین ولی صدر دو عالم — بصد رخلد شد چو سال ایصال
ز سید شاه صدر الدین محبوب — دو باره بادی دین پیر قتال
دگر ای خواجه فرما خواجه پیر — بسال رحلت آن شاه ذی حال

تاریخ وفات سراج الدین سهروردی که در سال هشتصد و سی هجری بوقوع آمد

مشعل خورشید پرتو افگن جهان — چون سراج الدین ولی متقی
بادی خیر است سال رحلتش — باز شد روشن سراج روشنی
جلوه گر شد باز مخدوم سلیم — ارتحال آن سراج الدین ولی

تاریخ وفات سید ناصر الدین بن مخدوم جهانیان اوچی که در سال هشتصد و چهل و هفت بوقوع آمد

ابصد نصرت چو شد ناصر جنت — بخوان سال وصال آن شه دین
ز عارف ناصر دین کامل اول — دگر قطب مکرم ناصر الدین
قطعهٔ ثانی
چون بفتح و نصرت اندر خلد شد — ناصر الدین ناصر دین متقی
گشت تاریخ وصال او عیان — شاه سید ناصر دین نبی

تاریخ ولادت و وفات سید برهان الدین قطب العالم که ولادتش در سال هفتصد و نود و وفات در سنه هشتصد و پنجاه هجری به وقوع آمد

حضرت برهان دین برهان حق — قطب عالم شاه قطب الاکرمین
هست تولیدش سحی سید ولی — هم وی کشاف قطب العالمین
زنده دل مخدوم شد پیدا از دل — نیز تولیدش به قول صالحین
طرفه تر تولید او از معرفت — کن بیان بشمار پس فارغ نشین

مخدوم جهانیان ... ۹۱

کنار خویش با سرور فرمود ه بود ۷۸۵ فرزند دلبند مخدوم جهانیان است مریدان بسیار و فرزندان کثیر داشت که شمار اولاد ذرینه وی به بیست و یک رسیده بود ۱۳ فرزند دلبند ناصر الدین بن مخدوم جهانیان بخاری است و قطب العالم خطاب داشت نام نامی وی عبد الله و کنیت ابو محمد و لقب برهان الدین بود مظهر کمال صاحب حال و قال و ارادت بخدمت پدر عالیقدر خود ۷۹۰ داشت و بحسب ایمای ربانی از وطن اوچ بر آمده در زمان سلطنت سلطان احمد بن مظفر در دکن در احمد آباد ...

قطعهٔ ثانی

چو عبدالجلیل از جهان رخت بست	بگو سال وصلش لطیف زجمیل
یکی تاج عرفان امجد مجید ۹۱۰	دگر مهدی حق خلیل جلیل ۹۱۰

تاریخ وفات قاضی نجم الدین گجراتی که در سال نهصد و یازده به وقوع آمد

گشت نجم الدین چو روشن مثل ماه ۹۱۱	در جنان از رحمت پروردگار
جلوه گر شد نجم دین مخدوم دین ۹۱۱	رحلت آن قاضی اهل وقار
باز سال انتقال آنجناب	صاحب خیر است و فاضل در شمار ۹۱۱

تاریخ وفات سید عثمان بخاری لاهوری که در سال نهصد و دوازده به وقوع آمد

میر عثمان چو گشت میر بهشت	یافت از حق باوج عدن مکان
هست وصلش امیر عثمان خیر ۹۱۲	معدن جود سید عثمان ۹۱۲

تاریخ وفات سید علم الدین چونے وال که در سال نهصد و شانزده بوقوع آمد

شد چو از عالم بعلم حق بخلد	عالم علم لدنی علم دین
هست تاج الاتقیا سالش دگر ۹۱۶	کاشف دین عالم علم الیقین ۹۱۶

تاریخ وفات قاضی محمود گجراتی که در سال نهصد و بیست هجری بوقوع آمد

چون وصال محمود محمود عاقبت	از جهان شد حمد گویان در جنان
ارتحال او بگو شیخ هدا ۹۲۰	سالک مشکلکشا محمود دان ۹۲۰
ذکر کن از ذکر سال آنجناب ۹۲۰	پس فضیل است و سخی میر جهان ۹۲۰

تاریخ وفات شیخ موسی آهنگر لاهوری که در سال نهصد و بیست و پنج بوقوع آمد

چو نور طور عرفان شیخ موسی	شده روشن بخلد جاودانی
دل سرور وصالش طرفه تر جست	ز سلطان زمان موسی ثانی ۹۲۵

تاریخ وفات سید حاجی عبدالوهاب دهلوی که در سال نهصد و سی و دو بوقوع آمد

از جهان در روضهٔ جنت رسید	حاجی حرمین واصل هدا
سید محبوب میر متقی ۹۳۲	کن رقم سال وصالش سرورا
باز گو تاریخ وصل آنجناب	پیشوا حاجی ولی مقتدا ۹۳۲

تاریخ وفات شیخ جمال المتخلص بجمال سهروردی که در سال نهصد و چهل و دو بوقوع آمد

سنه ۹[illegible] از خلفای [illegible] عالم گجراتی است [illegible] صاحب کشف [illegible] صاحب ارشاد [illegible] گجرات است [illegible]

سنه ۹[illegible] از عظمای سادات [illegible] اول بنیاد [illegible] لاهور آمده [illegible] خلق مصروف [illegible]

سنه ۹[illegible] [illegible] سید علم الدین [illegible]

سنه ۹۲۰ شیخ عبدالجلیل قطب العالم لاهوری است و چون بخدمت [illegible] درویشان [illegible] خانقاه شیخ [illegible] لاهور بود تا حال [illegible] مشهور است [illegible] اقوام [illegible] بخدمت [illegible] اعتقادی دارند مزارش متصل قصبه [illegible] جنوب است [illegible] کروه از لاهور [illegible]

سنه ۹[illegible] مرید و خلیفه شاه عالم گجراتی است صاحب جذب [illegible] عشق و محبت بود و اشعار عاشقانه [illegible] هندی و فارسی [illegible] مزارش در گجرات است

سنه ۹[illegible] مرید و خلیفه شیخ عبدالجلیل قطب العالم لاهوری است و بشیخ موسی آهنگر اشتهار دارد مزارش در لاهور بیرون [illegible] متصل قلعه گوجر [illegible] مشهور است

سنه ۹[illegible] از اولاد سید جلال الدین سرخ بخاری اوچی است [illegible]

سنه ۵۰ از کبرای خلفای شیخ محمد اسمعیل المشهور بمیان کلان لاهوری است و در ولایت باطن و فضیلت علم ظاهری بلند داشت و در تدریس و تلقین مراتب عزیز ... سنه ۵۲ از بزرگان دین و مشایخ لاهور مزارش در لاهور است و به هدایت و ارشاد دگر زایر ... ۱۲

تاریخ وفات شیخ جان محمد سهروردی لاهوری که در سال یکهزار و هشتاد و دو بوقوع آمد

جان تازه چون ز حق در خلد یافت	روح دین جان محمد جان جان
شیخ دین حق ندا شد از فلک (۱۰۸۲)	سال تاریخش دگر عرش آستان (۱۰۸۲)
یار حق جان محمد قطب وقت (۱۰۸۲)	هست وصل او دوباره ای جوان

تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد اسمعیل مدرس سهروردی لاهوری المشهور میان کلان که ولادتش در سال نهصد و نود و پنج و وفات در سنه یکهزار و هشتاد و پنج بوقوع آمد

جناب شیخ اسماعیل مرحوم	ولی حق قبول لا یزالی
پی تاریخ تولیدش ندا شد	خلیل الله اسماعیل والی (۹۹۵)
بسال ارتحال آن شه دین	خرد فرمود شیخ دین عالی (۱۰۸۵)

تاریخ وفات شیخ حسن لالو کشمیری که در سال یکهزار و نود و نه بوقوع آمد

حسن چون ز دنیا بجنت رسید	بتاریخ ترحیل آن پاکباز
یکی شیخ محبوب سبحانی است (۱۰۹۹)	دگر بار شیخ حسن با نیاز (۱۰۹۹)

تاریخ وفات شیخ یعقوب کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و شش بوقوع آمد

شده جلوه گر از جهان در جنان	چو یعقوب مجذوب مهتاب عشق
وصالش ولی خدا مجتبی است (۱۱۰۶)	دگر یعقوب مهتاب عشق (۱۱۰۶)

تاریخ وفات شیخ جان محمد سهروردی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و بست بوقوع آمد

چو در خامه معلی گشت روشن	مه روی زمین جان محمد
بگو خورشید سال ارتحالش (۱۱۲۰)	دوباره شیخ دین جان محمد (۱۱۲۰)

تاریخ ولادت و وفات شیخ حامد قاری لاهوری که ولادتش در سال یکهزار و هفتاد و یک و وفات در سنه یکهزار و یکصد و شصت و شش بوقوع آمد

حامد آن قاری قرآن عظیم	بود و محبوب جناب ذو المنن
افضل الاقطاب والاجباه گو (۱۱۶۶)	سال تولیدش باقوال زمن
بهر سال انتقال آنجناب	گفت سرور حافظ و حامد حسن (۱۱۶۶)

تاریخ وفات شیخ کرم شاه قریشی که در سال یکهزار و دوصد [illegible] بوقوع آمد

بکرم ذو الکرم حضرت کرم شاه	شه مسعود رضی الله عنه

عبد الکریم و وی مرید مخدوم طیب و وی مرید مخدوم برهان الدین و وی مرید مخدوم چهین و وی مرید شیخ پیلو ملتانی و وی مرید شیخ حسام الدین ملتانی و وی مرید سید شاه عالم و وی مرید سید برهان الدین قطب و وی مرید سید ناصر الدین و وی مرید سید جلال الدین مخدوم جهانیان و وی مرید شیخ رکن الدین ابو الفتح ملتانی و وی مرید شیخ صدر الدین عارف و وی مرید شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی است مناقب وی در تمام عالم اشتهار تمام پیدا کرده مزارش در لاهور است و سلسله تدریس قرآنی تا حال برقرار و جاری است و شیخ احمد الدین سجاده نشین مهتمم این کار خیر است

۹۶

سنه ۵۳ از [illegible] کشمیری [illegible] نصیب الدین [illegible] صاحب هدایت [illegible] کشمیری [illegible] بود [illegible] سنه ۵۴ [illegible] لاهوری است [illegible] از شیخ محمد اسمعیل [illegible] میان کلان [illegible] هدایت و ارشاد [illegible] سنه ۵۵ شیخ [illegible] قرآن [illegible] لاهوری است [illegible]

سنه ۵۶ [illegible] ابو الفتح [illegible] قطب العالم [illegible] لاهوری [illegible]

هم باقوال دگرے اہل ہوشش — لفظ عالیجاه تاریخش بدان

بازسال ارتحال آنجناب — شد محب کامل از سرورعیان

قطعهٔ ثانی

آن محب خدا حبیب سنی — رفت چون از جهان بباغ جنان

گفت سرور حبیب احسن گو — سال ترحیل آن امام زمان

عابد دین و فانی و مصباح — عالم و لایق و امام جهان

هست احسان کفیل تاریخش — پس وصی مه جبین و هم سنان

تاریخ وفات حضرت سفیان ثوری که در سال یکصد و شصت و یک یا یکصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

رفت مثل گل چو در باغ بهشت — حضرت ثوری وصی دو جهان

هر دو سال وصل آن عالیجناب — کعبهٔ دین هادی عالم بخوان

باز محبوب الاحد هادی بگو — همچو گر مهدی اهل الله وان

اهل لطف دیگر گو اهل فلاح — واصل حق کن دوباره ترجمان

تاریخ وفات شیخ داود طائی که در سال یکصد و شصت یا شصت و پنج بوقوع آمد

چو آن شاه زمان داود مسعود — بجنت یافت از دنیا رسائی

ترحیلش بگو سلطان داود — دوباره زیب حق داود طائی

تاریخ وفات خواجه عتبه بن الغلام که در سال یکصد و شصت و هفت بوقوع آمد

شیخ نامی عتبه ابن الغلام — آخرش در خلد والا یافت جا

سال ترحیلش بگو عالی جناب — هم امین الله خوان با صد صفا

تاریخ وفات امام عبد الله قدس سره که در سال یکصد و هشتاد و یک یا دو بوقوع آمد

از عبادت چو یافت خلد برین — آن امام مجیب عبد الله

وصل او قطب اهل دل گفتم — نیز زاهد حبیب عبد الله

تاریخ وفات شیخ محمد سماک که در سال یکصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

رفت چون ابن سماک از دار دهر — شد چو گنج پاک جسمش زیر خاک

سال ترحیلش محمد کامل است — بار دیگر طالب هادی سماک

تاریخ شهادت خواجه شقیق بلخی که در سال یکصد و هشتاد و چهار یا نود و چهار یا نود و پنج بوقوع آمد

99

شاگرد و مرید و خلیفهٔ شیخ حسن بصری است و تربیت و تکمیل بخدمت وی یافته از کمالات ظاهر و باطنی از امام اعظم ابو حنیفه کوفی حاصل کرده کشف و کرامت بسیار از وی بوقوع آمده کنیت وی ابو العباس است از قدمای علمای دین و مشائخ اهل یقین و حافظ و عابد و زاهد و واعظ بود و کلامی عالی و بیان شافی داشت و فیض ظاهری و باطنی از سفیان ثوری یافته و تمام عمر به تجرید و فقر بر گذرانید گفتند که چرا زن نمیکنی گفت از آنکه من طاقت دو شیطان ندارم که

مشایخ متقدمین است در علوم ظاهر و باطن ... عطاے علماے و کبراے بسیار داشت ۱۲ ... از مذهب حنفی بود و تصانیف ... ابراہیم بن ادہم حاصل کرد ... از امام موسی کاظم و سلطان ... مقامات ارجمند بود و فیض ولایت ... مشایخ و صاحب کرامات بلند ... و اصلش از بلخ از قدماے ... کنیت وی ابو علی است

آن شقیق بلخی پیر دستگیر	شد چو از دنیا به ملک جاودان
سال وصالش صدق یا صادق بگو ۱۹۴ ۱۹۴	بار دیگر مطلب جانان جهان ۱۹۴
پادشاه قدس آمد و سلطان دل ۱۹۴	هم کفیل دین دگر بار است جوان ۱۹۴

تاریخ وفات شیخ یوسف اسباط که در سال یکصد و نود و شش بوقوع آمد

چو یوسف بر رخ خود پرده بربست	چه آن شد روح پاک او با فلاک
بگو سلطان ولی تاریخ سالش ۱۹۶	دگر برخوان زیوسف زاهد پاک ۱۹۶
دو باره قبله مهدی نوشتم ۱۹۶	حبیب قدسی آمد هم با دراک ۱۹۶

تاریخ وفات خواجه ابو سلیمان الدارانی که در سال دو صد و پانزده بوقوع آمد

پادشاه خلد شد با عز و شان	چون سلیمان شیخ دین شاه جهان
طرفه سال ارتحال آن جناب	سالک عادل است و هم قطب جهان ۲۱۵ ۲۱۵

تاریخ وفات شیخ بشر مریسی که در سال دو صد و هژده به وقوع آمد

خواجه جن و انس شیخ بشر	رفت چون از جهان بحزن و ملال
رحلتش حسن اهل دین گفتم ۲۱۸	واصل کامل است دیگر سال ۲۱۸
زاهد عاقل است تاریخش ۲۱۸	کامل زاهد سالک است وصال ۲۱۸

تاریخ ولادت و وفات شیخ بشر حافی قدس سره که ولادتش در سال یکصد و پنجاه و وفات در سنه دو صد و بیست و پنج یا دو صد بیست و هفت بوقوع آمد

ولی دو جهان آن مرشد جن بشر حافی	که بود زاهد و متقی و شده واصل خود شاکی
متقی کو قوی دل خوان پی تاریخ تولیدش ۱۵۰ ۱۵۰	پی ترحیل معین الدین دگر محبوب سبحانی ۲۲۵ ۲۲۵

تاریخ وفات شیخ حاتم اصم که در سال دو صد و سی و هفت یا هشت بوقوع آمد

حضرت حاتم اصم ولی الاهم	گشت باهمت چو از عالم روان
رحلتش محبوب مسکین گفت دل ۲۳۸	باز شد مقبول مقبول جهان ۲۳۷
مهدی مقبول سال وصل اوست ۲۳۷	هم مطیع حق بخوان تاریخ آن ۲۳۷

تاریخ وفات شیخ احمد خضرویه که در سال دو صد و چهل هجری بوقوع آمد

شیخ احمد شه خدا ساسانی	ذات پاکش سعید و اسعد بود
سال وصالش عفیف شد پیدا ۲۴۰	هم بگو قطب دین احمد بود ۲۴۰

[illegible]

تاریخ وفات شیخ ذوالنون مصری که در سال دو صد و چهل یا چهل و چهار یا چهل و پنج بوقوع آمد

شیخ ذوالنون ولی با توقیر	جست چون از جهان بجنت راه
هادی حق پسند و قبلهٔ حق	گفت دل سال رحلت آن شاه
رحلتش نیز پیاگهر گفتم	نیز هادی حق و ولی الله
قطب اقطاب هادی است دگر	قطب صالح بصنعت دلخواه

تاریخ وفات شیخ ابوتراب نخشبی که در سال دو صد و چهل و پنج بوقوع آمد

بوتراب آنکه بود در عالم	شیخ یکتا ولی حق کامل
رحلتش کن رقم سعید امین	هم بفرما ولی حق کامل

تاریخ وفات شیخ عبدالله دارمی سمرقندی که در سال دو صد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

یافت با عیش چو در باغ بهشت	وارث آن جامع صدق و صفا
وارث شد سال رحلتش عیان	نیز محبوب محب اهل الصفا

تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد اسمعیل بخاری که ولادتش در سال یکصد و نود و چهار و وفات در دو صد و پنجاه و شش

آنکه او بود محمد نامش	بود با علم لدنی همراز
سال تولید چو خواهی از من	جان علم است با وشو و مساز
رحلتش طرفه زول شد پیدا	عابد پاک محمد جانباز

تاریخ وفات یحیی بن معاذ رازی که در سال دو صد و پنجاه و هفت یا هشت بوقوع آمد

جناب شیخ یحیی شاه والا سرور عالم	سفر چون کرد از دار الفنا در جنت اعلی
نهاد رحلتش بگو سلطان حق با اهل دین محسن	رقم کن باز هادی زمان زنده ولی یحیی
رحیم اول بخوان او بگو در سال ترحیلش	دگر مطلوب حق بین گوی برهان سیف حق
ولی پیر است و رازی زاهد پاک ارتحال او	دوباره طالب حق طالب الله گفته لم برجا

تاریخ وفات شیخ مسلم بن حجاج نیشاپوری که در سال دو صد و شصت و یک بوقوع آمد

چو مسلم زینت دین زیب اسلام	بجنت یافت از حق شان اعلی
عیان شد مسلم کامل و صالح	دگر شد جلوه گر قطب معلی

تاریخ وفات شیخ ابوحفص حداد که در سال دو صد و شصت و چهار یا پنج یا شش بوقوع آمد

شه سر دو سرا ابوحفص حداد	کریم و اکرم و شیخ جهان است

صدر عیان گشت و رقم شد فرید … نیز زہے قبلۂ دنیا و دین

تاریخ وفات شیخ عمرو بن عثمان صوفی کہ در سال دو صد و نود و شش یا هفت بوقوع آمد

چو در خلد برین بعد از عمر رفت … جناب شیخ عمرو مرد یکتا
بگو سلطان امام دین وصالش … دگر فرما امام دین معلی
مستور گو دو باره نامور خوان … مکن از رہنما سالش هویدا

تاریخ وفات شیخ ابو عثمان حیری کہ در سال دو صد و نود و هشت بوقوع آمد

چون ابو عثمان ولی مقتدا … از فنا اندر بقا آخر رسید
قطب واقف سالک فایق بجو ان … رحلت از ہم ولی حق سعید

تاریخ وفات شیخ ابو العباس احمد بن محمد بن مسروق کہ بسال دو صد و نود و نہ بوقوع آمد

بملک جنان یافت ماوای خویش … چو عباس شیخ ہدا اهل دین
ز صدیق صادق بجو رحلتش … بفرما دگر حق نما اهل دین

تاریخ وفات شیخ یوسف بن حسین رازی کہ در سال سہ صد و سه یا چهار بوقوع آمد

یوسف مصر ولایت اهل حسن … شاه جنت گشت چون با عز و شان
سال ترحیلش بصد حسن و جمال … یوسف ہادی حسین آمد عیان

تاریخ وفات شیخ ابو العباس عبد اللہ لبتی کہ در سال سہ صد و چهار بوقوع آمد

چو سوی روضۂ جنت روان شد … کریم الناس عبد اللہ ہادی
بتاریخ وصال او خرد گفت … ابو عباس عبد اللہ ہادی

تاریخ وفات شیخ ابو سعید عبد اللہ بن جلا کہ در سال سہ صد و شش یا هفت بوقوع آمد

شیخ دین ابن جلا چون از جہان … در سرای خلد شد منزل گزین
بدر اهل دین است سال وصل او … بار دیگر اهل دین اهل یقین

تاریخ وفات شیخ حسین بن منصور حلاج کہ در سال سہ صد و هفت یا نہ بوقوع آمد

حضرت حق گو حسین باکمال … یافت از حق با جناب حق وصال
جسم او حق بود جانش نور عین … قتل شد بر نام حق مسیح حسین
سال وصل او عجب مثل فلق … شد ز دل روشن کہ حق کامل بحق
سال وصل آن شہ ہر دو جہان … باز صدیق زمانہ شد عیان

زاہد و عظیم بود و ریاضت بسیار کرد تا انتها و سال پهلو بر زمین نہاد و خواب نکرد و در تیه با بود سکوت داشت و مدت مدید در حرمین الشریفین و بیت المقدس بعبادت حق مشغول ماند ۱۲ … نام نامی وی احمد بن یحیی بود و ابو سعید عبد اللہ لقب داشت اصلش از بغداد است و مسکن وی دمشق … صحبت حاصل کرد … ۱۲

تاریخ وفات خواجه خیر نساج اسماعیل که در سال سه صد و بست و یک بوقوع آمد

خیر نساج خیر دین ہے	یافت با خیر چون بحق توصیل
طرفه از دل شد است محرم دل	سال ترحیل آن و لے تحصیل
بار محبوب پارسا گفتم	نیز زاہد محمد اسماعیل

تاریخ وفات شیخ ابراہیم بن شیبان کرمان شاہی که در سال سه صد و سی و هشت بوقوع آمد

شیخ ابراہیم شاہ شاه دین	زینت فرمان یافت چون ملک جنان
ہست اہل قرب سال رحلتش	نیز ابراہیم ہادی جہان

تاریخ وفات شیخ ابوعلی حسن بن علی مسوفی که در سال سه صد و چهل بوقوع آمد

بوعلی چون رفت در دار السلام	سال تاریخش زرو آگہ
بوعلی واصلے دین سالک بخوان	ہم بخوان مہدی حسن ابن علی

قطعهٔ ثانی

چون جناب بوعلی عالی وقار	قدر اعلیٰ یافت بر اوج جنان
ہست وصالش بوعلی پیر ہدا	بار دیگر بوعلی عالی مکان

تاریخ وفات شیخ احمد بن محمد ابوسعید اعرابی که در سال سه صد و چهل بوقوع آمد

چون سفر از دار دنیا سوے خلد	کرد احمد رحلتش با صد صفا
سرور احمد فنا فی اللّٰه گو	ہم بخوان احمد جمال الاصفیا

تاریخ وفات شیخ جعفر خدا که در سال سه صد و چهل و یک بوقوع آمد

چو رفت اندر بہشت از دار فانی	جناب شیخ جعفر پیر حق بین
بخوان ناصر بگو افسر بسالش	بکن تحریر سلطان السلاطین

تاریخ وفات شیخ ابراہیم موسے صوفی الرقی که در سال سه صد و چهل یک بوقوع آمد

قرب خاص از خدا جنت یافت	چون شه خاص و عام ابراہیم
مه کامل بگو به تاریخش	بار دیگر اسلام ابراہیم

تاریخ وفات شیخ ابوالقاسم حکیم سمرقندی که در سال سه صد و چهل و دو بوقوع آمد

چو مکان یافت در مکان جنان	شیخ کون و مکان ابا قاسم
قاسم عالم است ترحیلش	ہم حکیم جہان ابا قاسم

کنیت وے ابوالحسن و نام محمد بن اسماعیل است و مخاطب بخیر بود و مولد وے سامره و مسکن بغداد بود و مرید شیخ سری سقطی و استاد [illegible] نوری است و ابراہیم خواص و [illegible] در مجلس وے توبه کردند ۱۲ ۳۲۲ھ

کنیت وی ابواسحاق است از قدمای مشایخ و کبرای خلفای ابو عبداللہ مغربی و [illegible] خواص بود ۱۲ ۳۳۰ھ

نام وے حسن بن علی بن موسی مرید ابو علی کاتب و ابو یعقوب [illegible] است و در قریه [illegible] که یکی از مضافات مصر است سکونت داشت ۱۲ ۳۴۰ھ

نام وے احمد بن محمد بصری است و [illegible]

۱۰۴

[illegible]

خواه و الاقدر مقرب دان	سال تحصیل آن ابا قاسم

تاریخ وفات شیخ ابوالعباس سیاری که در سال سیصد و چهل و دو و یا چهل و سه بوقوع آمد

چو با حق وصل شد از رحمت حق +	جناب شیخ ابوالعباس حق دان
سطیع باری و پیر کمل	امام المسلمین شد رحلت آن
ابوالعباس حق بین رحلتش گو	ابوالعباس هدی قطب بخوان
ز قطب العالمین جو ارتحالش	دگر قطب کبیر است صاحب شان

تاریخ وفات شیخ ابوالخیر تیناتی که در سال سه صد و چهل و سه بوقوع آمد

حضرت ابوالخیر اهل نصیر پیر	شد بخیر از دهر در خلد برین
گو زسی محبوب ربانی وصال	بار دیگر قبله اهل یقین

تاریخ وفات شیخ ابوعمر وزجاجی که در سال سیصد و چهل و هشت بوقوع آمد

چو عمر جاودانی در جنان یافت	ابوعمر وزجاجی شیخ حاجی
وصال او محب مهربان است	دگر باره ابوعمر وزجاجی

قطعه ثانی

ابوعمر وزجاجی رهبر دین	ز دنیا شد چو سوی خلد راهی
وصال او سه انور ولی گو	دوباره دان ولی نور الهی

تاریخ وفات شیخ جعفر نصیر خلدی که در سال سیصد و چهل و هشت بوقوع آمد

چو جعفر شیخ خلدی مالک خلد	ز دنیا رفت در خلد معلی
بخوان میر زمان یا میر محمود	بسال رحلت آن شاه یکتا
بگو امجد ولی طالب حق +	دگر باره محمد نور فرما

تاریخ وفات شیخ ابوالحسن پوشنجی که در سال سه صد و چهل و هشت بوقوع آمد

بوالحسن چون از جهان رحلت نمود	وصل آن محسن ولی حسن جهان
رکن رقم محبوب دین حق حسن	واصل دین ابوالحسن کن ترجمان

قطعه ثانی

چون حسن زمانه بوالحسن پیر	از دیده خلق روی بنهفت
دل بهر وصال آن شه دین	محبوب نبی علی حسن گفت

[illegible]

105

[illegible]

تاریخ وفات شیخ بندار ابن ابوالحسین صوفی که در سال سه صد و پنجاه و سه بوقوع آمد

حسن جنت یافت چون با صد جمال	محسن دین پیر صوفی بو الحسین
کن بیان ہیبت زمانہ رحلتش ۳۵۳	باز کن محسود پیر صوفی بو الحسین ۳۵۳

تاریخ وفات شیخ عبدالملک بن علی بن عبدالله گازرونی در سال سه صد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

چو آن عبد الملک شیخ زمانه	ز دنیا رفت در فردوس اعظم
بجو از صدر دین سال وصالش ۳۵۸	دگر باره ز محبوب مکرم ۳۵۸

قطعه ثانی

شیخ دین عبد الملک والی ملک	شد چو در اقلیم جنت بادشاه
نور ایمان گو وصال پاک او ۳۵۸	سیر حق فرما دگر قطب انور ۳۵۸

تاریخ وفات شیخ علی بن بندار ابن حسین صوفی صیرفی که در سال سه صد و پنجاه و نه بوقوع آمد

رفت در خلد معلی با نزاران حور و شان	مقتدای اولیا زاهد علی متقی
سن ترحیلش بخوان ساجد علی ابن حسین ۳۵۹	باز دیگر کن بیان زاہد علی صوفی ولی ۳۵۹
باز سلطان متقی مهدی آمد رحلتش	نیز مهدی کریم یافت سرور آگہی ۳۵۹

تاریخ وفات شیخ ابابکر محمد دقی که در سال سه صد و پنجاه و نه بوقوع آمد

ابو بکر چون در جنان شد مقیم	بتاریخ آن شیخ عالی حق
یکی مهربان دل آگاه گو ۳۵۹	دو بار ابو بکر هادی حق ۳۵۹

تاریخ وفات شیخ سلیمان بن احمد طرائفی که در سال سه صد و شصت بوقوع آمد

سلیمان شیخ ابن احمد عالم دین	که علم از ذات پاک او هویداست
وصالش طرفه مهدی الکریم است ۳۶۰	سلیمان بنده حق نیز پیداست ۳۶۰

تاریخ وفات شیخ ابوبکر مفید که در سال سه صد و شصت و چهار یا پنج بوقوع آمد

حضرت بوبکر صدیق زمان	یافت چون از دهر با حق اتصال
طالب کامل ابوبکر است نیز ۳۶۴	شاه محبوب است و نور حق وصال ۳۶۴
قطب اهل دین مفید گفته ام	هم امام اصفیا اہل جلال ۳۶۴
پس کریم الدین یار حق ولی ۳۶۵	پارسای کامل آمد ارتحال ۳۶۵

تاریخ وفات شیخ اسماعیل نیشاپوری که در سال سه صد و شصت یا چهار یا پنج بوقوع آمد

کنیت وے ابو الحسین ۳۵۱ است از اعاظم علمای شیخ ابوعبدالله خفیف است و با ابوجعفر حداد نیز صحبت داشت از اقطاب زمانه و مشائخ دہر بود ۳۵۸ کنیت وے ابوعمر و اصلش از گازرون فارس است از جملہ اوتاد و ابدال ثبت بود ۳۵۹ کنیت وے ابو الحسن و از اعاظم بزرگان نیشاپور است و با جنید و سمنون صحبت داشت و در علم ظاہری و باطنی یگانہ وقت بود ۳۵۹ محمد بن داود نام وے دمشقی است و در شام سکونت داشت

۱۰۶

[illegible] شیخ ابوبکر [illegible] ۳۶۵ [illegible] از اعاظم علمای وقت بود [illegible] ۳۶۵ [illegible] ابو یوسف بن حسین [illegible]

چون ذبیح عشق اسمٰعیل دین	جان تازه یافت از آب جنان
وصلش اسماعیل محیی الدین بگو ۳۶۵	پیر محیی الدین دگر باره بخوان ۳۶۵
باز فرما واقف حق اهل دل ۳۶۵	سال وصل آن شه والا مکان

تاریخ وفات شیخ ابو عبد اللہ مقری کہ در سال سہ صد و شصت و شش یا ہشت بوقوع آمد

شیخ عبد اللہ چو از معبود خویش	کرد حاصل روضۂ خلد برین
سید حسن آمد وصال پاک او ۳۶۶	بار دیگر واصل دین قطب دین ۳۶۶
عارف زاہد دگر برہان حق ۳۶۸ ۳۶۶	گفتہ ام سال وصالش اینچنین

تاریخ وفات شیخ ابو عبد اللہ رودباری بن عطا کہ در سال سہ صد و شصت و نہ بوقوع آمد

چو زین دریای پر آفت گذر کرد	بجنت رفت پیر رودباری
شہ دین کن رقم سالش دگر بار ۳۶۹	محب اولیا محبوب باری ۳۶۹

قطعۂ ثانی

چون غریق رحمت حق گشت آہ	رودباری شاہ احمد بن عطا
ہست حق بین حق نما سالش دگر ۳۶۹	طالب اللہ احمد بن عطا ۳۶۹

تاریخ وفات شیخ سہل صعلوکی بن سلیمان کہ در سال سہ صد و شصت و نہ بوقوع آمد

چو سہل از دہر آخر جلوہ گر شد	باوج خلد مثل ماہ تابان
بگو ہادی و الا سہل صعلوک ۳۶۹	بسال رحلت آن شاہ دوران
بسال وصل او فرما دوبارہ	ولی الاولیا ابن سلیمان ۳۶۹

تاریخ وفات شیخ ابراہیم ابو اسحاق بن ثابت کہ در سال سہ صد و شصت و نہ بوقوع آمد

کرد ابراہیم چون عزم سفر	روح او بر عرش شد از خاک باز
خوان امیر حسن سال رحلتش ۳۶۹	باز ابراہیم عابد پاک باز ۳۶۹

تاریخ وفات شیخ ابوبکر محمد بن احمد کہ در سال سہ صد و ہفتاد بوقوع آمد

چو صدیق زمان بوبکر مرحوم	بجنت رفت با صد زیب و تزئین
نوشتم شاہ دین سال وصالش ۳۷۰	دگر بوبکر مہدی زاہد دین ۳۷۰

قطعۂ ثانی

چون ابوبکر از عنایات الہ	شد لعل لین بہ بزم متقین

شیخ ابو عثمان حیری [illegible] وقت و شیخ زمانہ [illegible] ۳۶۶ نام وی [illegible] بود ۱۲ [illegible] محمد بن احمد [illegible] بن یوسف [illegible] ابو عبد اللہ [illegible] ۱۲ ۳۶۹ نام وی احمد بن عطا [illegible] از مشائخ شام [illegible] ابو علی رودباری [illegible] فیض باطن [illegible] ۱۰۷

طریقت حاصل کرد ۱۲ ۳۶۹ نامش ابن محمد بن سلیمان صعلوکی نیشاپوری است از کبرای مشائخ وقت بود و فیض باطن از ابوبکر شبلی و مرتعش و علی ثقفی و ابو الحسن پوشنجی یافت و بسماع وجد کلی تمام داشت ۱۲ ۳۶۹ کنیت وی ابو اسحاق از قدمای مشائخ بغداد است مرد متقی صاحب [illegible] و از نیشاپور بود ۱۲ ۳۷۰ نام وی محمد بن احمد بن حمدون است و فیض صحبت از شیخ ابوبکر شبلی و ابوبکر طاہر ابہری و شیخ مرتعش اندوخت و اصلش از نیشاپور است ۱۲

کن رقم فرد یگانه رحلتش | کن یقین هم بنده حق الیقین

تاریخ وفات شیخ ابو الحسین حصری که در سال سه صد و هفتاد و یک بوقوع آمد

چو حسن ابدیافت اندر بهشت | زموی عزیز علی ابو الحسین
وصالش بیکی عارف هادی است | دوباره عزیز علی ابو الحسین

قطعهٔ ثانی

چون سلامت رفت ابراهیم دین | از فنا در روضهٔ دار السلام
عابد مرحوم سال وصل اوست | نیز ابراهیم هادی امام
حق نما موصول سرور ختم کرد | سال تاریخ وصالش و السلام

تاریخ وفات شیخ محمد قاسم نصیرآبادی که در سال سه صد و شصت و هفت یا هفتاد و دو بوقوع

شیخ ابو القاسم که از انوار حق | گشت روشن در جهان مانند ماه
جو وصال انور قاسم نیکنام | سالک هادی ابو القاسم بخوان
پیر محبوب جهان هم گفته اند | قطب دوران رحلت آن بادشاه

قطعهٔ ثانی

قسمت خود چو شیخ ابو القاسم | یافت اندر بهشت خاطر خواه
پس به طرز خوش و بصورت خوش | رحلت آن ولی شاهنشاه
گو وحید زمان ابو القاسم | نیز قاسم ولی عالی جاه

تاریخ وفات شیخ ابوبکر طرسوسی الحربی که در سال سه صد و هفتاد و چهار بوقوع آمد

رحلت ابوبکر شیخ نیک ذات | هست ابوبکر سعید نوجوان
قطب بار سنی و دیگر بنفسد | پیر دین واصل بود آمد عیان

تاریخ وفات شیخ عبد الواحد بن علی سیاری که در سه صد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

عبد واحد پیر یکتا شیخ دین | یافت چون در جنت عالی مقام
سید کونین اقدس سال اوست | باز شد سید اقدس نیکنام
باز سیاری عزیز است ای عزیز | نیز قطب پارسا تم الکلام

قطعهٔ ثانی

عبد واحد عابد واحد وحید دو جهان | شد جدا از دار فانی یافت با حق اتصال

نام نامی وی علی بن ابراهیم حصری است و در بغداد سکونت داشت و خرقهٔ فقر از دست ابوبکر شبلی پوشیده و مذهب امام احمد حنبل داشت و در توحید سخن بلند گفت ... از کبار مشایخ و بزرگان ... است و ابراهیم ...

عارف ایزدی است تاریخش	خوان وگر بار اهل حق مقصود

قطعهٔ رابع

پیر مقبل خواجه مقبول پیر	یافت با اقبال در فردوس جا
رحلتش سه آیے عابد است	شاه عابد نیز رکن الاصفیا

تاریخ وفات شیخ ابراهیم منسوجی که در سال سه صد و هشتاد و شش بوقوع آمد

یافت بے گفتگو ز حق جنت	صاحب حال و قال ابراهیم
رحلتش نور عین منصور است	نیز اهل کمال ابراهیم

تاریخ ولادت و وفات ابو الحسین سمعون که ولادتش در سال سه صد و وفاتش در سه صد و هشتاد و ...

و لے حسن سمعون ابو الحسین است	امین و امن و یاد و ماموں
نیز آمد ز دل تولید پاکشر	کرم شد عیان از طبع موزون
وصالش سالک حق ابو الحسین است	دگر امجد ولے اللہ سمعون
دگر مسکین ولی واے جو است	ز دل شاه عطا شد طرفه بیرون
وصالش کن رقم سمعون ناطق	بجوان مهدے امجد ابن سمعون

قطعهٔ ثانی

شه دین مقتدائے اهل اسلام	جناب ابن سمعون شیخ والا
تولیدش رقم کن سینه امداد	محب پیر و سلطان معلی
چو جستم سال تولیدش دوباره	ز دل شد طالب انوار بیدا
بسال انتقال آن شه دین	امام المؤمنین عابد بفرما

تاریخ وفات شیخ ابو طالب محمد بن علی مکی حارثی که در سال سی صد هشتاد و شش یافت بود

شیخ ابو طالب ولے مطلوب حق	شد چو از دنیا بباغ جنتی
مرد طالب اهل دین تاریخ اوست	بار دیگر شد عیان طالب ولی
رحلتش قطب المدار است و دگر	طالب نام محمد بن علی

تاریخ وفات شیخ ابو بکر موسے که در سال سه صد و هشتاد و شش بوقوع آمد

پیر موسے که بود شیخ جهان	داشت با ذکر و فکر انس سے
سیر موسے است سال رحلت او	باز بو بکر با ولے موسے

حسن کامل یافت چون اندر بہشت — حسن دین مقبول سبحانی حسین
سال ترحیلش بگو با صد جمال — بوعلی محبوب ہمدانی حسین

قطعہ ثانی

محسن واہل حسن شیخ حسین — شد ز دنیا چو سوی خلد روان
سال وصالش نصیر دین فرما — ہمدگر معدن الحقائق دان

تاریخ وفات شیخ ابو عبد اللہ طاقی کہ در سال چار صد و شانزدہ بوقوع آمد

چو طاق از دار دنیا رفت در خلد — جناب شاہ عالیجاہ طاقی
وصالش اہل دین اہل یقین طاق — ہم اہل حسن عبد اللہ طاقی

قطعہ ثانی

چو طاقی طاق از دار فنا رفت — وصال آن شہ دین اہل تحقیق
مقدس پیر و اہل فقر گفتم — شہ عالی و دبارہ پیر صدیق

تاریخ وفات شیخ ابو عبد اللہ محمد بن علی ساد انی کہ در سال چار صد و شانزدہ یا ہفدہ بوقوع

شد چو از دنیا بہ بزم احمدی — شیخ حق آگاہ محمد بن علی
یا رحق محمود سالش ہست و نیز — ہادی عبد اللہ محمد بن علی

قطعہ ثانی

چون شہ جن و انس عبد اللہ — شد ز دنیا بجنت العالی
کاشف زہد گو تبار بخش — شاہ عالی و شاہ دین والی
ہم وصلی شاہ دین رقم فرما — رحلت آنجناب متعالی

تاریخ وفات خواجہ ابو منصور اصفہانی کہ در سال چار صد و ہژدہ بہ وقوع آمد

شد بعد نصرت چو در خلد برین — شاہ بومنصور منصور جہان +
جوز وحدت سال آن یکتا دگر — زبدۂ کامل امام اصفہان
گو منیر حسن ہم عالی وقار — ہم ابو منصور پاک اے مہربان

تاریخ ولادت و وفات سید سلطان سالار مسعود غازی کہ ولادتش در سال چار صد و پنج و وفات در چار صد و نوزدہ یا بست و چار بوقوع آمد

شاہ و سالار سید مسعود — غازی دین و احمد مختار

نام وی محمد بن فضل بن طاقی مرید شیخ یوسف بن عمران است عالم عامل و شیخ کامل بود ۱۲ ... نام وی محمد بن علی داستانی و لقبش شیخ المشائخ بود ... بسطامی برادر زادہ و خلیفہ شیخ ابا یزید بسطامی ... نہایت بزرگ و امام طریقت بود و مذہب حنبلی داشت مرید شیخ احمد کوتانی بود ۱۲ ... علوی است و نسب او بحضرت محمد حنفیہ بن علی المرتضی ... ۱۲

[illegible]

اشرف الخلق واکرم المخلوق	قرة العین حیدر کرار
سال تولید اوست مطلع نور [٤٠٥]	صاحب قدر کن وگر تکرار [٤٠٥]
ارتحالش جمال فردوس است [٤٢٤]	نیر دین اصل دین ای یار [٤٢٤]
گفته ام بار سید فردوس [٤٢٤]	طرفه تاریخ آن شه ابرار
نیز اصل جلال سید دین [٤٢٤]	گو بتوصیل آن شه دیندار
وصل او سید الشهید بخوان [٤٢٤]	مرد مسعود هم بکن اظهار [٤٢٤]
گفت تاریخ آن شه کونین	ولی مهدی شهید سرور زار [٤٢٤]
هست سالش شهید عابد پاک [٤١٩]	هم باقوال بعضی از اخبار
پیر اهل صفا دگر باره [٤١٩]	باز دریای صدق ای حق یار [٤١٩]
شد مرا قول اولین تصدیق	بهر تاریخ وصل آن سردار

قطعهٔ ثانی

جناب سید مسعود سالار	بمیدان شهادت مرد یکتا
بتولیدش بگو سالار اقطاب [٤٠٥]	دو بارا سید السلطان معلی [٤٠٥]
شهید عادل آمد ارتحالش [٤٢٤]	حبیب عارفان کردم هویدا [٤٢٤]
دگر مسعود سلطان عزیز است [٤٢٤]	بوصل آن ولی والای والا

تاریخ وفات میر ساهو علوی که در سال چارصد و بست و سه بوقوع آمد

میر ساهو گشت چون سوی بهشت	از عطای فضل رب العالمین
رحلتش میر امین ساهو بگو [٤٢٣]	نیز اهل دین حمید المسلمین [٤٢٣]
هم معلی قبلهٔ کونین خوان	پارسای حق طلب کن دلنشین [٤٢٣]

تاریخ وفات سید بوعلی شاه که در سال چارصد و بست و چار بوقوع آمد

چون بلطف خالق ارض و سما	یافت اندر خلد شاهی بوعلی
بوعلی شاه است سال وصل او [٤٢٤]	هم بخوان سر الهی بوعلی [٤٢٤]

تاریخ وفات شیخ ابواسحاق بن شهریار گازرونی که در سال چارصد و بست و شش بوقوع آمد

یافت جای خویش در خلد برین	چون ابواسحاق با صد عز و شان
گو ولی فقر سال وصل او [٤٢٦]	همدگر محسن ولی عالی مکان [٤٢٦]

سالار پسر سپه سالار مسعود غازی ... [illegible] ... صاحب ... [illegible] ... ۱۲ وفات یافت ... [illegible] ... ابوالعباس ... ۱۱ قصاب و اهل نظر صحبت داشت و تا سی سال روزه ... ۱۲ نام وی ابراهیم و اصلش از فارس است و نسبت ارادت با بوعلی حسین بن محمد فیروزآبادی داشت و وی مادرزاد بود ۱۲ ... والد ماجد شیخ الاسلام ابوعبدالله انصاری است ... حمزه ... در علوم ظاهری و باطنی طاق و یگانهٔ آفاق بود ۱۲

سالک عالی حبیب اصفیا	نیز بواسحاق سلطان زمان
کاذرونی زیب اقطاب پسر	رحلتش نور یقین فرما عیان
باز اہل اللہ قطب الاصفیا	بار دیگر ہادی حق مہربان

قطعہ ثانی

شیخ دین طاق شاہ بواسحاق	یافت از دہر چون نجات مکان
شاہ احسان است سال رحلتش	ہمدگر پادشاہ جان جہان
سرور پادشاہ اقطاب است	رحلت آن ولی دوران

تاریخ وفات شیخ ابومنصور حلیم انصاری کہ در سال چارصد و سی بوقوع آمد

شد چو بومنصور در ملک بقا	با ہزاران فتح و نصرت از عدم
پیر کامل واصل آمد وصل او	جلوۂ منصور و ہم منصور دم
قطب ہادی حق بیان کن از زبان	پیشوا سالک رقم کن از قلم

تاریخ وفات شیخ ایاز لاہوری کہ در سال چارصد و سی و چہار بوقوع آمد

شیخ والا ایاز ہمہ جہان	در صف اہل راز ہمراز است
گو وصالش ایاز عالی قدر	باز عارف ایاز جانباز است

قطعہ ثانی

سیر دین جان باز چون شیخ ایاز	باز شد در خلد از روی زمین
سالک روی زمین تاریخ اوست	نیز گو سرور اسلام الاکرمین

تاریخ وفات شیخ احمد قدوری کہ در سال چارصد و سی و ہفت بوقوع آمد

شد چو در بزم محمد از جہان	شیخ دین احمدی احمد ولی
گوشۂ اسلام سال وصل او	بار دیگر نور حسن احمدی

تاریخ ولادت و وفات شیخ ابوسعید بن ابوالخیر کہ ولادتش در سال سہ صد و پنجاہ و ہفت و وفات در سال چارصد و چہل ہجری بوقوع آمد

بوسعید آن شیخ دین سعد سعید	مقتدای اولیا و اتقیا
سالک معصوم شد تولید او	رحلتش گفتم سعید رہنما
شد ز دل ایما سعید آمد ندا	باز محبوب سعید آمد ندا

از بزرگان قدیم لاہور است و در سلسلۂ جنیدیہ توسل داشت و اگرچہ صاحب تحفۃ الواصلین تاریخ وصال وی از قال فرمودہ است اما از کمال ... جز ۴۳۰ است و آنکہ مشہور است نیست کہ این بزرگ ایاز غلام محبوب سلطان محمود ۴۱۱ غزنوی است

از عمدہ علمای عصر خود فضلای ... کتاب قدوری از تصانیف ... وفات ... ۴۳۰ نام نامی وی فضل اللہ ... از خراسان است ... شیخ ابوالفضل ... حسنی است ... خاندان جنید ... صاحب ...

چو دل سال وصال آن ولی گفت	بسرور پارسا کامل علی گفت
بسال رحلت آن عارف حق	عیان گردید حق بین واصف حق
چو آن شاه جهان اندر جنان شد	بسرور سال او مهر ور عیان شد
بجو ان گر بهست سال وصل منظور	حبیب اولیا گنجینهٔ نور
وصال او ز دل گردید مفهوم	عجب تر حق نما هادی معصوم
چو جستم از خرد تاریخ سالش	رقم شد کاشف دین انتقالش
وصال آن شه مرحوم و مغفور	شده حاصل ز هادی قطب لاهور
شود پیدا وصال آن گرامی	ز هجویری علی هادی نامی
نوشتم شمس دین و گلشن دین	بسال رحلت آن شاه حق بین
بسال رحلت آن شاه سرمد	ندا آمد گوهر هجویری آمد
دوباره پیر لاهوری است سالش	اگر خواهی دلا سال وصالش
بسال رحلت آن شاه اکبر	علی مهر علی گفت است سرور
خرد چون سال وصل آن ولی گفت	بسرور راه دین مهر علی گفت
بجو ان محبوب رهبر انتقالش	ولی میر یقین گو ارتحالش
بسال رحلت آن شاه والا	خرد والا ولی فقر گفتا
بسال رحلت آن پیر تفرید	ندا آمد ز هاتف اهل توحید

قطعهٔ ثانی

علی غزنوی آن شاه هجویری شه اکبر	که بر دلها عیان گشتند زو اسرار محبوبی
سه اقوال اند از اهل خبر در ضد یکدیگر	بسال رحلت آن شاه دین دار محبوبی
یکی سردار خوانش بار دیگر سرورش سرور	سوم کن هم رقم گنجینهٔ انوار محبوبی

قطعهٔ ثالث

شیخ ما علی هجویری	پیر ما علی محب عالی قدر
ارتحالش مه هدایت خوان	نیز فرما محب عالی قدر

قطعهٔ رابع

حضرت مخدوم هجویری ولی	رفت چون از فرش بر عرش برین

از و یافت سال ترحیلش بجو	بار دیگر کن رقم عرفان چین

قطعهٔ خامس

قدر اعلی بخلد عالی یافت	چون علی پیر متقی محبوب
نیر الدین علی رقم کردم	رحلتش نامور علی محبوب
کشف اجلال و شمس اجلال است	سال ترحیل آن ولی محبوب

قطعهٔ سادس

شد ز دنیا باوج علیین	چون علوی جهان علی ولی
گو وصالش امیر دین سلطان	نیز میر جهان علی ولی

تاریخ وفات شیخ ابو القاسم قشیری که در سال چارصد و شصت و پنج بوقوع آمد

قسمت خویش یافت در جنت	مرشد المومنین ابو القاسم
رحلتش عارف جمیل بگو	هم محب یقین ابو القاسم

قطعهٔ ثانی

شد چو اندر خلد با صد اقتدار	شیخ بو القاسم امین الاولیا
ارتحالش منعم دین قاسم است	هم دگر قاسم امام الاصفیا
نیز بو القاسم مقدس نقیب است	رحلت آن هادی راه هدا

تاریخ ولادت و وفات مخدوم عبد الله انصاری که ولادتش در سه صد و نود و شش و وفات در چارصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

شاه انصار شیخ عبد الله	نصرت دین حضرت باری
نور علم است نیز محرم حق	سال مولود او چو بشماری
رحلتش عارف مکمل دان	نیز والی امام انصاری

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله حمیدی که در سال چارصد و هشتاد و هشت بوقوع آمد

چو از دنیا بجنت گشت راهی	حمید شیخ رهنمای راه تحقیق
ولی العارفین گو ارتحالش	دگر باره حمیدی پیر صدیق

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن نجار که در سال چارصد و نود و یک هجری است

عشق جاوید یافت در جنت	بو الحسن پیر محسن الابرار

۱۱۷

صاحب تصانیف عالی است اشعار عربی وی زیاده از شش هزار و اشعار فارسی وی تا به صد هزار رسیده بود و سه صد هزار حدیث نبوی بحفظ وی بود و در طریقت و شریعت مقام بلند داشت ۱۲ از عظمای علمای عصر بود و کتاب جمع بین الصحیحین در روایت از تالیف وی است ۱۲ بزرگ صاحب هدایت و ارشاد بود و در مکه معظمه سکونت داشت ۱۲

قطعهٔ ثانی

چون عدی ابن مسافر شیخ دین	شد مسافر از جهان سوی جنان
ارتحالش ماهتاب حق بگو	عاشق مولی دوباره کن عیان
باز فرما عارف اهل یقین	هم شناور گو به پیش دوستان
عاشق مطلوب هم مطلوب عشق	نیز آن به سال وصل آن شیخ زمان

تاریخ وفات شیخ ماجد کردی که در سال پانصد و شصت و یک بوقوع آمد

شیخ ماجد چون ازین پر خار دهر	صورت گل رفت در باغ جنان
رحلتش سردار ماجد مجد است	نیز ماجد هادی الاسرار دان

تاریخ وفات سید احمد المشهور سخی سرور سلطان که در سال پانصد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

سید و سرور و سخی آمد	بود سلطان عالم و والی
جست سرور چو سال تاریخش	هاتفش گفت سرور عالی

قطعهٔ ثانی

سید احمد سخی سرور ولی	شد ز دنیا سرور ملک جنان
قطب سرور سرور سالک بگو	نیز سرور واصل دین وصل آن

تاریخ وفات شیخ شهاب الدین سهروردی مقتول که در پانصد و هشتاد و یک یا شش یا هفت یا هشت بوقوع آمد

رهبر عالم شهاب الدین شهید	شد چو در جنت پی تاریخ آن
هادی اقدس شهاب الدین بگو	عمدهٔ دنیا شهاب الدین بخوان
مقتدای ایزدی تاریخ اوست	نیز زاهد متقی هادی بدان
سالک یزدان شهاب الدین بود	هم شهاب الدین مقتول ای جوان
کن رقم فتاح ابواب عطا	هم نگر شمس المعالی کن بیان
نیز دین انور و اشرف دگر	تاج آفاق است هم ای مدح خوان
وصل او مخدوم مکرم گفته ام	باز شد عبد الشکور از دل عیان

قطعهٔ ثانی

چو سپهر تو افسر چو در خلد شد	شهاب ولی قطب سرور جهان

سنه ۵۵۱ ... از عظمای مشایخ است و ... غوث الاعظم عبد القادر گیلانی ... [illegible]

سنه ۵۶۲ ... [illegible] ... ابو محمد عبد القادر گیلانی ... [illegible]

سنه ۵۶۳ از عظمای مشایخ پنجاب است نسبت آبای وی بحضرت امام جعفر صادق رضی می‌رسد ... سید احمد سرور بن زین العابدین بن سید عمر بن سید عبد اللطیف بن سید بهاء الدین بن سید غیاث الدین بن سید بهاء الدین بن سید صلاح الدین بن زین الدین بن سید عیسی بن [illegible]

۱۳۰ ... [illegible]

هم ز بہے شمع یقین شد جلوہ گر … از خرد تاریخ آن ماہ منیر
سید احمد خطیب جنت است … ہادی بے مثل سالش بے نظیر

تاریخ وفات سید یعقوب صدر دیوان زنجانی لاہوری کہ در سال ششصد و چار بوقوع آمد

چو یعقوب از جہان رفت سفر بست … بجذب ایزدی گردید مجذوب
مقبول زنجانی رقم شد … وصال آن شہ دین شیخ مطلوب
بگو مسعود مہدی صدر دیوان … دگر بارہ مقدس پیر یعقوب

تاریخ وفات شیخ روزبہان صغیر بقلی شیرازی کہ در سال ششصد و شش بوقوع آمد

بفردوس برین منزل گزین شد … چو شیرازی ولی مطلوب شیراز
نوشتم پیر ہادی عارف پاک … بسال وصل آن مرغوب شیراز
دگر گردد عیان سال صالش … ز ہادی ہدا محبوب شیراز

قطعہ ثانی

چون جناب روزبہان بقلی و شیرازی ولی … یافت از دار فنا در جنت الفردوس جا
نور فردوس است پس سردار عالم جلتش … باز کامل قطب ابرار است اے اہل صفا
چشمۂ انوار ہم شاہ مکرم شد عیان … سال وصل آن شہ والا ہم مشکل کشا

تاریخ وفات شیخ ابو اسحاق اقرب کہ در سال ششصد و نہ بوقوع آمد

گشت اقرب چو با وصال اللہ … پیر روشن ضمیر بو اسحاق
مہدی متقی است وصالش نیز … صاحب حسن پیر بو اسحاق

تاریخ وفات میر سید حسین خنگ سوار اجمیری کہ در سال ششصد و دہ بوقوع آمد

چون حسین آن محسن عالم ولی … رفت در خلد برین با زیب و زین
گفت سرور سال وصل آن جناب … سیر عالی سید والی حسین
نیز قطب الاولیا نامی شہید … ہست سال رحلت آن نور عین

قطعہ ثانی

رفت در جنت بصد نور و جمال … چون حسین آن محسن عالم لطیف
صاحب عرفان حق تاریخ اوست … آفتاب وصل وبادی شریف
باز وصالش بحر کشف آمد عیان … نیز معشوق عزیز است اے حنیف

از برادران قرابتیان سید حسین زنجانی است مردی بزرگ و صاحب ارشاد بود مزارش در لاہور است ۱۳ [illegible] از عمدہ مشائخ شیراز است و خرقہ فقر از دست شیخ سراج الدین محمود پور رشید و بہ ابو النجیب عبد القاہر سہروردی ہم صحبت داشت ۱۳ [illegible] نام نامی وی ابراہیم بن علی است ۱۳۳ از مشائخ اعیان [illegible] [illegible] عبادت حق سبحانہ [illegible] از سادات [illegible] شہید [illegible] شہادت [illegible] سلطان [illegible] [illegible] قطب الدین ایبک [illegible] [illegible] معین الدین [illegible] اجمیری [illegible]

۱۲۵

تاریخ وفات شیخ عزیز الدین مکی لاهوری که در سال ششصد و دوازده بوقوع آمد

ز دنیا چو شد در بهشت معلی	شهنشاه دور زمن پیر مکی
بخوان آفتاب حسین ارتحالش ۶۱۲	بخوان نیز پیر حسن پیر مکی ۶۱۲

قطعه ثانی

با عزاز چون در جنان کرد جا	عزیز جهان اهل حضرت عزیز
ز دل کشف شد پیر کشف ارتحال ۶۱۲	دگر بار اجلال جنت عزیز ۶۱۲

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن گردیه که در سال ششصد و دوازده بوقوع آمد

چو شد بو الحسن حسن خلد برین	بتاریخ آن مرشد مقتدا
یکی بو الحسن مجتبی کن رقم	دگر بو الحسن رهبر اولیا ۶۱۲

تاریخ وفات شیخ مجد الدین بغدادی که در سال ششصد و هفده بوقوع آمد

در بهشت امجد از دنیا چو رفت	شیخ مجد الدین مجید دو جهان
رحلتش زاهد محب متقی ۶۱۷	هم مبارک پیر مجد الدین بخوان ۶۱۷
قطب وقت و نیز تاج الاصفیا ۶۱۷	هم جمال الاتقیا کن هم بیان ۶۱۷

تاریخ وفات شیخ نجم الدین کبری قدس سره که در سال ششصد و هژده بوقوع آمد

یافت از حق چو جنت الاکبر	نجم دین میر عابد کبری
گفت سرور بسال ترحیلش	نجم دین پیر زاهد کبری ۶۱۸

قطعه ثانی

نجم دین نجم ولایت نور حق	جلوه گر گردید در خلد برین
سید مرشد بگو تاریخ او ۶۱۸	یار رهبر نیز مهتاب یقین ۶۱۸
هم بخوان محمود نجم الدین کبیر ۶۱۸	بهر سال وصل آن نور المبین

قطعه ثالث

مثل خورشید پرتو افگن در بهشت	نجم دین کبری ولی رهنما
رحلتش منصور کبری شد عیان ۶۱۸	هم بخوان هادی والی مقتدا ۶۱۸
هم گر کبری ولی حق کبیر ۶۱۸	هست سال رحلت آن پیشوا
باز اسعد نیز اکبر بگو ۶۱۸	و ز حقیقت جود و صالش سرورا ۶۱۸

[illegible]

۱۳۳

نجم الدین مشرف گشت و در دنیا [illegible] حال مفصل وی که در خزینة الاصفیا مولف و بنده تحریر است در خوارزم ولادت شده ۱۲۵ [illegible] کنیت وی ابو الجناب و لقب کبری است و بخطاب نجم الدین [illegible] غالب بر وی جذب و استغراق و ذوق و شوق [illegible] در حالت وجد بر هر کسیکه بنظر مبارک وی [illegible] از اقطاب زمانه شد [illegible] از شیخ عمار یاسر و اسماعیل قصری حاصل کرده آخر در معرکه چنگیز خان که بپادشاه خوارزم بوقوع آمده شربت شهادت چشید

۱۲

تاریخ وفات شیخ یونس بن یوسف شبانی که در سال ششصد و نوزده هجری بوقوع آمد

شد چو زین دار الفنا اندر بقا با فضل حق	یونس دین محمد مقتدی اسے دو جہان
رحلتش یونس مقدس پیر عابد کن شما ۶۱۹	نیز یونس ابن یوسف صوفی محمود خوان ۶۱۹
پیر عالی رہنما باشد وصال پاک او ۶۱۹	پیر رہبر ہم مکرم یار حق سالش بخوان ۶۱۹

تاریخ وفات شیخ ادریس یعقوبی که در سال ششصد و بست و یک بوقوع آمد

چو شد مانند ادریس از جہان در جنت اعلی	معلی شاہ دین عالی علی ادریس یعقوبی ۶۲۱
ز عاشق طالب حق سال ترحیلش بجو سرور ۶۲۱	دگر تحریر کن والا علی ادریس یعقوبی ۶۲۱

قطعہ ثانی

چون ولی شہ بجنت اعلی	گشت واصل بہ وصل رب اعلی
گفت دل سال رحلتش تارک ۶۲۱	باز فرمود بحر عرفانی ۶۲۱

تاریخ ولادت و وفات شیخ فرید الدین عطار که ولادتش در سال پانصد و سیزده و وفات در سنہ ششصد و بست و شش یا ہفت یا ہشت بوقوع آمد

فرید الحق فرید الدین عطار ۵۱۳	وحید العصر صوفی مصطفا
فرید الدین ولی محبوب ہادی ۵۱۳	شدہ تاریخ تولیدش ہویدا
دگر تاریخ قطب حق فرید است ۵۱۳	پے تولید آن شاہ معلی
ز دہ بار ربیع فرید الدین ست تولید ۵۱۳	ز قطب عارفان شد نیز پیدا ۵۱۳
بجو رحلش ز عالی قطب ابرار ۶۲۶	وصی اشرف بخوان اے نکتہ آرا ۶۲۶
عیان کن معدن اسرار سرور ۶۲۶	بیان بحر وحدت طرفہ ہر جا ۶۲۸
دگر مسکین فرید الدین محبوب ۶۲۷	بخوان در وصل آن شیخ مزکی

قطعہ ثانی

فرید فرد جہان خواجہ وحید العصر	کہ بود مرشد ابرار و محرم اسرار
فرید قطب ابرار بگو بتولیدش ۵۱۳	بجو وصال حمیدش ز فرد دین عطار ۶۲۶
بخوان حبیب خدا را ز رحلتش سرور ۶۲۶	بقول معتبر کتب و صحت اخبار

قطعہ ثالث

چو شد فرد از دہر فرد الفرید	پے سال ترحیل آن مقتدا

سلہ کیفیت وی الوجوہ است و در جواب ... بخدمت حضرت غوث الاعظم محی الدین عبد القادر گیلانی حاضر شدہ فیض کامل یافت و خرقہ خلافت از دست شیخ علی ... پوشیدہ ۵۴۳ کیفیت وی ابو الحسن ... [illegible]

یکی قبای اهل جنت بگو	دوباره بخوان زبدة الاصفیا
تاریخ وفات شیخ بهاء الدین ولد که در سال ششصد و بست یا هفت یا هشت بوقوع آمد	
گردد مسکن چو در مقام بهشت	شیخ روی زمین بهاء الدین
عابد متقی است سالش نیز	حق طلب شاه دین بهاء الدین
باز محبوب شرع پیدا شد	وصل اهل یقین بهاء الدین
تاریخ وفات شیخ ابن الفارض حموی که در سال ششصد و سی و دو بوقوع آمد	
چون بقصر بهشت کرد مقام	ابن فارض ولی عالی جاه
ارتحالش امام متقی است	باز فرمود دل خدا آگاه
تاریخ وفات شیخ اوحد الدین کرمانی که در سال ششصد و سی و چار یا پنج بوقوع آمد	
شاه کرمان چو بست رخت سفر	یافت منزل بقرب رحمانی
متقی پاک دین بگو سالش	هم بخوان بادشاه کرمانی
باز برگیر مرشد کامل	نیز جنت مقام گردانی
تاریخ وفات شیخ صوفی بدهنی دهلوی که در سال ششصد و سی و هشت بوقوع آمد	
بدهنی صوفی مصفا دل	شد چو واصل بوصل یزدانی
رحلتش هادی حقیقت خوان	بار دیگر ولی لا ثانی
باز فرمود صاحب الارشاد	ارتحالش اگر نمیدانی
تاریخ وفات شیخ رضی الدین علی لالا که در سال ششصد و چهل و دو بوقوع آمد	
آن رضی الدین علی لالا ولی	وصف او بیرون ز گفت و شنید
شد چو از عالم بگو تاریخ او	سید اکرم علی ابن سعید
شد عیان اهل ارادت رحلتش	هادی برکت دگر آمد پدید
تاریخ وفات شیخ شمس الدین تبریزی که در سال ششصد و چهل و پنج بوقوع آمد	
بجنت شد چو شمس الدین تبریز	عجب شد روشن از انوار معلی
بخوان سلطان شمس الدین صالح	رقم کن نیز شمس الدین معلی
قطعهٔ ثانی	
چو شمس الملل نور دنیا و دین	شده روشن از اتصال خدا

بگو مرد محسن فان بتاریخ او ۶۴۵ — بخوان خادم ۶۴۵ وشاه دار البقا ۶۴۵

تاریخ وفات شیخ سعد الدین محمد حموی که در سال ششصد وپنجاه بوقوع آمد

با سعادت چو شد بجنت خلد — سعد دین شیخ پیر اسعد الابرار

پیشواے انام سعد الدین ۶۵۰ — هست سال وصال آن سردار

زنده دل متقی رقم کردم ۶۵۰ — مهدے مقتدا وے بشمار ۶۵۰

کشف شد کاشف الحقائق بار ۶۵۰ — دل دگر مستقیم کرد اظهار ۶۵۰

تاریخ وفات شیخ ابو الغیث جمیل یمنی که در سال ششصد وپنجاه ویک بوقوع آمد

زدنیاے دون رخت هستی ببست — ابو الغیث پیر مجیب اصیل ۶۵۱

ولی خدا سال وصلش بگو — دگر باز خوان بود روشن جمیل ۶۵۱

تاریخ وفات شیخ ابو الحسن شاذلی که در سال ششصد وپنجاه وچار یا شش بوقوع آمد

رفت در جنت چو با حسن وجمال — بو الحسن ذی حسن حسن دو جهان ۶۵۴

سال ترحیلش به قول مختلف — هادے خلد ۶۵۴ حبیب خلد دان ۶۵۶

سن ترحیلش بقول اهل حق — بو الحسن عارف امام دین بخوان ۶۵۴

پس فرید عصر وقطب الاتقیا ۶۵۴ — هم شه البحرین آمد عیان ۶۵۶

کن رقم واصلے دین مهر منیر ۶۵۶ — پس شه عارف بخوان اے نوجوان ۶۵۶

تاریخ وفات شیخ نجم الدین رازی که در سال ششصد وپنجاه وچار بوقوع آمد

گشت نجم الدین چو روشن در بهشت ۶۵۴ — سال وصل او بصد عقل وتمیز

طرفه نجم الدین سرور شد عیان — عارف حق نجم دین ابدال نیز ۶۵۴

تاریخ وفات شیخ عین الزمان گیلی که در سال ششصد وپنجاه وشش بوقوع آمد

حضرت عین الزمان عین الجمال ۶۵۶ — شد چو نور عین بهار وح جنان

منبع حق نور عین آمد وصال ۶۵۶ — هم دگر عارف ولی عین الزمان ۶۵۶

تاریخ وفات شیخ سیف الدین باخرزی که در سال ششصد وپنجاه وهشت بوقوع آمد

قطع کرد از جهان بحق پیوست — قاطع النفس سیف دین حق یار ۶۵۸

کشف انوار شمس انوار است ۶۵۸ — هر دو تاریخ او ز سر وز نهار

باز تاریخ رحلتش گفتم — سیف سیفا الله ما لک کفار ۶۵۸

ازکبراے خلفاے شیخ نجم الدین کبری است وتصنیفات بسیار دارد چنانچه کتاب محبوب وسجل الارواح از تصانیف وے است ۱۲

از کبار مشایخ یمن است وخرقهٔ فقر از دست شیخ ابن الا[illegible] پوشید و از شیخ [illegible] بسال [illegible] اجازت داشت ۱۲

نام وی عبدالله وخطاب ابو الحسن از سادات

تاریخ وفات مولانا زاهدی که درسال ششصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

آخرش چون کرد در جنت مقام	زاهد والا ولی زاهدی
منتقی حق وصالش هست و نیز	زاهد دین منتقی زاهد بهی

تاریخ وفات حضرت سید مطهر لاهوری که درسال ششصد و شصت و یک بوقوع آمد

سید مطهر ولی با صفا	آنکه شیرین بود نزد خاص عام
هست سال ارتحال آن جناب	صاحب نعمت دگر شیرین کلام

تاریخ وفات مولانا عزیزی که درسال ششصد و شصت و یک بوقوع آمد

آن عزیز دو جهان هر دل عزیز	رفت با عزت چو در قصر جنان
شمع نور است و عزیز شهسوار	سال وصل آن عزیز اهل شان

تاریخ ولادت و وفات مولانا جلال الدین رومی که ولادتش درسال ششصد و چهار و وفات در سنه ششصد و هفتاد و دو بوقوع آمد

جلال الدین جمال هر دو عالم	کمال اهل دین نور تجلی
بگو قطب کمال عارفان است	عجب تولید آن شاه معلی
دو بار مولوی مهتاب دین گو	که گر دو سال تولیدش هویدا
رقم کن مولوی پیر مکرم	بیان کن نیز واقف شاه اعلی
وصالش شاه دین نور آمی	جلال متقی محبوب فرما

قطعهٔ ثانی

شیخ رومی مولوی معنوی	مرشد عالم شه دوران زمان
مقتدا مهدی شد از دل منکشف	طرفه تر تولید آن والا مکان
کاشف المقصود گو ترحیل او	ماهتاب دین جلال الدین جوان

تاریخ وفات شیخ حسام الدین چلپی که درسال ششصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

چو مسکن ساخت اندر باغ فردوس	حسام الدین شه مرحوم و مغفور
ز رهبر پیر دین جو ارتحالش	بفرما نیز عین الدین پر نور
رقم شد آفتاب حق نما نیز	حسام الدین مهدی معدن نور

تاریخ وفات حضرت قاضی بیضاوی که درسال ششصد و هشتاد و پنج بوقوع آمد

ظاهری و باطنی طاق و یگانهٔ آفاق بود ... مسعود است در علم ... اوحد الدین بن عیار الدین (؟) ... است ۱۲ ... نام وے ... است از تصانیف وے ... بیضاوی که از اناشهر تفاسیر ... سکونت داشت و تفسیر ... که شهرے در فارس است ... ناصر الدین نام نامی عبد الله ولقب و مقام بیضا

نصرت حق ناصر دین ہے — شد چو از دنیا بہ فردوس برین
گو فـــــد العصر تاریخش دگر — ناصر دین سید اہل یقین ۶۸۵

تاریخ وفات شیخ عبد اللہ ملتانے کہ در سال ششصد و ہشتاد و شش بوقوع آمد

شد ز دنیا واصل ذات احد — اوحد الدین شیخ یکتاے زمان
وصالش عبد اللہ مرشد کن رقم ۶۸۶ — نیز ہادی ہے عاشق صادق بخوان ۶۸۶

تاریخ وفات شیخ یاسین مغربی کہ در سال ششصد و ہشتاد و ہفت بوقوع آمد

شد ز دنیا محمد شیخ یاسین — کہ آمد نام تاریخش بقرآن
وصالش جلوہ گر بدر تمام است ۶۸۷ — دگر گر دید روشن نور فرقان ۶۸۷

تاریخ وفات شیخ عفیف الدین ملتانے کہ در سال ششصد و نود و یک بوقوع آمد

رفت چون با عفت و عصمت بخلد — آن عفیف الدین عفیف با خدا
شد بدل خاص ارتحال پاک او ۶۹۱ — ہم عفیف الدین کامل رہنما ۶۹۱

تاریخ ولادت و وفات شیخ نور الدین عبد الرحمن اقسرائے کہ ولادتش در سال ششصد و سی و ہفت و وفاتش در ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

نور دین روشندل اہل صفا — صاحب عصمت ولے مہ جبین
نور دین ربانے از دل جلوہ گر ۶۳۷ — شد تولیدش بصد صدق و یقین ۶۳۷
کاشف امر خوم ترحیلش بگو ۶۹۵ — بار دیگر عبد رحمن نور دین ۶۹۵
کاشف حق صوفے آمد از خرد ۶۹۵ — ارتحال آن شہ خلوت نشین
ہم بخوان در سال وصل آن جناب — ہادی مہدی منور نور دین ۶۹۵

تاریخ وفات شیخ ابو محمد مرجانے کہ در سال ششصد و نود و نہ بوقوع آمد

چو شیخ ابو محمد سید احمد — ز دنیا رفت در خلد معلے
وصالش متقی حق طلب گو ۶۹۹ — دگر بارہ بخوان نور تجلے ۶۹۹

تاریخ وفات شیخ نور الدین ملک یار پران کہ در سال ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

شاہ نور الدین ملک یار خدا — گشت آخر مالک ملک جہان
شاہ نور الدین ابدال است نیز ۶۹۵ — مقتدائے علم سال وصل آن

تاریخ وفات شیخ عبد اللہ ابن المطرف کہ در سال ہفتصد و ہفت بوقوع آمد

جناب شیخ رکن الدین سمنانی شه اکبر ــ که بود اندر زمانه رهنمای راه حقانی
ز رکن الدین فرید آمد عیان تاریخ تولیدش ــ میان عمرش ازو تا هد عیان گرد و اگر خوانی
امام خلد با دی سال ترحیلش بگو سرور ــ دگر امجد ولی الله رکن الدین سمنانی

تاریخ وفات شیخ اوحد الدین اصفهانی که در سال هفتصد و سی و هفت بوقوع آمد

اوحد الدین ست چو یکتا از جهان ــ سال وصل آن شه روشن ضمیر
هست عارف اصفهانی حق طلب ــ هم حبیب کبریا پیر

تاریخ وفات شیخ هیبت الله بازری که در سال هفتصد و سی و هشت بوقوع آمد

مجاهد جاودان چون کرد مسکن ــ ولی شیخ اکابر هیبت الله
بگو ابر سعادت رحلت او ــ دگر بار مطهر هیبت الله

تاریخ وفات شیخ شرف الدین کبروی که در سال هفتصد و شصت و شش بوقوع آمد

چون شریف اشرف شریف دو جهان ــ یافت از حق لقد وصلت رایگف
ارتحالش دو شد ار کامل است ــ بار دیگر اهل دین موسی شرف

تاریخ وفات شیخ اسحاق مغربی که در سال هفتصد و هفتاد و شش یا هفت بوقوع آمد

سال تاریخ وصل بو اسحاق ــ آنکه مشهور جمله آفاق است
مهدی متقی امین الله ــ نیز سر دار عالم اسحاق است
هم باقوال بعضی از اخبار ــ گفت سرور که شاه عشاق است

تاریخ وفات شیخ نجم الدین محمد الاوکانی که در سال هفتصد و هفتاد و شش بوقوع آمد

شه مشرف چو در بهشت برین ــ شیخ اکبر شریف نجم الدین
وصل او پیر مجتبی عالی است ــ بار دیگر شریف نجم الدین

تاریخ وفات شیخ محمود زاهد مرغانی که در هفتصد و هفتاد و هشت یا نه بوقوع آمد

چونکه محمود حامد الاوصاف ــ یافت از وصل ایزدی بهبود
هست محمود مرشد کونین ــ سال ترحیل آن شه با جود
باز تاریخ وصل او گفتم ــ طالب الله عاقبت محمود

تاریخ وفات شیخ شرف الدین احمد بن شیخ یحیی منیری که در سال هفتصد و هشتاد و دو و بحساب مقدس قدس بوقوع آمد

ز دلدار شیرین بجو رحلتش — دگر خواجه صدق دان ای محبب

تاریخ میر محمد همدانی بن علی همدانی که در سال هشتصد و نه بوقوع آمد

میر جنت گشت با عز و وقار — چون محمد سید اهل الیقین

شد محمد یوسف ثانی عیان — سال ترحیلش به قول مخبرین

باز سال رحلتش کردم رقم — مهربان عادل محمد میر دین

تاریخ وفات میر سید شریف علامه که در سال هشتصد و شانزده بوقوع آمد

شد چو آخر اشرف اهل بهشت — پیر سید متقی میر شریف

چشمهٔ شوق است پاک وصل او — هادی گر سید ولی میر شریف

تاریخ وفات شیخ عبد الله شطاری که در سال هشتصد و سی و دو بوقوع آمد

جناب شیخ عبد الله شطاری — چو پیوست از جهان در قرب وصل حضرت بار

نوشتم هاتف احیا سن سال ترحیلش — بیان کردم ز قطب هند عبد الله شطار

قطعهٔ ثانی

چو شطاری ولی محبوب باری — ز دنیا رفت در فردوس اعلی

شده مخدوم عبد الله سالش — دو بار سالک المجد دهم پیدا

تاریخ وفات شیخ علی پیر و گجراتی که در سال هشتصد و سی و پنج بوقوع آمد

شیخ دین پیر و علی ولی — شیخ عالی ولی گجراتی

قاسم خلد گو تبر حیلش — نیز کامل علی گجراتی

قطعهٔ ثانی

قدر و الا خلد اعلی یافت — واصل ملک دین علی ولی

گو وصالش علی عظیم المثل — هم بخوان زبدهٔ بهشت علی

تاریخ وفات خواجه شاه قاسم انوار که در سال هشتصد و سی و هفت بوقوع آمد

چو قاسم قاسم نور الٰهی — ز دنیا رفت و شد مرحوم و مغفور

وصالش هست شمس اهل عرفان — دو بارا شاه سید قاسم نور

تاریخ وفات شیخ زین الدین خوافی که در سال هشتصد و سی و هشت بوقوع آمد

جناب پیر زین الدین شه دین — چو رفت از دار فانی در جنان شد

رقم شد خواجهٔ اکبر وصالش ۸۳۸ — دو بار از فن دین یادے خواف ۱۳۸

تاریخ ولادت و وفات شیخ بدیع الدین مدار که ولادتش در سال هفتصد و شانزده و وفات در سنه هشتصد و چهل هجریه بوقوع آمده

شیخ عالے رهنماے دو جهان — آن بدیع الدین وے کامگار
هست تولیدش مفاتیح العلوم ۷۱۶ — هم امام خلد با عز و وقار ۷۱۶
رحلتش سلطان مخدوم است هم ۸۴۰ — مهربان واصل حق قطب المدار ۸۴۰
نیز سال رحلت او گفته ام — پارسا سلطان بدیع الدین مدار ۸۴۰

تاریخ وفات شیخ نور الدین ولی کشمیرے که ولادت وے در سال هفتصد و پنجاه و هفت و وفات در سنه هشتصد و چهل و دو هجریه بوقوع آمده

جناب نور دین مهتاب عالم — که در چشم دو عالم بود منظور
ز سرور اهل عرفان نور دین گشت ۸۴۲ — پے تولید پاکش طرز مسطور
ز شمس العارفین جو ارتحالش ۸۴۲ — دو باره یاد حق نور پر نور ۸۴۲

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین گنج بخش کشمیری که در سال هشتصد و چهل و نه بوقوع آمد

بهاء الدین چو شد زین دار فانی — بسال رحلت آن باب عرفان
بهاء الدین سخی اهل دل گو ۸۴۹ — دگر باره بخوان مهتاب عرفان ۸۴۹

تاریخ ولادت و وفات شیخ احمد کهتو که ولادتش که در سال هفتصد و سی و هشت و وفات در سنه هشتصد و چهل و نه هجری بوقوع آمد

شیخ احمد بود مقبول خدا — رهنماے حق فقیه بے نظیر
امجد آفاق احمد مجتبی ۷۳۸ — سرور ازین مصرعه تولیدش بگیر
وصل پاکش شد بیان مرد خدا ۸۴۹ — شد عیان مهتاب عرفان از ضمیر ۸۴۹
سال عمرش سالک والی نجوان ۱۱۱ — ارتحالش مقتدا احمد امیر ۸۴۹

تاریخ وفات شیخ جمال گوجر که در سال هشتصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

جمال جهان شیخ اجمل جمال — مکرم شه باکمال بهشت
چو شد در جنان سال ترحیل او — ندا شد که عابد جمال بهشت ۸۵۸
دو باره بتاریخ ترحیل او — بگو طیب دین هلال بهشت

تاریخ وفات مولانا جلال الدین پوراتی که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

چون جلال الدین جلیل القدر پیر — یافت با اجلال در جنت مکان
سال تاریخ وصال آنجناب — کرد باسرور چنین هاتف بیان
سیر جنت زبده عالم بگو (۸۶۲) — قطب لاثانی جلال الدین بجوان (۸۶۲)

تاریخ وفات شیخ هلال کشمیری که در سال هشتصد و شصت و دو بوقوع آمد

زروی جهان چون بحکم خدا — نهان شد مه دین و دنیا هلال
زدل گشت در سال تاریخ او — عیان شمس اقبال بدر الکمال (۸۶۲)

تاریخ وفات خواجه شمس الدین محمد کوسوی که در سنه هشتصد و شصت و سه بوقوع آمد

شیخ شمس الدین هادی زمان — گشت چون روشن بفردوس برین
ارتحالش جو ز گنج معرفت (۸۶۳) — بار دیگر کن بیان جنت نشین

تاریخ وفات شیخ جلال الدین محلی که در سال هشتصد و شصت و چهار بوقوع آمد

چون جلال الدین شه اهل جلال — یافت با اجلال اندر خلد جا
آفتاب فقر تاریخش بگو (۸۶۴) — هم جلال الدین میر مجتبی (۸۶۴)

تاریخ وفات مولانا علی قوشنجی که در سال هشتصد و هفتاد و هشت بوقوع آمد

پرتو افگن شد بخلد جاودان — چون علی اعلی و مهتاب حسن
جنتی عالی قدر تاریخ اوست (۸۷۸) — هم علاء الدین علی مهتاب حسن (۸۷۸)

تاریخ وفات سید محمد امین المشهور به بابا امیر ریشی کشمیری شهید که در سال هشتصد و هشتاد و نه هجری به وقوع آمد

بفضل خداوند مولی تعال — چو شد وصل با وصل جانان امین
امین محتشم هست تاریخ او (۸۸۹) — دگر عارف اهل عرفان امین (۸۸۹)

تاریخ وفات شیخ محمد میرک مرحوم که در سال هشتصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

زنده دل پیر شیخ عبد الله — رفت در جنت از جهان شد طاق
رحلت او خلیل باری گو (۸۸۳) — خوان دگر بار طالب مشتاق (۸۸۳)
باز نور دلی متقی است (۸۸۳) — وصل آن سیر دین شه آفاق

سنه ... جامع علوم ظاهری و باطنی بود و در دنیا هر یک کدام شیخ دست ... و فیض اویسی از روحانیت حضرت شاه رسالت حاصل کرد ... وفات شده ۱۲ ... کشمیر است ... از عظمای مشائخ سهروردیه و نقشبندیه ... خواجه بهاء الدین شاه نقشبند ... حاصل کرد ۱۲ ... هرات است ... [illegible]
۱۳۳۶ ... تفسیر ... [illegible]

رقم کن عاشق ربّ محمد — محبّ ربّ عشقی عاشقی قدردان
درباره فاضل هند است سالش — دگر شد فاضل مهدی نمایان
زسرور هست عشق آمد وصالش — عیان شد شمع نعمت رحلت آن

تاریخ وفات بابا قدس کشمیری که در سال نهصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

شیخ اقدس مقدس عالم — آنکه فیضش بدو جهان عام است
رحلتش هست مخزن الانوار — باز مخدوم قدس اسلام است

تاریخ وفات سید سلطان اکبر گیلانی لاهوری که در سال نهصد هشتاد و نه بوقوع آمد

شد چو از حکم خدا سلطان اکبر از جهان — دل بسال رحلت آن شاه دین مشکل‌کشا
گفت سلطان سعید سرور اکبر بخوان — باز فیاض زمان گو نیز شیخ الاولیا

تاریخ وفات سید غیاث الدین گیلانی لاهوری که در سال نهصد و نود و یک بوقوع آمد

شاه دولت ولی اهل کمال — رفت چون در جنان بعزت و جاه
افضل الاولیاست تاریخش — هم خرد گفت مرد دولت شاه

تاریخ وفات سید کرام الدین المشهور شاه بهاگنا لاهوری که در سال نهصد نود و سه بوقوع آمد

در جنان چونکه با کرامت رفت — پیر اکرم کرام روی زمین
هست شیخ جمیل تاریخش — نیز مفتاح حق کرام الدین

تاریخ وفات مولانا درویش واعظ که در سال نهصد و نود و هفت بوقوع آمد

در بهشت خلد چون رفت از جهان — حضرت درویش اهل حال و قال
فاضل مولی بگو تاریخ او — واعظ بادی بخوانش سن وصال

تاریخ وفات شیخ وجیه الدین گجراتی که در سال نهصد و نود و هشت بوقوع آمد

شیخ احسن وجیه دین سخی — گشت خالد چو در بهشت برین
فیض حق کن رقم حفیظ بخوان — ارتحالش نزهت و تزئین
باز سال وصال او نیرا — صاحب حق سخی وجیه الدین

تاریخ وفات بابا ولی کشمیری که در سال یک هزار و یک بوقوع آمد

چو شد ولی خلد بو نشان — ولی جهان شیخ واصل تقی
رضا جوی سال تاریخ او — دگر نیز فیض واصل ولی

چون فصیح الدین فصیح با صفا — با فصاحت یافت در جنت مکان
سال وصلش فاضل حق شد رقم ۱۰۱۹ — هم فصیح الدین مخدوم دان ۱۰۱۹

تاریخ وفات مولانا شاه گدا کشمیری که در سال یکهزار و بیست و چار بوقوع آمد

جناب شه گدا شاه جوان مرد — ز دنیا یافت در دربار حق بار
بفوتش جامع فضل است تاریخ ۱۰۲۴ — دگر باره بخوان مشکوة الدار

تاریخ وفات شیخ حبیب الله نوشهری کشمیری که در سال یکهزار و بیست و شش بوقوع آمد

چون حبیب خدا حبیب الله — شد بفردوس زین سرای خراب
رحلتش گو حبیب جامع فیض ۱۰۲۶ — هم بخوان آفتاب عالم تاب ۱۰۲۶

تاریخ وفات شیخ موسی باباهیری کشمیری که در سال یکهزار و بیست و شش بوقوع آمد

شیخ موسی موسی ثانی ولی — شد چو از دنیا به فردوس برین
سال ترحیلش بسرور شد عیان — متقی رهنما موسی دین ۱۰۲۶

تاریخ وفات شیخ محمد شریف کشمیری که در سال یکهزار و بیست و شش بوقوع آمد

شریف از جهان چون بجنت شتافت — خرد سال آن شیخ عالم حنیف
بگفتا که شیخ زمن هادی است ۱۰۲۶ — دو باره بخوان اهل عرفان شریف ۱۰۲۶

تاریخ وفات شاه نعمت الله حصاری کشمیری که در سال یک هزار و بیست و هشت به وقوع آمد

شیخ نعمت چو یافت در جنت — از خدا حسن نعمت فردوس
سال تاریخ رحلتش سرور — شد ندا حسن نعمت فردوس ۱۰۲۸

تاریخ وفات شاه قاسم حقانی کشمیری که در سال یکهزار و سی و سه بوقوع آمد

قسمت خویش یافت چون در خلد — شاه قاسم ولی خوش قسمت
گفت تاریخ رحلتش سرور — صاحب علم قاسم النعمت ۱۰۳۳

تاریخ وفات خواجه زین الدین ڈار کشمیری که در سال یکهزار و چهل و دو بوقوع آمد

جناب زین دین شیخ معلی — که شد اونه بدر و سی زمین ست
چه تاریخ وصال او بجستم — خرد گفتا که فاضل زین دین است ۱۰۴۲

تاریخ وفات شیخ پیر سیدکی شطاری که در سال یکهزار و چهل و دو بوقوع آمد

چو شد سیر جنت بصد عز و جاه — محمد علی مهر روشن ضمیر
بگو مست بیع فضل تاریخ او ۱۰۶۲ — دگر بار محب دهم اسلام سیر ۱۰۶۲

تاریخ وفات شاه نور الحق دهلوی که در سال یکهزار و هفتاد و سه بوقوع آمد

نور حق چون از عطای ذوالجلال — گشت روشن مثل خور اندر جنان
رحلتش فیاض آفاق است نیز ۱۰۷۳ — نور حق پر نور قطب عالم خوان ۱۰۷۳

تاریخ وفات بابا نزاهد ناکامو کشمیری که در سال یکهزار و هشتاد و دو بوقوع آمد

کرد رحلت چو از جهان فنا — در جنان شیخ زاهد اهل فلاح
رحلتش نیک بخت گن تحریر ۱۰۸۲ — هم بخوان شیخ زاهد اهل فلاح ۱۰۸۲

تاریخ وفات سید حمید گیلانی لاهوری که در سال یکهزار و نود بوقوع آمد

چون جناب حمید حامد حق — از جهان فنا بخلد رسید
اعظم الاولیاست تاریخش ۱۰۹۰ — هم بخوان صدر دین سخی حمید ۱۰۹۰

تاریخ وفات قاضی افضل گدا لاهوری که در سال یکهزار و نود و دو بوقوع آمد

فضیل و فاضل و فضل زمانه — شه افضل کرم افضل محمد
وصالش قطب افضل اهل دل گو ۱۰۹۲ — دگر پاکیزه دم افضل محمد ۱۰۹۲

تاریخ وفات میر هاشم منور آبادی کشمیری که در سال یکهزار و نود و هفت بوقوع آمد

بست چون رخت اقامت از جهان — میر هاشم دستگیر هاشمی
میر هاشم صاحب کشف آمده است — سال وصل آن فقیر هاشمی
باز خوان سال وصال آن جناب — شاه سید قطب سید هاشمی ۱۰۹۷

تاریخ وفات خواجه ابو الفتح کشمیری که در سال یکهزار و یکصد هجری بوقوع آمد

چو بر خود یافت باب خلد مفتوح — ولی فتح زمان مفتاح عرفان
وصالش شیخ قطب الاولیا گو ۱۱۰۰ — دگر قطب جهان مفتاح عرفان

تاریخ وفات شیخ لاله ریشی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و پنج بوقوع آمد

شیخ لاله چو شد بصورت گل — در گلستان جنت جا گیر
جلوه گر گشت سال رحلت او — تاج اجلال لاله کشمیر ۱۱۰۵

تاریخ وفات بابا حبیب الله کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و پنج بوقوع آمد

چون حبیب از وار دنیا رخت بست — سال وصل آن ولی بے قال و قیل
پارسا مشتاق و شیخ صادق است — هم حبیب شیخ دین شیخ جلیل

تاریخ وفات مولانا محمد امین کافی بلامیری کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و نه بوقوع آمد

در بهشت دایمی چون کرد جا — آن امین اهل الیقین شیخ زمان
قطب جنت مقتدا گو رحلتش — هم دگر باره امین شیخ زمان

تاریخ وفات میر تاجو کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و یازده بوقوع آمد

چو تاج خلد شد با عزت و شان — جناب شیخ تاجو پیر حق یار
شهنشاه محبت گو وصالش — دو باره پیر کامل تاج ابرار

تاریخ وفات شیخ شاه محمد کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و هفده بوقوع آمد

محمد چون ز دنیا رخت بربست — ز بهر سن و سال انتقالش
محمد مقتدای ملت آمد — جمال الغیب هم سال وصالش

تاریخ وفات بابا عثمان کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و شانزده بوقوع آمد

چون بتقدیر خدا استقبال — رفت از دهر بجنت عثمان *
سال تاریخ وصالش سرور — شد عیان اهل هدایت عثمان

تاریخ وفات شیخ محمد هاشم کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و شانزده بوقوع آمد

چون بحکم خالق هر دو جهان — شد ز دنیا هاشم اجلال بهشت
آفتاب خلد گو تاریخ او — هم بفرما هاشم اجلال بهشت

تاریخ وفات شیخ عبد الرحیم کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و بست بوقوع آمد

چو شد وصل با رحمت حق بخلد — ولے صاحب حال عبد الرحیم
بتاریخ ترحیل او گفت دل — کرم خدوم اجلال عبد الرحیم

تاریخ وفات میرزا حیات بیگ کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست بوقوع آمد

ز دنیاے دون شد بجنت روان — چو آن زنده دل شیخ عالم حیات
ز خورشید سال وصالش بجو — دگر بار کاشف مکرم حیات

تاریخ وفات شیخ لاله بابو کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست و دو بوقوع آمد

شد چو از دنیا بفردوس برین — حضرت بابا و سے دستگیر

۱۴۵

هست سلطان المشائخ جلتشر (۱۱۲۲)　　باز گو سال وصالش شیخ پیر (۱۱۲۲)

تاریخ وفات سید حسین کبعلی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست و دو بوقوع آمد

سید والا حسین اهل دل　　بود چشم دو عالم نور عین
سال ترحیلش چو جستم از خرد　　شد عیان یادی دین فضل حسین (۱۱۲۲)

تاریخ وفات قاضی حیدر کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست و دو بوقوع آمد

یافت مسکن بقصر خلد برین　　کرد حیدر چو از زمانه سفر
رحلتش خاص دهر حیدر گو (۱۱۲۲)　　هم بخوان پیر محترم حیدر (۱۱۲۲)

تاریخ وفات خواجه محمد افضل کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست و چار بوقوع آمد

ز دنیای فنا عزم سفر کرد　　چو سید افضل آن شیخ گرامی
بتاریخ وصال آن شه دین　　بگو افضل ولی الله نامی (۱۱۲۴)

تاریخ وفات مولانا عنایت الله شال کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست و پنج بوقوع آمد

عنایت شیخ عالی والی دین　　چو رحلت از جهان دهر فرمود
بتاریخ وصالش گفت سرور　　عنایت با عنایت واصلی جود (۱۱۲۵)

تاریخ وفات شیخ عنایت الله کامی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست و پنج بوقوع آمد

چو شیخ عنایت به حلم اله　　ز دنیای دون یافت در خلد جا
بتاریخ ترحیل آن شاه دین　　بگو با عنایت ولی مقتدا (۱۱۲۵)

تاریخ وفات سلطان میر کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و بست و پنج بوقوع آمد

چو سلطان میر از جهان رخت بست　　بجنت شد آن جلوه گر ماه دین
نزول شد بتاریخ ترحیل او　　عیان میر سلطان شهنشاه دین (۱۱۲۵)

تاریخ وفات میر ابو الفتح کشمیری که در سال یکهزار و بست و پنج بوقوع آمد

باب جنت چون بخود مفتوح یافت　　فتح عالم فاتح الابواب میر
سال تاریخش بقول اهل قال　　دان معلی اشرف الاقطاب میر (۱۱۲۵)

تاریخ وفات شیخ محمد کشمیری که در سال یک صد و بست و شش به وقوع آمد

بقعر زمین چونکه مانند گنج　　نهان گشت مرشد محمد شفیق
بتاریخ ترحیل او از فلک　　عیان گشت مرشد محمد شفیق (۱۱۲۶)

سنه از خلفای عظام میر محمد علی کبروی کشمیری است شیخ عظیم بوده فیض افزا از مشائخ روی زمین دریافت چون در دکن رسید شاه عالم بن اورنگزیب مرید وی شد به پادشاهی مژده بشارت یافت ۱۲ سنه

از اجلهٔ علما و کبرای فقهای کشمیر بود از پیشگاه عالمگیر پادشاه به قضای شهر دهلی مامور شد قاضی القضات خطاب یافت ۱۲ سنه

از اولاد سید میرک [illegible] کشمیری است در سیادت و کرامات و خوارق مراتب بلند داشت و در علم ظاهری هم یگانهٔ آفاق بود کتب صحاح سته بر زبان خود حفظ داشت ۱۲ سنه

در سلسلهٔ کبرویه شیخ با ارشاد بوده در علوم ظاهری و باطنی یگانهٔ عصر

۱۲۶ [illegible]

[illegible]

تاریخ وفات قاضی دولت حسینی لسپوری که در سال یکهزار و یکصد و بست و شش بوقوع آمد

رفت چون از جهان بدولت و جاه — شاه دولت ولی حق آگاه
گفت تاریخ رحلتش سرور — شاه ابدال اہل دولت شاه ۱۱۲۶

تاریخ وفات شیخ احمد المشهور بمولانا جیون که در سال یکهزار و سی بوقوع آمد

شیخ احمد چون بفضل ایزدی — گشت در بزم محمد باریاب
مهدی حق شیخ احمد وصل اوست — نیز شیخ احمد عالی جناب ۱۱۳۰

تاریخ وفات میرزا کامل بدخشی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و یک بوقوع

بجنت بست چون رخت اقامت — ازین دنیا کامل شیخ کامل ۱۱۳۱
رقم شد نظم عالی ارتحالش ۱۱۳۱ — دگر فرما مکمل شیخ کامل ۱۱۳۱

تاریخ وفات عبد اللطیف کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و چهار بوقوع آمد

شیخ عبد اللطیف صاحب لطف — یافت از لطف حق بجنت بار
فاضل ابد است تاریخش ۱۱۳۴ — بار دیگر خزینهٔ اسرار ۱۱۳۴

تاریخ وفات میر شرف الدین کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و پنج بوقوع

بجنت روان گشت میر شرف — چو زیر زمین روی خود را نهفت
پی سال آن اشرف دو جهان — خرد میر شرف جوان مرد گفت ۱۱۳۵

تاریخ وفات میر محمد هاشم گیلانی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و سی و پنج بوقوع آمد

هاشمی چون در جهان شد جانشین — وصل شد با اتصال کبریا
گفت تاریخ وصال او خرد — میر سید هاشمی و مجتبی ۱۱۳۵

تاریخ وفات مولانا علی اصغر قنوجی که در سال یکهزار و یکصد و چهل بوقوع آمد

چون علی اصغر سوی جنت شتافت — طرفه دل تاریخ وصلش کرد یاد
جامع فیض کمال آدم است ۱۱۴۰ — بار دیگر مجمع فضل عباد ۱۱۴۰

تاریخ وفات بابا محمد مهدی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه بوقوع آمد

شیخ مهدی ولی با ارشاد — رفت چون از جهان بجنت صاف
سال تاریخ رحلتش سرور — گفت مخدوم مهدی کشاف ۱۱۵۰

تاریخ وفات شیخ فتح شاه لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه بوقوع

عالم عامل عارف کامل بود و فیض طریقت از شیخ اسماعیل یافته ... کشمیری یافت و در تمام عمر چهل بار اربعین نشست ... فرزند ... ارادت بخدمت پدر خود داشت ... از سادات عظام ... گیلانی است و در سلسله ... افراخت و مدت العمر در رشد و ارشاد مشغول ماند ...

[illegible]

فتح شاه هست کاکشای دو جهان	رفت چون در خلد زین دار المحن
طرفه سال انتقالش گفت دل	فتح دین فتاح ابواب زمن
آفتاب هفت اقلیم آمده است	سال ترحیلش اگر خواهی زمن

تاریخ وفات سید محمد اسماعیل کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و سه بوقوع آمد

گشت چون منزل گزین اندر بهشت	شیخ اسماعیل پیر دو جهان
سال وصل اوست عالی مرتبت	نیز فضل آل اسماعیل دان

تاریخ وفات خواجه ایوب قریشی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

جناب خواجه ایوب مسعود	چو از دنیا بجنت گشت موصول
ز شمس العارفین ایوب مرحوم	عیان سال وصال اوست معقول
دگر دل گفت سال انتقالش	که شیخ اولیا ایوب مقبول

قطعه ثانی

خواجه ایوب مرد اهل دل	بود مکیت شیخ حق کامل ولی
سال وصالش هست مهتاب بهشت	نیز فرما شیخ حق کامل ولی

قطعه ثالث از تصنیف سید محمد علی مرحوم

ز دور ارتحال شیخ ایوب	که گشته روح او از وصل حق شاد
نه تنها اهل عالم را جگر سوخت	فلک هم آه و زاری کرد بنیاد
چو رفت آن شارح لفظ هدایت	چه رفت آن نکته فهم و معنی ایجاد
بجستم سال وصلش از خرد گفت	سوی جان بتوحید خدا داد

تاریخ وفات بابا عبد الباقی کشمیری که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

رفت باقی چون باقلیم خدا	دل بسال وصل آن شیخ زمان
گفت تاج عارفان عارف بگو	همدگر شیخ البقا باقی بخوان

تاریخ وفات سید فضل علی لاهوری که در سال یکهزار و یکصد و شصت بوقوع آمد

کرد چون از جهان بخلد مقام	جامع فضل و علم و حلم علی
سید فضل است سال تاریخش	خوان دگر بار فضل علم علی

تاریخ وفات مولانا رستم علی بن علی اصغر قنوجی که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و هشت بوقوع آمد

[illegible]

از جهان رفت چون بخلد برین	میر رستم علی ولی واصلے
گفت سرور بسال رحلت او	میر کل رستم علی وجیهے
باز کن عاشق بهشت رقم	سال ترحیل آن تقی وصفی

تاریخ وفات شاه ولی الله محدث دهلوی که در سال یکهزار ویکصد وهفتاد و نه یا هشتاد وقوع آمد

ز دنیا چو رخت اقامت ببست	ولی الله واصلے ولی متقی
وفاتش بجستم ز شیخ کریم	رقم شد دگر شیخ اکبر ولی

قطعه ثانی

چو از دنیا به جنت گشت راهی	ولی الله حق آگه بهشتی
وفات او یکی خورشید هند است	دگر عارف ولی الله بهشتی

تاریخ وفات میر یعقوب لاهوری که در سال یک هزار و یکصد وهفتاد و نه بوقوع آمد

شد چو از دنیا بفضل ایزدی	در جنان یعقوب مخدوم الکریم
ارتحالش هست خورشید جهان	هم بخوان یعقوب مخدوم الکریم

تاریخ وفات خواجه حافظ عبد الخالق اویسی که در سال یکهزار ویکصد هشتاد و نه بوقوع آمد

وصل شد با ذات حق چون عبد خالق ناموَر	رفت روح پاک او به عرش از فرش زمین
رحلتش خورشید اجلال از غم و شد جلوه گر	هم دگر محبوب خالق هادی راه یقین

تاریخ وفات شیخ محکم الدین صاحب السیر اویسی که در سال یکهزار ویکصد و نود وهفت بوقوع آمد

جناب محکم الدین صاحب سیر	که ذات پاک او منظور عشق است
بوصلش شاه فیاض است تاریخ	دگر فرما که عاشق نور عشق است

قطعه ثانی

حضرت محکم شه دین اهل سیر	گشت چو از دهر بجنت مقیم
گشت بتاریخ وصالش عیان	هادی خلق حاکم محکم کریم
باز پی رحلت آن بادشاه	گفت خرد حاکم محکم عظیم

قطعه ثالث

محکم الدین چون ز دنیا سیر کرد	عقل بهر سال نقل آن جوان
گفت ثابت محکم الدین کامل است	گفت سید است عشق محکم دین بخوان

زمخدوم سلطان عرفان بجو ۱۲۴۱
شہنشاہ سلطان دولت بخوان ۱۲۴۱

تاریخ وفات مولانا عبد القادر بن ولی اللہ محدث دہلوی کہ در سال یکہزار و دوصد و چہل و سہ بوقوع آمد

جناب عبد قادر آنکہ علمش
چو مہر روشن شدہ از مہ تا بماہے
ولی منظور گو سال وصالش ۱۲۴۳
دوبارہ ہجو منظور آ بہ لیکے ۱۲۴۳

تاریخ وفات مولانا محمد ولی الدین سید احمد علی کہ بسال یکہزار و دوصد و چہل و نہ بوقوع آمد

چون وصے اللہ وے اہل دل
از فنا سوے بقا بر بست رخت
ارتحال او بگو شمس الضحے ۱۲۴۹
ہم بخوان راغب علی ای نیک بخت ۱۲۴۹

تاریخ وفات مولانا غلام رسول لاہوری کہ در سال یکہزار و دوصد و پنجاہ بوقوع آمد

چون غلام رسول طالب حق
از جہان شد بہ جنت والا
ارتحالش بگو چراغ علی ۱۲۵۰
ہم دگر کاشف الضحے فرما ۱۲۵۰

تاریخ وفات قاضی عبد السلام بن عطاء الحق بداونی کہ در سال یکہزار و دوصد و پنجاہ و دو

رفت چون عبد السلام از دار دہر
ارتحال او بہ قول خاص و عام
ماہتاب حسن مخدوم آمدست ۱۲۵۲
ہم بخوان قاضی حق عبد السلام ۱۲۵۲

تاریخ وفات شیخ لد ہے شاہ مونیہ دونکہ در سال یکہزار و دوصد و پنجاہ و سہ بوقوع

مرد مقبول شیخ لدہے شاہ
چو روشن شد بہ شکل فلق
رحلتش رحمت خدا فرما ۱۲۵۳
بازجو وصل او ز مظہر حق ۱۲۵۳

تاریخ وفات مولانا محمد اسحاق دہلوی کہ در سال یکہزار و دوصد و شصت و دو بوقوع آمد

شیخ اسحاق مہر آفاق
آنکہ دانش بہ در جہان طاق است
دل بسال وصال او مسرور
گفت اسحاق شیخ آفاق است ۱۲۶۲

تاریخ وفات سید منور علی لاہوری کہ در سال یکہزار و دوصد و شصت و چار بوقوع آمد

گشت چون روشن بجلد جاودان
نور دین ہادی منور آفتاب
جلوہ گر شد سال ترحیلش ز دل
شمس دین ہادی منور آفتاب ۱۲۶۴

قطعہ ثانی

پر تو افگن چو شد منور شاہ
در جہان ہمچو ماہ پارہ نور
سال تاریخ او شدہ روشن
از منور مہی ستارہ نور ۱۲۶۴

۱۵۱

تاریخ وفات انقی سید محمد لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و هشتاد بوقوع آمد

سفر ورزید چون سید محمد ٭ سوی دار البقا خوشحال و خوشتر
بصد افسوس تاریخش خرد گفت ٭ بگو روح مسافر شد مسافر ۱۲۸۰

گنج هشتم مشتمل بر چهار حصه حصهٔ اول در قطعات تاریخ ازواج مطهرات و حصهٔ دوم در قطعات تاریخ وفات بنات والا درجات سرور کائنات علیه السلام والصلوات حصهٔ سوم در ذکر فسار عارفات و قانتات که از اهل ولایت و کرامت بودند حصهٔ چهارم در ذکر مجانین و مجاذیب حصهٔ اول

تاریخ وفات بی بی خدیجة الکبری زوجه سرور عالم صلی الله علیه وسلم که در سال دهم از بعثت نبوت بوقوع آمد

آن خدیجه طیبه اهلیه حضرت رسول ٭ هست ام المومنین آن مطلع نور کمال
بود ذو اتش معدن حب نبی اندر جهان ٭ شد و را در سال حب ابعثت نبوی وصال

تاریخ وفات بی بی زینب که در سال چهارم از هجرت نبوی بوقوع آمد

زینب آن زوج نبی محترم ٭ رفت از دنیا به جنت شادکام
چون محبه از جهان پدرود شد ٭ سال ترحیلش برآمد والسلام

تاریخ وفات بی بی زینب بنت جحش که در سال بستم از هجرت بوقوع آمد

زینب آن معصومه دور زمان ٭ از جهان در جنت اعلی برفت
هست زیبا سال وصلش زیب دہر ٭ هم بخوان پاکیزه از دنیا برفت

تاریخ وفات بی بی سوده رضی الله عنها که در سال بست و دو بوقوع آمد

ام سوده زوجه حضرت رسول ٭ یافت با وصل خدا آخر وصال
بهر تاریخش ز طبعم طرفه تر ٭ زاهده ۲۲ عیان تاریخ سال

تاریخ وفات بی بی صفیه بنت حیی بن اخطب که در سال سی و شش بوقوع آمد

چو محبوبه شاه ارض و سما ٭ صفیه ز دنیا شد اندر جنان
بگو اهل تاریخ ترحیل او ٭ بفرما دگر پاک رفت از جهان ۳۶

وفات بی بی ام حبیبه رضی الله عنها که در سال چهل و دو و یک به وقوع آمد

چونکه ام حبیبه زوج رسول ٭ چهره در پرده جنان بنهفت

دختر نیک اختر امیر المومنین عمر رضی اللہ عنہ است و در سال سوم از ہجرت بنکاح آنحضرت درآمد ۱۲ ... حارثہ بن ابی ضرار است ... نکاح حضرت شاہ رسالت در سال پنجم از ہجرت ... ۵۳ بنت امیر المومنین ابی بکر صدیق

رحلت او زکیہ و اہم است — نیز سرور حبیب زینب گفت

تاریخ وفات بی بی حفصہ رضی اللہ عنہا کہ در سال چہل و پنج یا چہل و ہفت بوقوع آمد

چون جناب حفصہ زوج مصطفےٰ — از جہان رفت و جنت یافت جا
سال وصل او بقول اہل دین — طالبہ گو نیز یا کینہ شمار

وفات بی بی جویریہ رضی اللہ عنہا کہ در سال پنجاہ و شش بوقوع آمد

جویریہ محبوبہ حضرت رسول — رفت از دنیا چو در خلد برین
از خرد سالش جناب آمد عیان — بار دیگر شد ز عالم پاک بین

تاریخ وفات بی بی عائشہ صدیقہ رضی اللہ عنہا کہ در سال پنجاہ و ہشت بوقوع آمد

عائشہ محبوبہ ذات نبی — یافت از دنیا بذات حق وصال
جستہ گو سال وصل آنجناب — نیز محبوب است سال ارتحال

تاریخ وفات بی بی میمونہ رضؓ کہ در سال شصت یا شصت و یک بوقوع آمد

چونکہ میمونہ صاحب عظمت — در جنان گشت با نبی ہمدم
سال وصالش مجیبہ شد پیدا — نیز شد بے نیاز از عالم

تاریخ وفات بی بی ام سلمہ رضؓ کہ در سال شصت و سہ یا شصت و چار بوقوع آمد

ام سلمہ ولیہ مقبول — زوجہ حضرت نبی جہان
ارتحالش ز صدیقہ جستم — نیز محبوبہ آمد است عیان

حصہ دوم مشتمل بر قطعات تاریخ وفات بنات والا درجات سرور کائنات صلے اللہ علیہ وسلم تاریخ وفات بی بی رقیہ کہ در سال دوم از ہجرت بوقوع آمد

بنت احمد رقیہ صاحب جاہ — رفت زین دہر با دل پر غم
سال تاریخ او ست قلب نبی — ہم بگو رفت ستارہ از عالم

تاریخ وفات بی بی زینب رضی اللہ عنہا کہ در سال ہشتم از ہجرت بوقوع آمد

جناب زینب والا عفیفہ معصوم — کہ بود زینت فردوس زیب باغ جنان
چو شد ز دہر بتاریخ رحلت پاکش — ز دل رسید ندا شد ولیہ ز جہان

وفات ام کلثوم رضی اللہ عنہا کہ در سال نہم از ہجرت بہ وقوع آمد

ام کلثوم بنت پاک نبی — شد ز دنیا بجنت الاعلیٰ

واصله چون سفر ز عالم کرد	گشت تاریخ رحلتش پیدا

وفات بی بی فاطمه خاتون جنت رضی الله عنها که در سال یازده از هجرت بوقوع آمد

فاطمه خاتون دین بنت اسیے	نیک صورت نیک سیرت نیک خو
قرهٔ چشم جناب مصطفی	زوجهٔ ماے علی نیک رو
بعد شش ماه از وصال احمدی	کرد رحلت از جهان چار سو
شافعه روز جزا هست آنجناب	خوان جنت تاریخ او بالفظ هو
آه شد چون حب مولی از زمین	حاصل آمد سال او ای نیک خو
نیک نام از عرصهٔ آفاق رفت	کن بیان سال وصالش موبمو
رفت از عالم ولیه سیده	رحلتش گفتم باطوار نکو
گشت مهجور از علی زوج جمیل	طرفه تر تاریخ وصل او بگو
شد جو از دوران علیه فاطمه	ارتحالش شد عیان بے گفتگو
چون عفیفه از علی گردد جدا	مے شود پیدا وصالش موبمو

حصهٔ سوم

در قطعات تاریخ وفات نساء عارفات که از اهل کرامت بودند

تاریخ وفات بی بی زاهده رضی الله عنها که در سال بست و پنج هجری بوقوع آمد

زاهده مریم صفت عفت مآب	والیه معصومه دور زمان
رفت از دنیا چو در خلد برین	هادیه سال وصال او بخوان

تاریخ وفات بی بی شعوانه عجمی که در سال یکصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

چو شعوانه نیکو صفت نیک ذات	ز دنیاے دون شد بقصر جنان
نفیسه بگو رحلت پاک او	معینه بدان هم لقینه بخوان

تاریخ وفات بی بی غفیره عابده که در سال یکصد و هشتاد بوقوع آمد

چون غفیره عابده نیکو خصال	شد باوج خلد چون بدر کمال
زنده دل نیک است سال وصل او	عابده مجموده هم تاریخ سال

تاریخ وفات بی بی رابعه بصریه که در سال یکصد و هشتاد و پنج بوقوع آمد

رابعه چون شد از جهان چار سو	باصفا در هشت جنت یافت بار

۱۵۵

[illegible] اولاد باقی است از حسن و حسین است ۱۲ [illegible] حضرت عالیجناب عمر ابن الخطاب است و در ریاضت و عبادت معروف بود و آنحضرت صلی الله علیه وسلم از زبان مبارک تعریف وے کرده ۱۲ [illegible] از کاملات عارفات بود و در علم گوی سبقت از علماے عصر برده و در مجلس [illegible] پرده بر روی مبارک انداخته وعظ گفتے ۱۲ [illegible] بصره بود [illegible] عارفه از اهل [illegible] اسم صاحب کرامات [illegible] عارفات متقدمین [illegible] پیران عظام

[illegible]

سال تاریخش ز سکینه بجو [۱۸۵] — بار مستوده بخوان ای باوقار [۱۸۵]

تاریخ وفات بی بی نفیسه رحمة الله علیها که در سال دوصد و نه بوقوع آمد

چونکه معصومهٔ زمان نفیسه — شد ز عالم بجنت الاعلی
رحلتش جو ز لفظ صدیقه [۲۰۹] — بار دیگر مقدسه فرما [۲۰۹]

وفات بی بی فاطمه نیشاپوریه که در سال دوصد و بست و سه بوقوع آمد

رفت چون از دهر در بزم قبول — صوفیه والا ولیه فاطمه [۲۲۳]
بهر سال ارتحال آنجناب — شد ندا از دل جمیله فاطمه [۲۲۳]
گشت از اکبر وصالش جلوه گر [۲۲۳] — باز دل آگه حبیبه فاطمه [۲۲۳]

تاریخ وفات بی بی تحفه که در سال دوصد و سی و پنج بوقوع آمد

تحفه آن تحفهٔ ولایت دل [۲۳۵] — بود اعلی محب مستوده
رحلتش زنده دل کامله خوان [۲۳۵] — باز فرما محب مستوده [۲۳۵]

وفات بی بی ام محمد رحمة الله علیها که در سال سه صد و دوازده بوقوع آمد

حضرت ام محمد عالیه — شد چو از دنیای دون اندر جنان
ارتحال او چو جستم از خرد — گفت دل معصومه دل آگاه خوان [۳۱۲]

تاریخ وفات بی بی امة الواحد که در سال سه صد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

رفت یکتا زین جهان چون در جنان — امة الواحد وحیده باکمال
پادشاه دین بگو تاریخ او [۳۷۷] — قطبهٔ دوران بخوان تاریخ سال [۳۷۷]

تاریخ ولادت و وفات بی بی امة الاسلام که ولادتش در سال سه صد و هژده و وفات در سال سه صد و نود و پنج هجری المقدس بوقوع آمد

شد عفت ولیه ام اسلام — گر آمد ختم بروی نام تفضیل
بتولیدش سلیمه ام اسلام [۳۱۸] — بگو سرور فقیره سال ترحیل [۳۹۵]

تاریخ وفات بی بی میمونه واعظه که در سال سه صد و نود و یا نود و شش بوقوع آمد

حضرت میمونه آن بیدار مغز — رفت از دنیا چو در خلد برین
گو مکرم کامله تاریخ او [۳۹۶] — بار دیگر معدن نور یقین [۳۹۶]

تاریخ ولادت و وفات بی بی ام محمد که ولادتش در سنه ۳۴۲ و وفات در سنه ۴۲۶ هجری بوقوع آمد

نام پدرش حسن بن محمد ... از قدمای نساء ... مصر بود امام شافعی رحمة الله علیه پیش وی حدیث سند نمود
۱۲ ۵۲ از قدمای نساء خراسان است و مدت ... منظور ...
۱۲ ۵۳ از کبار نساء عارفات کاملات بود حضرت سری سقطی از وی استفاده ها نموده فواید برداشت
۱۲ ۵۴ والده ماجده شیخ عبدالله بن خفیف است
۱۵۶ ... صالحات بوده ۱۲
۵۵ ... ۱۲
۵۶ ... شیخ اسمعیل ... کمالات ...
۵۷ ... فضیلت بود و ... حفظ داشت ...

قطعہ ثانی

چونکہ ام الفرید معصومہ	رفت در پردۂ لقا باللہ
بہر تاریخ آن ولیہ دہر	گفت دل عارفہ فنائے اللہ

تاریخ وفات بی بی زلیخا بداؤنے کہ در سال ششصد و چہل و ہشت بوقوع آمد

چون زلیخا ام دین خیر النسا	رفت از دنیائے دون اندر جنان
شد زلیخا سال وصل آنجناب	ہست رحمت نیز تاریخش عیان

تاریخ وفات بی بی اولیا کہ در سال ششصد و پنجاہ و پنج بوقوع آمد

رفت از دنیا چو در خلد برین	عارفہ والا ولیہ اولیا
بہر سال ارتحال آنجناب	مستقیم گشت از رضوان ندا

تاریخ وفات بی بی لل دہی کشمیری کہ در سال ہفتصد و پنجاہ و شش بوقوع آمد

چون بجانان داد جان شد در بہشت	لل دہی مجذوبۂ عالی مکان
سرورا سال وصالش طرفہ تر	رحمت حق بار مجذوبہ بخوان

تاریخ وفات بی بی راستے قدس سرہا کہ در سال ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

راستے مجذوبہ عالم کہ بود	راست رو چون تیر اندر راستے
ہست مخدومہ وصال پاک او	سال ترحیلش چو از من خواستے

تاریخ وفات بی بی فاطمہ سیدہ گیلانے کہ در سال یکہزار و شانزدہ بوقوع آمد

شد ز دنیا چون جناب فاطمہ	سرمۂ چشم جہان شد خاک او
غوث اعظم بود جد آنجناب	اعظمہ آمد وصال پاک او

تاریخ وفات بی بی جمال خاتون کہ در سال یک ہزار و چہل و نہ بوقوع آمد

عارفہ خاتون دین بی بی جمال	ذات او آمد سعیدہ اعظمہ
ارتحال او چو جستم از خرد	شد ندا از دل وحیدہ اعظمہ

حصہ چہارم

در ذکر مجانین و مجاذیب کہ از اہل باطن بودہ اند

تاریخ وفات سر نگا مجذوب ہانسوی کہ در سال ششصد و چہل و شش بوقوع آمد

سرنگا مجذوب مجذوبے	در روضۂ طایر خلد برین است

والدہ ماجدہ سلطان المشائخ نظام الدین بدایونی دہلوی است صاحب مراتب عالی بود و دعائے وے گاہی از درگاہ حق رد نگردید ۱۲ ... از صالحات وقت بود و در دہلی سکونت داشت و در خلوت اربعین چہل ... تا نفس باخود بود وے ۱۲ ... از عارفات خطہ کشمیر بود و در جذب استغراق تا ... نداشت و بعد از فوت جسم مبارک وے از جائے خود برخاستہ بسوی آسمان رفت و غیر از شعلہ نور ہیچ بہ نظر ناظرین نیامد ۱۲

۱۵۸

... والدہ ماجدہ شیخ ... ابوالفتح رکن الدین ... است حافظہ و عابدہ ... زوجہ ... بود ۱۲ ... و وفات ... ۱۲ ... حضرت میان میر ... لاہوری ... و جمال ... کمال ... ہانسی بود ...

چو جستم از خرد تاریخ سالش … ندا آمد که عاشق قطب دین است (۹۲۲)

تاریخ وفات سوبهن مجذوب اجودهنی که در سال نهصد و بست و هشت بوقوع آمد

شیخ سوبهن جاذب جذب اله … بود برشیخ یقین بدر الکمال
زاهد مشکلکشا تاریخ اوست … هم حبیب جاذب آمد ارتحال (۹۲۸)

تاریخ وفات شیخ حسن مجذوب که در سال نهصد و سی و سه بوقوع آمد

چون حسن مجذوب حسن الاولیا … گشت در خلد معلی جای گیر
بهر سال ارتحال آن ولی … گفت سرور عاشق صادق امیر (۹۳۳)

تاریخ وفات آله دین مجذوب که در سال نهصد و چهل و شش بوقوع آمد

آله دین از جهان چون رخت بربست … قدم اندر جنان بنهاد و بلند بست
چو سال انتقال او بجستم … ز هاتف شد ندا صوفی سرمست (۹۴۶)

تاریخ وفات میان معروف مجذوب که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد

شد به جنت چو از جهان آخر … میان معروف با خدا مجذوب
گشت مجذوب نامدار وصال (۹۴۷) … باز دل گفت رهنما مجذوب (۹۴۷)

تاریخ وفات شاه منصور مجذوب که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد

شاه منصور چون بصد نصرت … گشت با وصل ایزدی موصول
گفت تاریخ رحلتش سرور … شاه منصور عابد مقبول (۹۴۷)

تاریخ وفات علاؤ الدین مجذوب که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد

جاذب جذب حق علاؤ الدین … گشت روشن بخلد چون مهتاب
رحلتش هست واقف سرمست … باز سرمست سید اقطاب (۹۴۷)

تاریخ وفات شیخ حسن مجذوب که در سال نهصد و شصت و چار بوقوع آمد

چو رفت از دار دنیا متصل شد … بوصل حق حسن محبوب احسن
عجب سال وصالش جلوه گر شد … ز محبوب اله مجذوب احسن (۹۶۴)

تاریخ وفات شاه ابو الغیب مجذوب که در سال نهصد و شصت و هفت بوقوع آمد

سید غیب از جهان چون رخت بست … باب جنت بر رو اش گشت باز
بهر سال انتقال آنجناب … شهر عیان سید بخاری بے نیاز (۹۶۷)

علاؤ الدین … [illegible] … شیخ علاؤ الدین … [illegible]

۱۵۹

[illegible] … مجذوبی … واکثر اوقات از احوال … استقبال خبر دادی … اول در سال … [illegible] … از مجذوبان دهلی بود … [illegible] … استغراق و حالات قوی … بود ۱۲ [illegible]

تاریخ وفات شیخ بابن مجذوب اجمیری که در سال نهصد و شصت و هفت بوقوع آمد

چو رخت زندگی زین دهر بربست	بجنت یافت جا سرمست بابن
بسال ارتحال آن شه دین	بگو قطب الهدا سرمست بابن ۹۶۷

تاریخ وفات باباکپور مجذوب که در سال نهصد و هفتاد و نه بوقوع آمد

رفت از دنیا چو در خلد برین	مست الفت عاشق صادق کپور
سال تاریخ وصال آن جناب	هست صادق پاک باطن عاشق کپور ۹۷۹

تاریخ وفات میان مونگر مجذوب که در سال نهصد و هشتاد بوقوع آمد

جناب شیخ مونگر عاشق مست	چو در خلد معلی یافت توفیق
چو سال ارتحالش جست سرور	خرد گفتا معلی پیر تحقیق ۹۸۰

تاریخ وفات شیخ چینی شاه مجذوب کشمیری که در سال نهصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

شیخ چینی شاه مجذوب خدا	یافت چون با وصل ربانی وصال
وصل پاکش مست عشق هو بخوان	بار دیگر کن بیان فیض کمال ۹۸۱

تاریخ وفات شاه بدیع الدین مجذوب که در سال نهصد و نود و دو بوقوع آمد

سرور عشاق مجذوبان حق	شد بدیع الدین ولی روشن ضمیر
رفت از دنیا چو در خلد برین	شد عیان سالش زهی مست کبیر ۹۹۲

تاریخ وفات خواجه کشمیری که در سال یکهزار و بیست و شش بوقوع آمد

ز دنیای دنی رخت سفر بست	چو آن شیخ زمن داود مجذوب
بتاریخش بگو داود اعظم ۱۰۲۶	دگر قطب الحسن داود مجذوب ۱۰۲۶

تاریخ وفات محمد یوسف علی مجذوب کشمیری که در سال یکهزار و بیست و هفت بوقوع آمد

چون محمد علی ولی عالی	شد بجنت به فضل ربانی
سال تاریخ رحلتش سرور	گشت روشن ز شیخ نورانی ۱۰۲۵

تاریخ وفات شیخ یوسف مجذوب که در سال یکهزار و بیست و هشت بوقوع آمد

چو رحلت کرد سوی دار جنت	ز دنیا یوسف با حسن مجذوب
دلم در سال تاریخ وصالش	بگفتا یوسف با حسن مجذوب ۱۰۲۸

تاریخ وفات سید مٹھ مجذوب که در سال یکهزار و یکصد و پانزده بوقوع آمد

در اجمیر پیش دروازه مزار فیض آثار خواجه بزرگ میماند و در کشف و کرامت مشهور بود ۱۲ سنه
نام وی عبد الغفور است و در کالپی سکونت داشت و در آخر عمر در گوالیار توطن ورزید و در کشف اشتهار و اظهار اسرار آیتی بود ۱۲ سنه
در لاهور ... از اعاظم مجاذیب وقت خود بود ۱۲ سنه
از کبار مجاذیب عظام ... کشمیر است ... ۱۶۰
[illegible]

[illegible]

شیخ ظہیر دین مجذوب حق — شد چو از دنیا بجنت یافت جا
سال ترحیلش چو جستم از خرد — گشت از هاتف ندا شیر خدا

تاریخ وفات سید عبد الله مجذوب که در سال یکهزار و یکصد و سی و یک بوقوع آمد

چو از دنیا بجنت گشت راهی — جناب شیخ عبد الله مجذوب
بسال ارتحال آن شه دین — خرد فرمود سید شاه مجذوب

وفات نانو مجذوب نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی و دو بوقوع آمد

ز دنیا رفت در خلد معلی — چو نانو شاه حق بین عاشق مست
ز رضوان سال ترحیلش بجستم — بگفتا کعبهٔ دین عاشق مست

تاریخ وفات حافظ طاهر کشمیری نوشاهی که در سال یکهزار و یکصد و سی و شش بوقوع آمد

زین جهان فنا بخلد برین — رفت افسوس طاهر مجذوب
سال تاریخ رحلتش سرور — گفت افسوس طاهر مجذوب

تاریخ وفات معصوم شاه لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و بیست و یک بوقوع آمد

رفت با عصمت چو در خلد برین — شیخ معصوم جهان مجذوب عشق
سال ترحیلش چو جستم از خرد — گفت ای سرور بخوان مجذوب عشق

تاریخ وفات مستقیم شاه مجذوب لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و چهل بوقوع

از جهان چون جنت الاعلی — یافت جا مستقیم روشن دل
بهر تاریخ رحلت پاکش — شد ندا مستقیم روشن دل

تاریخ وفات تاجی شاه مجذوب لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و شصت و یک بوقوع

تاج جنت شد چو با عز و وقار — شیخ تاجی شاه تاج اولیا
هست مجذوبی بگو تاریخ او — نیز عاشق مست کامل حق نما
پیر اعظم شیخ عارف گفته ام — رحلت آن بادشاه اتقیا
هم دگر خورشید عالم کن بیان — طرفه تر تاریخ سالش سرور

تاریخ وفات نظام شاه مجذوب لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و شصت و نه بوقوع

عاشق حق نظام شاه جهان — چون برفت از جهان بحق پیوست
شاه مجذوب پیر خوان سالش — هم بدان عاشق ازل سرمست

[illegible]

۱۶۱

... تمام عمر در استغراق و جذب گزرانید ۱۲۵۰ این مجذوب در لاهور ... صاحب کرامات بلند بود مزار بیرون دروازه لاهوری است ۱۲۵۶ ... مجذوب صاحب سکر و استغراق بود ... لاهور است ... از مجذوبان لاهور ... مزارش بیرون دروازه موچی است ۱۲۵۸ از اجل مجذوبین متاخرین ... لاهور است ...

تاریخ وفات مستان شاہ مجذوب لاہوری کہ در سال یکہزار و دو صد و شصت و دو بوقوع آمد

چو از دنیا بفردوس برین رفت
بسال ارتحال آن شہ دین

شہ مستان شہ دیوانہ عشق
بگو عاشق ولی مستانہ عشق

قطعہ ثانی

سفر کرد و بجنت و اسے
بتاریخ ترحیل آن مست عشق

چو رفت از جہان آہ مستان شاہ
بخوان ماہ دین شاہ مستان شاہ

گنج ہشتم مشتمل بر دوازدہ حصہ حصہ اول در قطعات تاریخ وفات خلفاے بنی امیہ حصہ دوم در بیان وفات خلفاے بنی عباس حصہ سوم در ذکر شاہان غزنوی حصہ چہارم در ذکر شاہان غوریہ حصہ پنجم در ذکر شاہان خلجیہ حصہ ششم در ذکر شاہان تغلقیہ حصہ ہفتم در ذکر شاہان خضرخانیہ حصہ ہشتم در ذکر شاہان لودیہ حصہ نہم در ذکر شاہان چنگیزیہ و تیموریہ چغتائیہ حصہ دہم در ذکر شاہان و حکام متفرقات حصہ یازدہم در ذکر امراے بلند اقتدار حصہ دوازدہم در ذکر شعراے روزگار

حصہ اول در ذکر خلفاے بنی امیہ

تاریخ وفات امیر معاویہ بن ابی سفیان کہ در سال شصت و نہ بوقوع آمد

ابن سفیان بحکم ایزد پاک
سر ورا سال ارتحال او

چون بصد جاہ رفت از دنیا
کن رقم آہ رفت از دنیا

تاریخ وفات یزید بن معاویہ کہ در سال شصت و چار ہجری بوقوع آمد

چون یزید لعین عدو اللہ
بد سیر بد مآل و بد کردار
خصم آل نبی و محسن کش
گشت مردار و در جہنم رفت
از جفایش بماند تا دم حشر
سال تاریخ مردنش پیداست

دشمن دین و ظالم اظلم
قاتل آل سید اکرم
بانی جور و موذی اعظم
روح او جسم با زمین شد ضم
نام بدنام در بنی آدم
شد یزید پلید از عالم

قطعہ ثانی

چون یزید پلید رفت آخر	با هزار انفعال از عالم
طرفه تاریخ مردنش سرور	گفت شد بد آل از عالم

تاریخ وفات مروان بن حکم که در سال شصت و پنج هجری بوقوع آمد

رفت مروان از جهان پر بلا	رخت خود در عالم عقبی نهاد
سال فوتش چون بجستم از خرد	دل بتاریخش بگفتا جان بداد

تاریخ وفات معاویه بن یزید که در سال شصت و شش بوقوع آمد

تارک سلطنت چو این یزید	رفت از عالم فنا به جنان
سال ترحیل او بصد افسوس	شد عیان رفت صادق از دوران

تاریخ وفات عبد الملک بن مروان که در سال هشتاد و پنج یا شش بوقوع آمد

کرد رحلت آخرش عبد الملک	سوی عقبی از جهان پر ملال
چونکه بی دینی بدانش ختم بود	شد زبید بی دین عیان سال وصال
بازسال ارتحالش طرفه تر	دیو دنیا شد عیان بابی جدال

تاریخ وفات ولید بن عبد الملک که در سال نود و پنج بوقوع آمد

چو در زید با حکم این ولید	ز دنیای فانی بعقبی مکان
بگو رحلتش وای اهل جود	بفرما دگر بار اهل جهان

تاریخ وفات سلیمان بن عبد الملک که در سال نود و نه بوقوع آمد

چو سلیمان رتبه شاه اهل شاه	از جهان باخاطر پرغم برفت
سال تاریخ وصالش طرفه تر	گفت سرور طالب از عالم برفت

تاریخ عمر بن عبد العزیز که در سال یکصد و یک بوقوع آمد

چون عمر والا گهر عبد العزیز	یافت از دنیا بوصل حق وصال
رحلتش صاحب بگو نا سخن تخوان	هم به نوکن رقم ای باکمال

تاریخ وفات حجاج بن یوسف که در سال یکصد و سه بوقوع آمد

بصد افسوس حجاج از جهان رفت	چو بعد از ظلم و جور و قتل تاراج
بگو ابلیس تاریخ وفاتش	دگر فرما که بی دین بود حجاج

تاریخ وفات یزید بن عبد الملک که در سال یکصد و پنج هجری بوقوع آمد

پسر یزید ابن عبدالملک چون زدهر — سفر کرد و شد سوی عقبی روان
سهیل است روشن بتاریخ او — دگر جلوه گر گشت ماه جهان

تاریخ وفات هشام بن عبدالملک که درسال یک صد وبیست و نه بوقوع آمد

چو هشام ازجهان رخت سفر بست — لقب رفت آن محبوب دنیا
زدل تاریخ ترحیلش بجستم — خرد گفتا بخوان محبوب بنیا

تاریخ وفات ولید بن یزید که درسال یکصد وبیست وشش بوقوع آمد

چون ولید پلید رند لقبی — روی خود در لقاب قیر نهفت
جستم از دل چو سال تاریخش — عقل لقبش ولید بی دین گفت

تاریخ وفات یزید ناقص بن ولید که درسال یکصد وبیست وشش بوقوع آمد

شد لبالب حسرتها غم و آلام — سوی عقبی یزید عالی شان
چونکه ملک جهان بحکمش بود — گو وفاتش یزید اهل جهان

تاریخ وفات مروان بن محمد که درسال یکصد وسی وچهار بوقوع آمد

کرد چون نام بنی امیه ختم — بعد قتل خویش مروان ازجهان
سال قتل او بطرز خوب تر — لا لقا تحریر کن اقبال جوان

حصه دوم درقطعات تاریخ خلفای بنی عباس که بعد بنی امیه بادشاه شدند

تاریخ وفات ابو العباس سفاح بن محمد عباسی که درسال یکصد وسی وهفت بوقوع آمد

چون بصد درد وحزن حسرتا وآه — شد زملک جهان اباعباس
ارتحالش زنام نامی او — گفت سرور بخوان اباعباس

تاریخ وفات ابوجعفر منصور بن محمد عباسی که درسال یکصد وچهل ونه بوقوع آمد

چون ابوجعفر شه باکرم — آخر از اقلیم فانی شد روان
سال تاریخش رقم شد از خرد — اهل دل حاکم دگر دار الامکان

تاریخ وفات محمد مهدی بن ابوجعفر که درسال یک صد وشصت ونه بوقوع آمد

چونکه مهدی بحکم ربانی — از فنا در بقا شده جاگیر
ارتحالش وحید عالم گو — بنده حق دوباره کن تقریر
باردیگر بخوان جمال الدین — مه جبین مهدی اشش بکن تحریر

مکتفی چون عمر کاستی از خدا ... یافت رخت خویش بربست از جهان
دل بسال ارتحالش طرفه تر ... گفت واسے زمان سلطان جوان

تاریخ وفات مقتدر بالله بن معتضد بالله که درسال سه صد و بست وچار بوقوع آمد

مقتدر چون شد بتقدیر اله ... در بلاسے موت آخر مبتلا
میر دین خوانش بسال انتقال ... بار دیگر دان جوان پارسا

تاریخ وفات قاهر بالله بن معتضد بالله که درسال سه صد و بست وچار بوقوع آمد

شاه قاهر قاهر اعداے دین ... شد بمهر حق چو در جنت روان
بهر سال ارتحالش طرفه تر ... بحر حسن از خامه من شد روان

تاریخ وفات راضی بالله بن مقتدر بالله که درسال سه صد وچهل و نه بوقوع آمد

چونکه راضی از رضاے ایزدے ... یافت از دنیاے عقبی اتصال
سن ترحیلش چو جستم از خرد ... مرد عادل شد عیان تاریخ سال

تاریخ وفات مستکفی بالله بن مقتدر بالله که درسال سه صد و پنجاه و شش بوقوع آمد

رخت هستی چونکه از عالم بست ... مستکفی با حکم قاضی قضا
سال ترحیلش امیر عادل است ... بار دیگر حق طلب اهل صفا

تاریخ وفات مطیع بالله بن مقتدر بالله که درسال سه صد وشصت و هشت بوقوع آمد

چون مطیع دین شه اهل کرم ... بر در رحمت خویش زین فانی طبق
طرفه سال رحلت آن بادشا ... هست زیب دین مطیع حکم حق

تاریخ وفات قادر بالله بن اسحاق که درسال چار صد و بست و یک یا بست و دو بوقوع

کرد رحلت از جهان بے ثبات ... شاه دین قادر به تقدیر خدا
هست محبوب جهان قادر وصال ... بار دیگر قادر اهل عطا

تاریخ وفات قائم بامر الله بن قادر بالله که درسال چار صد و شصت وچار بوقوع آمد

روح قائم شد چو بر چرخ برین ... جسم قائم گشت قائم در زمین
رحلتش گو اهل دل قائم بامر ... باز کن روشن بامرش شمس دین

تاریخ وفات مقتدی بالله بن قائم بامر الله که درسال چار صد و هشتاد و هفت چار بوقوع

آخرش از دار فانی رخت بست ... مقتدی بالله شاه سر کاب

شاه مقبول است سال وصل او — نیر اکبر بگو یا آفتاب

تاریخ وفات مستظهر بالله بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بوقوع آمد

گشت براوج فلک منزل گزین — رفت مستظهر چو زین دار ملال

دولت حکم است تاریخش دگر — بادشاه صادق آمد ارتحال

تاریخ وفات مسترشد بالله بن مستظهر بالله که در سال پانصد و بیست و پنج بوقوع آمد

ازین دار الفنا رخت بقا بست — چو مسترشد شه دیجاه عاسی

تبار یخ وصال آن شه دین — رقم شد طالب الله شاه عاسی

تاریخ وفات مقتفی لامر الله بن مستظهر بالله که در سال پانصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

چون شه مقتفی لامر الله — دست بردار شد ز لاک حیات

مقتفی سال رحلتش گفتم — بار جستم ز قبله حاجات

تاریخ وفات مستنجد بالله بن مقتفی لامر الله که در سال پانصد و شصت بوقوع آمد

جناب شاه مستنجد شه دین — چو در اقلیم باقی یافت توصیل

بسر ورشد ندا از هاتف غیب — بگو سرور دار فاول سال ترحیل

تاریخ وفات ناصر الدین الله نبیره مستنجد بالله که در سال ششصد و شانزده بوقوع

شد به نصرت چو ناصر از عالم — دل بتاریخ آن شه اقبال

گفت سلطان سرور است بگو — بار سرور محب اهل جلال

تاریخ وفات طاهر بالله بن ناصر الدین الله که در سال ششصد و هفتده بوقوع آمد

رفت طاهر چو طاهر از دنیا — دل پی سن و سال رحلت آن

گفت طاهر شه زمن فرما — هم جوان مرد پادشاه جوان

تاریخ وفات مستنصر بالله بن طاهر بالله که در سال ششصد و سی و هفت بوقوع آمد

رفت با صد نصرت از عالم سجل — چونکه مستنصر شه عالم پناه

شد عیان مفتاح حق تاریخ او — بار دیگر نیر دین پادشاه

تاریخ وفات مستعصم بالله بن مستنصر بالله که در سال ششصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

چونکه از دست هلاکو گشت شهید — شاه مستعصم شه عالی مقام

سال تاریخ وصالش طرفه تر — هست سلطان الکرم نیک نام

رفت چون از جهان بجنت خلد	شاه ذیجاه غازی مسعود
سال تاریخ رحلتش سرور	گفت سلطان دین حق محمود

تاریخ وفات سلطان مسعود غزنوی که در سال چارصد و سی و سه بوقوع آمد

چو شد با صد سعادت سوی جنت	شه مسعود دین شاه زمانه
شه دین یک دل آمد ارتحالش	دگر مسعود سلطان زمانه

تاریخ وفات سلطان محمد غزنوی که در سال چهارصد و سی و چار بوقوع آمد

چون محمد به لطف و فضل آله	شد زدنیای دون بخلد برین
شه صالح بگو بتاریخش	نیز سلطان دین محب یقین

تاریخ وفات سلطان مودود شاه غزنوی که در سال چارصد و چهل و یک بوقوع آمد

چون شه مودود سلطان عظیم	رفت از دنیا بقرب لایزال
دان شه کونین سال وصل او	هم بدان مودود شاه اهل حال

تاریخ وفات سلطان ابراهیم غزنوی که در سال چارصد و هشتاد و یک بوقوع آمد

زدنیا سوی جنت چون سفر کرد	جناب شاه ابراهیم حق بین
شود حاصل وصال آن شه دهر	ز ابراهیم عالی واصل دین
رقم شد شاه دین عالی زخامه	وصال پاک او بازیب و تزئین
دگر سلطان امیر نیک فرما	سنین رحلتش اسی فرخ آئین

تاریخ وفات سلطان مسعود ثانی غزنوی که در سال چارصد و نود و شش بوقوع آمد

چو مسعود از جهان رخت سفر بست	بجنت وصل شد با ذات معبود
بگو تاریخ آن شاه جوان مرد	ولی دین حق مسعود محمود
سراج العالمین دل گفت سالش	دگر شاه هدا مسعود فرمود

تاریخ وفات سلطان ارسلان غزنوی که در سال پانصد هجری به وقوع آمد

ارسلان چون از جهان بدرود گشت	رفت در جنت بتقدیر قدیر
رحلتش سلطان فردوس آمد ست	باز شاه دین مکمل از ضمیر
بادشاه واقف آمد وصل او	شاه صدق است و دگر سلطان نصیر

تاریخ وفات سلطان بهرام شاه غزنوی که در سال پانصد و چهل و هفت بوقوع آمد

بوصلش ماه روشن سہت روشن — دوبارا آفتاب حسن فرما
علاء الدین امیر حق طلب خوان — کر گردو سال تاریخش ہویدا

قطعہ ثانی

شد زدنیا چو در بہشت برین — شاه اہل ہد اشہاب الدین
گوشه نامور بتاریخش — ہم بخوان حق شہاب الدین

تاریخ وفات سلطان قطب الدین ایبک که درسال ششصد وہفت بوقوع آمد

کرد رحلت چو از جہان فتا — شد بجنت مقیم قطب الدین
سه در عالم است سالش نیز — بادشاه حلیم قطب الدین

تاریخ وفات سلطان شمس الدین التمش که درسال ششصد وسی وچار بوقوع آمد

شاه شمس الدین شه شمس اللقا — پرتو افکن شد چو در خلد برین
رحلتش مادے حق شمس الجمال — ہم بخوان شمس العطا حامے دین

تاریخ وفات رکن الدین فیروز شاه غوری که درسال ششصد وسی وپنج بوقوع آمد

چو فیروز شاه جہان اہل جاه — ز دنیاے دون یافت با حق وصال
بگو شاه رکن جہان رحلتش — دوباره از فیروز بحر الکمال

تاریخ وفات رضیہ بیگم ملکہ ہند که درسال ششصد وسی وہشت بوقوع آمد

چون شد رضیہ مبرے خلاق — کرد رحلت ز دار حسن ملال
ماه لا ثانے است ترحیلش — ملکہ مالک جنت آمد سال

تاریخ وفات معز الدین بہرام شاه بن التمش که درسال ششصد وسی ونہ بوقوع آمد

رفت در جنت ز دار بے ثبات — چون شه اہل زمین بہرام شاه
سال ترحیلش بگو اصل برات — بار دیگر پاک بین بہرام شاه

قطعہ ثانی

شاه بہرام چون بفضل آله — شد ز دنیای دون بباغ جنان
شاه نور الورے بگو سالش — نیز بہرام میر عالم خوان

تاریخ وفات مسعود علاء الدین غوری که درسال ششصد وچہل وچار بوقوع آمد

چو مسعود شد با سعادت ز دہر — بتاریخ ترحیل آن نوجوان

یکے شاه مسعود محسن بگو — دگر شاه مسعود جان جهان

تاریخ وفات سلطان ناصر الدین محمود شاه که در سال ششصد و شصت و چهار بوقوع آمد

ز دار الفنا چونکه محمود رفت — شود جلوه گر رحلتش مثل ماه
زعالے نسب ناصر اہل دین — دگر سجه مواج محمود شاه

قطعه ثانی

ز دار دهر چون رخت سفر بست — شه محمود حق آگاه عادل
عیان شدن دو سال ارتحالش — ز سلطان زمانه شاه عادل

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین بلبن که در سال ششصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

شه والا غیاث الدین بلبن — بجنت یافت چون از دار دولت بار
بسالش نیک خواه دل عیان شد — دگر فردوس جاے شاه دیندار

تاریخ وفات معز الدین کیقباد که در سال ششصد و هشتاد و نه بوقوع آمد

چون معز الدین شاه کیقباد — رفت از دنیا بجنت شادکام
داد گفتند خوان بسال رحلتش — هم معز الدین شاه نیکنام

حصه پنجم در ذکر شاهان خلجیه انار الله برهانهم

تاریخ وفات جلال الدین فیروز شاه خلجی که در سال ششصد و نود و پنج بوقوع آمد

چو از دنیا بفردوس برین رفت — جلال الدین حق آگاه فیروز
وصالش اہل دین شاه جهانگیر — رقم کن نیز سوے شاه فیروز

تاریخ وفات سلطان علاء الدین خلجی که در سال هفتصد و پانزده بوقوع آمد

قدر اعلى یافت در خلد برین — چون علاء الدین شه روشن ضمیر
مشفق صادق بگو تاریخ او — نیز عابد زنده دل شاه کبیر

تاریخ وفات قطب الدین مبارک خلجی که در سال هفتصد و بست و یک بوقوع آمد

چو قطب الدین مبارک شاه مقتول — بجنت رفت از دنیاے پر غم
عجب سال وصالش هست سرور — ز قطب الدین مبارک قطب عالم

حصه ششم در ذکر شاهان تغلقیه انار الله برهانهم

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین محمد تغلق که در سال هفتصد و بست و پنج بوقوع آمد

چون غیاث الدین محمد شاه هند / شد ازین دنیای دون با درد و آه
از دل سرور بسال رحلتش / شد عیان بحر المعانی پادشاه

تاریخ وفات سلطان محمد تغلق عادل شاه که در سال هفتصد و پنجاه و دو بوقوع آمد

چون بصد درد و غم سفر ورزید / از جهان و رجهان محمد شاه
سال وصالش شه ولایت خوان / نیز نور زمان محمد شاه

تاریخ وفات سلطان فیروز شاه بن سالار رجب تغلق که در سال هفتصد و نود بوقوع آمد

چو فیروز شاه از جهان رخت بست / بجنت شده از جهان مثل ماه
شهنشاه صالح بگو رحلتش / دگر بالاک ملک فیروز شاه

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین تغلق که در سال هفتصد و نود و یک بوقوع آمد

غیاث الدین تغلق شاه نامی / چو رفت از دهر سال رحلت آن
بخوان سرور حبیب حق شهنشاه / امیر المومنین شاه ابد دان

تاریخ وفات سلطان ابوبکر بن ظفر خان بن فیروز شاه که در ۷۹۳ بوقوع آمد

جلوه گر شد چو در بهشت برین / شاه بوبکر باه اهل فلاح
سال تاریخ رحلتش سرور / دان ابوبکر شاه اهل فلاح

تاریخ وفات ناصر الدین محمد شاه بن فیروز شاه تغلق که در سنه ۷۹۶ بوقوع آمد

ناصر دین محمد پادشاه / شد چو از دنیا بعقبی جای گیر
سال تاریخ وصالش طرفه تر / شد عیان منصور دین ماه منیر
عالم منصور ناصر کن رقم / بار دیگر وجمل زان روشن ضمیر

تاریخ وفات علاء الدین سکندر شاه تغلق که در سال هفتصد و نود و [illegible] بوقوع آمد

چون سکندر پادشاه اهل هند / رفت از دنیا با قلیم جنان
سرور امجد ترا یا جاه گو / سال تاریخش با قوال جهان
گو سکندر پادشاه حق طلب / هم سکندر شاه محبوبان

تاریخ وفات ناصر الدین محمود شاه بن احمد شاه تغلق ثانی که در سنه ۸۱۵ بوقوع آمد

ناصر دین چو شاه دین سرور / شد ز دار فنا بقصر سلام
شمع دین ناصر است تاریخش / جلوه گر گشت باز خلد مقام

حصه هفتم در ذکر پادشاهان خاندان سادات خضرخانیه

تاریخ وفات سید خضرخان بن سلیمان که در هشتصد و بست و چار به وقوع آمد

چو شد سید خضرخان پادشاه	ز دنیای فانی به جنت قریب
بگو خواجه وصف تاریخ او	دو بار اشهنشاه عالم حبیب

تاریخ وفات سید معز الدین ابوالفتح مبارک شاه که در سال هشتصد و سی هفت بوقوع آمد

چو شد مظلوم ز دین دهر رفت	مبارک شاه والا جاه مقبول
بسالش گو امین دهر بوالفتح	دگر واسطه دین سلطان مقبول

تاریخ وفات سلطان محمد شاه خضرخانیه که در سال هشتصد و چهل و نه بوقوع آمد

شد ز دنیا چو در بهشت برین	شاه روی زمین محمد شاه
گفت تاریخ رحلتش سرور	عارف اهل دین محمد شاه

تاریخ وفات سلطان علاؤ الدین عالم شاه که در سال هشتصد و هشتاد و سه بوقوع آمد

چو از دنیا به ملک جاودان رفت	علاؤ الدین حق بین شاه عالم
وصال باکمال آن شه دین	رقم شد ناصر الدین شاه عالم

حصه هشتم در ذکر شاهان خاندان سلطنت لودیه انار الله برهانهم

تاریخ وفات سلطان بهلول لودی که در سال هشتصد و نود و چار بوقوع آمد

چون اندر ملک جنت یافت شاهی	شه دین شاه حق آگاه بهلول
عیان شد سن وسال انتقالش	ز حق آمرزیده شاهنشاه بهلول

تاریخ وفات سلطان سکندر لودی که در سال نهصد و بست و سه بوقوع آمد

چون نه دار فنا سفر ورزید	یافت در خلد جا سکندر شاه
سال تاریخ رحلتش سرور	گفت ابر عطا سکندر شاه

تاریخ وفات سلطان ابراهیم شاه لودی که در سال نهصد و سی هجری بوقوع آمد

چونکه ابراهیم شاه اهل جاه	سوی جنت از زمانه جست راه
سال ترحیلش چو جستم از خرد	گفت شاه هند ابراهیم شاه

حصه نهم در ذکر شاهان چنگیزیه و تیموریه چغتایان هند که شاهان مغلیه مشهور اند

آخرش چنگیز خان چون رخت بست	بعد قتل عام تاراج جهان

قطعهٔ ثانی

چو بابر ازین جهان رخت سفر بست | تو سال رحلت آن اهل توقیر
ز شاهنشاه بابر اهل دل جو | دگر والا قدر شاه جهانگیر

قطعهٔ ثالث

شد چو از دنیا بخلد جاودان | شاه بابر بادشاه اهل جاه
گشت تاریخ وصال او عیان | بندهٔ حق میر بابر بادشاه

تاریخ ولادت و وفات نصیر الدین محمد همایون بادشاه که ولادتش در سال نهصد و سیزده و وفاتش در سنه نهصد و شصت و سه بوقوع آمد

کریم الخلق سلطان السلاطین | همایون شاه والا جاه اعظم
همایون صاحب تاج منور | بگو تو بیند آن شاه معظم
همایون ابر رحمت رحلتش دان | دگر شاه همایون تاج عالم
همایون رتبه مرد آمد وصالش | دگر نور بهشت است ای مکرم

تاریخ ولادت و وفات جلال الدین محمد اکبر بادشاه غازی که ولادتش در سال نهصد و چهل و نه و وفاتش در سنه یکهزار و چهارده بوقوع آمد

آن جلال الدین اکبر بادشاه | سرور عالم شه برنا و پیر
سال تولیدش چو جستم از خرد | شد عیان منصور حق اکبر کبیر
هاتفی فیض آمده تولید او | بادشاه هندشاه دین اکبر کبیر
میر دین رستم بخوان ترحیل آن | فضل عدل آمد عیان باز از ضمیر

قطعهٔ ثانی

چو اکبر شه اعظم ملک هند | ز دنیا بعقبی شده جای گیر
بتاریخ ترحیل آن شاه دهر | بخوان تاج اجلال مهر منیر

قطعهٔ ثالث

چون جلال الدین اکبر شاه هند | رفت از دنیا بعقبی جست راه
رشته تاج و لوا اهل جلال | گو وصال آن شه عالم پناه
پس شهنشاه اهل اکبر است | هم جلال تاج اکبر بادشاه

بعد وفات پدر خود بر تخت سلطنت قیام نمود بعد سلطنت یازده سال شیر خان افغان سر بشورش برداشته چند بار مقابله پرداخت و همایون بسبب ناسازش و نااتفاقی برادران خود از دست تنگ آمده و سختیهای عظیم [illegible] برداشته در ایران رسید و بامداد شاه طهماسپ بادشاه ایران اول کابل و قندهار وغیره را مفتوح ساخت بعد ازان رو بهند آورده و بار دیگر رونق افزای تخت هند شد [illegible] گردید آخر از بام مکان کتب خانه شیر منڈل [illegible] جان بجان آفرین سپرد مزارش در دهلی است چهل و نه سال عمر یافت ۱۲ [illegible]

بعد وفات همایون شاه پسرش [illegible]

۱۷۶

[illegible]

قطعه سابع

اکبر آن اہل دولت اکبر — شد بزور از الفنا جنت و آه
بسال تاریخ رحلتش سرور — گو شہنشاه شاه والا جاه ۱۰۱۴

تاریخ ولادت و وفات نور الدین محمد جہانگیر بادشاه که ولادتش در سال نہصد و ہفتاد و ہفت و وفات در سنه یکہزار و سی و شش بوقوع آمد

جہانگیر جہان فضل است — جہان گیر آن شه با عز و توقیر
جہان گیر آفتاب حسن مولی است — سخنے در باب تولیدش چو تقریر
وصال آن شه ذی مرتبت خواه — ز نور علم نور الدین جہان گیر ۱۰۳۶
بمن ظل آسمانی واسطے جود — بسال رحلت آن شاه تحریر
سخے عابد جہان گیر است وصالش ۱۰۳۶ — دگر نیکو شہنشاه جہان گیر ۱۰۳۶

قطعه ثانی

آن جہانگیر بادشاه جہان — آنکه وصفش برون ز تقریر است
سال تولید او اگر خواہے — سرور انجم جہان گیر است ۹۷۷
سن وصالش اگر کنے تحریر — واسطے پاک میر توقیر است ۱۰۳۶

قطعه ثالث

شاه نور الدین روشندل ولے — عادل دین ثانی نوشیروان
شمس انور نور دین تولید وست ۹۷۷ — باز فیاض یگانه شد عیان
سے شود پیدا اکریم اہل خلق ۱۰۳۶ — بہر سال ارتحال آن جوان

تاریخ ولادت و وفات شہاب الدین محمد شاه جہان بادشاه که ولادتش در سال یکہزار و وفات وے در سنه یکہزار و ہفتاد و شش بوقوع آمد

شاه والا مالک اقلیم ہند — آن شہاب الدین شه و در زمان
اہل دل رستم قوی دل گفته ام ۱۰۰۰ — سال تولیدش به قول جا بجان
رحلت آن بادشاه اعلی جناب — شد عیان مشکلکشا شاه جہان
بازگو سال وصال آن جناب — نور اہل دین شہنشاه جہان ۱۰۷۶

قطعه ثانی

بعد وفات اکبر شاه [illegible] ۱۰۳۷ وفات [illegible] برتخت ہندوستان اجلاس کرده تا سی دو سال سلطنت کرده بدست عالمگیر اورنگ زیب پسر خود مقید گشت و در حالت نظر بندی وفات یافت و مزارش در آگره نمایان گاه خلق است ۱۲

به تقدیر آن قادر ذوالجلال	چو رفت از جهان آه شاه جهان
رقم کرده سرور تاریخ او	شه اهل دین شاه شاه جهان

تاریخ ولادت و وفات ابوالمظفر محی الدین اورنگ زیب عالمگیر بادشاه که ولادتش در سال یکهزار و بیست و هشت و وفات در سنه یکهزار و یکصد و هژده بوقوع آمد

عاقل و عادل خبر گیرای خلق	شاه عالمگیر اصل عز و جاه
فضل حسن و نیز عتاب شرفت ۱۰۲۸	سال تولیدش عیان شد مثل ماه
رحلت او هست غازی اهل دین ۱۱۱۸	هم ابیه تاج سلطان بادشاه ۱۱۱۸
باز خوان سال وصال آنجناب	شاه با اسلام عالمگیر شاه ۱۱۱۸
ذوالفقار آمد دگر وصلش عیان ۱۱۱۸	از دل سد دریغ افسوس و آه

تاریخ ولادت و وفات محمد معظم شاه عالم بهادر شاه که ولادتش در سال یکهزار و پنجاه و سه و وفات در سنه یکهزار و یک صد و بیست و چهار بوقوع آمد

مهربان بنده پرور اهل جاه	شاه عالم بادشاه بالقا
حافظ دین گشت از سه دو رقم ۱۰۵۳	سال تولیدش بعهد صدق صفا
بار دیگر چو وصال پاک او	از شه دین شاه عالم بادشاه ۱۱۲۴

تاریخ ولادت و وفات محمد معز الدین جهاندار شاه که ولادتش در سال یک هزار و هفتاد و دو و وفات در سنه یکهزار و یکصد و بیست و پنج بوقوع آمد

معز الدین سلطان السلاطین	ولی هند والی شاه سردار
عیان گشت از دل من فیض آفاق ۱۰۷۲	پی تولید او کردم چو تکرار
ز خوشش دیدار ترحیلش عیان است ۱۱۲۵	دگر منعم شهنشاه جهاندار ۱۱۲۵

تاریخ ولادت و وفات جلال الدین محمد فرخ سیر بادشاه که ولادتش در سال یک هزار و نود و پنج و وفات در سنه یکهزار و یکصد و سی و یک بوقوع آمد

نیک سیرت شاه دین فرخ سیر	حق نمای معدلت حق امتزاج
بادشاه حسن رستم شد رقم ۱۰۹۵	سال تولیدش به لوح ابتهاج
سن ترحیلش به اقوال صحیح	هست مصباح جهان فرخ مزاج ۱۱۳۱

تاریخ ولادت و وفات ابوالفتح روشن اختر محمد شاه بادشاه که ولادتش در

سنه ۱۰۶۸ در سال یکهزار و شصت و هشت بعد قید شاهجهان پدر خود و شکست داراشکوه و مراد بخش برادران خود بادشاه شد و نهایت اتباع احکام شرع بادشاهی کرد آخر بعد پنجاه سال و دو ماه مدت سلطنت به بیماری حبس البول وفات یافت ۱۲ سنه ۱۱۱۸ بعد وفات پدر خود عالمگیر و جنگ و جدال برادران خویش و قتل ایشان بر تخت سلطنت اجلاس کرده پنج سال و یکماه سلطنت نمود مزار وی در دهلی بمقام قطب صاحب است و این بادشاه مذهب اثنا عشریه داشت ۱۲

سنه ۱۱۲۴ بعد وفات بهادر شاه تخت نشین پسرش جهاندار شاه با مدد ذوالفقار خان امیرالامرا سلطنت اجلاس کرده جهاندار شاه برادر خود محمد فرخ سیر آخرالامر به دست فرخ سیر مقتول گشت ۱۲

سنه ۱۱۲۵ فرخ سیر فرزند عظیم الشان بن بهادر شاه بن عالمگیر است و بعد قتل جهاندار شاه با مدد عبدالله خان و حسین علی خان امیرالامرا بادشاهی سادات بارهه اجلاس تخت نمود شش سال بادشاهی کرد آخر به دست عبدالله خان و حسین علی خان مقتول شد ۱۲

سال یکہزار ویکصد وچاردہ ووفات در سنہ یکہزار وشصت ویک بوقوع آمد

حامی دین روشن اختر بادشاہ ۔۔۔ موج دریای سخا عین الیقین
سال تولیدش باوج عز و جاہ ۔۔۔ شد عیان مہتاب روشن مہ جبین [1114]
شد عیان سلطان اعظم رحلتش [1161] ۔۔۔ ہم مہ روشن محمد تاج دین [1161]

تاریخ ولادت و وفات مجاہد الدین ابو نصر احمد شاہ کہ ولادتش در سال یکہزار ویکصد وچہل ووفات در سنہ یکہزار ویکصد وہشتاد وچار یا ہشت بوقوع آمد

مالک ملک ہند والی دہر ۔۔۔ شاہ ابو نصر احمد عالی جاہ
سال تولید آن شہ عالی ۔۔۔ گو جمال بہشت احمد شاہ [1140]
سن رحلت گر کنی ترقیم ۔۔۔ از شہنشاہ ملت احمد خواہ [1184]

قطعہ ثانی

چون بحکم ایزد قیوم و علام الخبیر ۔۔۔ رفت تا بینا ز عالم آہ احمد بادشاہ
رحلتش مہ وصول مظلم است ای سروران [1188] ۔۔۔ نیز عالم زیب تاج شہنشاہ احمد بادشاہ [1188]

تاریخ ولادت و وفات اعز الدین محمد عالمگیر ثانی کہ ولادتش در سال یکہزار ونود ونہ ووفات در سنہ یکہزار ویکصد وہفتاد وسہ بوقوع آمد

بادشاہ جہان اعز الدین ۔۔۔ اہل تحریر و صاحب تقریر
صاحب فیض حق شود پیدا [1099] ۔۔۔ سال تولید گر کنی تحریر
رفت چون از جہان بخلد برین ۔۔۔ وصل آن بادشاہ با توقیر
فضل ربانی است و پاک نظر [1173] ۔۔۔ ہم شہنشاہ عالم عالمگیر [1173]

تاریخ ولادت و وفات سلطان جلال الدین عالی گوہر شاہ عالم ثانی کہ ولادتش در سال یکہزار ویکصد وچہل ووفات در سنہ یکہزار ودوصد وبست ویک بوقوع

مالک اقلیم دین فرمان روا ۔۔۔ شاہ عالم آن شہنشاہ زمان
سال تولیدش خلیل ملت است [1140] ۔۔۔ مہر فیض آمد گر از دل عیان [1140]
شد چو از دنیا بفردوس برین ۔۔۔ گفت ہاتف از پی تاریخ آن
شاہ عالم شمع نور حق بگو [1221] ۔۔۔ شاہ عالم رستم دین جہان [1221]

تاریخ ولادت و وفات ابو النصر معین الدین اکبر شاہ کہ ولادتش در سال

سنہ ... این بادشاہ فرزند ... بہادر شاہ ... یافتہ ... بادشاہ شد ... پادشاہ ... قتل ... احمد شاہ ... سلطنت ... سال ... بادشاہ شد ... خان ... غازی الدین ... احمد شاہ ... این بادشاہ ... شد

۱۶۹

سنہ ... این بادشاہ فرزند معز الدین جہاندار شاہ است بعد نابینائی احمد شاہ بادشاہ شد در پنج سال و ہفت سال پادشاہی کرد آخر بگفتہ عماد الملک مہدی قلیخان پادشاہ را در کوتلہ بقتل رسانید و شاہجہان ثانی را بر تخت نشاند در بنگالہ شاہ عالم ثانی پادشاہ گردید و سلطنت بر شاہ عالم قایم ماند ۱۲۰۳ سنہ

این پادشاہ فرزند عالمگیر ثانی است در زمانہ او فتنہ بسیار شورش در ملک ہند افتاد آخر قادر خان پادشاہ را نابینا کرد و بیدار بخت را پادشاہ ساخت اما بسبب قتل قادر خان بخت بیدار نماند آخر قبضہ اہل فرنگ بر دہلی شد

۱۲

گشت جوان مرگ و لم سال او	گفت بلا اہل ستم نامراد

تاریخ وفات سلطان نظام شاہ بہمنی کہ در سال ہشتصد و شصت و ہفت بوقوع آمد

رفت چو سلطان نظام از زمین	سال وصالش بصد آہ و فغان
گلشن زینت ز قلم شد رقم	نیز جوان رفت جوان از جہان

تاریخ وفات سلطان شمس الدین محمد بن ہمایون بہمنی کہ در ۸۸۷ بوقوع آمد

پہلوا فگن گشت و [illegible]	چون محمد شاہ شاہ اہل جاہ
گشت روشن سال تاریخش بدل	شمس بزد و آسمے محمد بادشاہ

تاریخ وفات محمود شاہ بن محمد شاہ بہمنی کہ در سال نہصد و بیست و چہار بوقوع آمد

چون شہ محمود سلطان جہان	از جہان سوی لقا رحلت نمود
سال تاریخش دلم با حسال او	گفت کج ناعاقبت اندیش بود

تاریخ وفات احمد شاہ بن سلطان محمود کہ در سال نہصد و بیست و ہفت بوقوع آمد

چون شہ تخت و تاج احمد شاہ	در عدم گشت ناگہان معدوم
ہست بر گشتہ سال تاریخش	بہ گر رفت بندہ مسموم

تاریخ وفات علاء الدین بن احمد شاہ بہمنی کہ در سال نہصد و بیست و نہ بوقوع آمد

بشمشیر قضا و تیغ تقدیر	چو شد بیل علاء الدین مقتول
ندا شد بہر سال قتل آن شاہ	زہے در شاہ والا جاہ مقتول

قطعۂ ثانی

شاہ دکن چو رفت ز دنیا بدار باقی	با حال زار و صورت حیران ستم رسیدہ
بینی کہ گشتہ قتل ز دست ناکسے	گفتم بسال قتلش سلطان ستم رسیدہ

تاریخ وفات شاہ ولی اللہ بن محمود شاہ بہمنی کہ در سال نہصد و سی بوقوع آمد

گشت چون مقتول سلطان ولی اللہ	بے گنہ بیجرم و بے تقصیر یا روی و سبب
سال تاریخش بصد افسوس حسرت سرورا	گو ولی اللہ مقتول ز بے ادب

تاریخ وفات شاہ کلیم اللہ بن محمود شاہ بہمنی کہ در سال نہصد و سی و شش بوقوع آمد

چو از دنیا بجنت رفت مسموم	کلیم آن شاہ والا جاہ معزول
رقم شد سن و سال انتقالش	کہ عالی جاہ شاہنشاہ معزول

ذکر خاندان سلاطین عادل شاہی

تاریخ وفات یوسف عادل شاہ بیجاپوری کہ در سال نہصد و شانزدہ بوقوع آمد

یوسف مصر شہنشاہی چو آہ	از فنا بسوی درجنت قدم
دل بسال ارتحالش طرفہ تر	گفت حق بین یوسف مصر کرم

تاریخ وفات سلطان اسمٰعیل عادل شاہ کہ در سال نہصد و چہل یک بوقوع آمد

چون بصد اعزاز و اکرام از جہان	رفت اسمٰعیل اہل مکرمت
سال تاریخش ز طبع روشنم	شد عیان مصباح نور معدلت

تاریخ وفات ابراہیم شاہ بن اسمٰعیل عادل شاہ کہ بسال نہصد و شصت و پنج بوقوع آمد

شد چو ابراہیم از دار فنا	دل بسال رحلت آن اہل جاہ
ماہتاب الور ابراہیم گفت	نیر سلطان میر ابراہیم شاہ

تاریخ وفات سلطان علی بن ابراہیم شاہ عادل کہ در سال نہصد و ہشتاد و ہشت بوقوع آمد

رفت از دار فنا سوی بہشت	چونکہ آن اعلی علی عالی قدر
سال وصل او ست فیاض زمن	عرش علی بہشتی عالی قدر

قطعہ ثانی

چونکہ شمشیر قضای آلہ	شاہ علی میرزبان شد شہید
سال وصالش چو بجستم ز دل	گفت بگو شاہ جہان شد شہید

تاریخ وفات ابراہیم عادل شاہ ثانی بن طہماسپ بن ابراہیم عادل شاہ اول کہ در سنہ بوقوع

چو ابراہیم ثانی شاہ ذی جاہ	ز دنیا شد بخلد جاودانی
ندا آمد بہ سال انتقالش	کہ قطب الہند ابراہیم ثانی

ذکر سلطنت نظام شاہی بحری

تاریخ وفات نظام الملک احمد شاہ بحری کہ در سال نہصد و چاردہ بوقوع آمد

شاہ احمد خاندان ذات آلہ	شد چو از دنیا بہ فردوس برین
ذوق حق شد سال تاریخش عیان	ہم گدای احمدی خاقان دین

تاریخ وفات برہان نظام الملک بن احمد شاہ کہ در سال نہصد و شصت و یک بوقوع

چون شہ برہان شہنشاہ جہان از دنیا	زین جہان پربلا گردید در جنت مقیم

گو شہنشاه کریم بو فضائل کن رقم ۹۶۱ | جلتش ہم حسب معلی شاه برہان الکریم ۹۶۱

تاریخ وفات حسین نظام شاه بحری که در سال نہصد و ہفتاد و دو بوقوع آمد

چون حسین از عالم دنیا برفت | ہست تاریخش بقول اہل راز
اہل دین مرد جوان دولت حسین | باز گو میر امارت بے نیاز

تاریخ وفات مرتضے نظام شاه بن حسین که در سال نہصد و نود و شش بوقوع آمد

لطف مرتضے چون مرتضے شاه | بجنت شد روان با فضل مولے
بگو تاریخ او فیاض عادل ۹۹۶ | بخوان سه روز دوبار افضل مولے ۹۹۶

تاریخ وفات میران حسین بن مرتضی شاه که در سال نہصد و نود و شش بوقوع آمد

چون پدر کش آن شه میران بمرد | داد یکسر دین و دنیا را بباد
سال قتل او عیان شد از خرد | حیف بیدین پدر کش نامراد ۹۹۶
بار دیگر نوجوان مقتول شد ۹۹۶ | ہم سال رحلتش آمد بیاد

تاریخ وفات برہان نظام شاه بن حسین نظام شاه که در سال یکہزار و سه بوقوع آمد

نظام دین و دنیا شاه برہان | ز دنیا شد چو با صد عز و اقبال
تاریخ وصال آن شه دہر | بگو برہان ملت بحر اجلال ۱۰۰۳

تاریخ وفات برہان نظام شاه بن برہان شاه که در سال یکہزار و سه بوقوع آمد

چو ابراہیم شد در جنگ مقتول | بجنت رفت از دین و دہر دنیا تا
تاریخ وصال آن شه دہر | رقم شد رفت ابراہیم جانباز ۱۰۰۳

ذکر خاندان سلطنت قطب شاہی

تاریخ وفات سلطان قلی قطب شاه که در سال نہصد و پنجاه بوقوع آمد

قطب شاه جہان چو از تقدیر | از جہان جست سوی جنت ۹۵۰
گو ابو الفضل سال وصلش نیز ۹۵۰ | سعد دین بود قطب شاہ شاه ۹۵۰

تاریخ وفات جمشید قطب شاه که در سال نہصد و پنجاه و ہفت بوقوع آمد

شه جمشید جم دولت شه دہر | ز دنیا بر درخت خود به جنت
وصال پاک او بہشت است ۹۵۷ | دگر قطب الحسن تنہا ولایت ۹۵۷

تاریخ وفات سلطان ابراہیم قطب شاه که در سال نہصد و ہشتاد و نه بوقوع آمد

سال به کمال استقلال بادشاه شد و بست و چهار بادشاہی کرد آخر از دست میران حسین پسر صلبی خود به قتل رسید و پسر او را به برزین در گوه کشت ۱۳ سنه بعد قتل پدر رقو و بادشاه گردید و سه روز و دو ماه بادشاہی کرد آخر از دست مرزا خان وغیره امرای دربار کشته شد ۱۳ سنه بعد قتل میران حسین برہان نظام شاه برادر مرتضے شاه بادشاه شد و مذہب اثنا عشریه را رواج داد و اسماعیل شاه پسر خود را که داعیه سلطنت داشت بقتل رسانید و چهار سال و پانزده روز

چون ز دنیا سوی عقبی رخت بست	شاه ابراهیم شاه اہل جاه
سال وصل اوست فیاض زمان	نیز زیبا تاج ابراهیم شاه

تاریخ وفات محمد قلی شاه بن ابراهیم شاه که در سال یکهزار و بست و یک بوقوع آمد

محمد رفت چون از دار فانی	وصال آن شه دین شاه فیاض
ز قطب فضل و مفضل عام جستم	دگر بار ز عالی جاه فیاض

تذکرهٔ شاهان گجراتی

تاریخ وفات مظفر شاه گجراتی که در سال هشتصد و چارده بوقوع آمد

چون مظفر وے به فتح و ظفر	از جهان گشت و اصل عنبات
تاج بهجت بخوان بتاریخش	هم بخوان اصل عالم گجرات

تاریخ وفات سلطان احمد شاه گجراتی که در سال هشتصد و چهل و شش بوقوع آمد

شد چو احمد شه و لایت خلد	رحلت آن شه معلے جاه
اہل دل اہل نصرت است بخوان	نیز والے دولت احمد شاه

قطعهٔ ثانی

شد چو از دنیا بخلد جاودان	شاه دین احمد وے اہل عروج
سال ترحیلش بسر و رشد جهان	تاج دین احمدی اہل عروج

تاریخ وفات محمد شاه بن احمد شاه گجراتی که در سال هشتصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

راہ جنت چو شد با عز و شان	آن محمد بادشاه والے تاج
سال تاریخ وصالش طرفه تر	دان محمد پادشاه والے تاج

تاریخ وفات قطب الدین بن محمد شاه که در سال هشتصد و هفتاد و سه بوقوع آمد

بجنت رفت از دنیاے فانی	چو قطب الدین شه فرخنده آئین
بخوان دریاے رحمت رحلت او	دگر حبل المتین قطب السلاطین

تاریخ وفات محمود شاه بیگره گجراتی که در سال نهصد و هفده بوقوع آمد

چو شد محمود گویان ز دار فنا	شه دهر محمود اندر جنان
وصالش بگو عزت و دولت است	شهنشاه محمود محسن بخوان

تاریخ وفات مظفر شاه گجراتی که در سال نهصد و سی و دو بوقوع آمد

رحلتش نور علی نور است و تیز — ناصر دین نبی اهل فلاح

تاریخ وفات شجاع بیگ المشهور شاه بیگ ارغون که در سال نهصد و سی بوقوع آمد

چون بتقدیر خدای ذوالجلال — گشت راهی سوی جنت شاه بیگ
سال تاریخ وصالش از خرد — شد عیان سلطان بدولت شاه بیگ

تاریخ وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال نهصد و شصت و دو بوقوع آمد

چو منزل گزین شد بخلد برین — ازین دهر برچید دامان حسین
بصد حسن تاریخ وصلش بگو — امیر جهان تاج احسان حسین

تاریخ وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال نهصد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

ایچ عیسی ست بچرخ چهارمین — چون نکو آئین عیسی ترکمان
گنج بخش آمد وصال او ز دل — هم محب دین عیسی ترکمان

تاریخ وفات سلطان محمود بهکری که در سال نهصد و هشتاد و دو به وقوع آمد

چون برو گشتند از حد حملهای اکبری — سلطنت را داد خود اندر جهان محمود رفت
سال تاریخش بسر و راند دل پر درد خو — شد عیان محمود وای جهان محمود رفت

تاریخ وفات میرزا باقی ترخانی ترکمانی بن شاه حسین که در سال نهصد و نود و سه بوقوع آمد

چو باقی بدار البقا رخت بست — بجز نام باقی نماندش نشان
تاریخ آن پهلوان شیرگیر — بیان شد ز سرور تهمتن زمان

تاریخ وفات میرزا جانی ترخانی برادر میرزا باقی که در سال یکهزار و نه بوقوع آمد

چو جانی داد جان خود بجان بخش — بجنت رفت با نیکو ترا حوال
ز جانی فخر دنیا جو وصالش — دگر بر گیر جانی فخر اجلال

ذکر سلاطین ملتان

تاریخ وفات سلطان قطب الدین لنگاهی ملتانی که در سال هشتصد و هفتاد و چار بوقوع آمد

قطب دین شاه زمان قطب جهان — قطب جنت شد چو با صد افتخار
خیر دین گو رحلت آن پادشاه — هم بجان قطب السلاطین شهسوار

تاریخ وفات شاه حسین لنگاهی ملتانی که در سال نهصد و چار یا هشت بوقوع آمد

چون ز دنیا یافت حسن عاقبت — شاه محسن صاحب حشمت حسین

رحلتش فرما این نیکوخصال ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ هم حسن محسن جوان دولت حسین

قطعهٔ ثانی

بحکم خداوند ملک و ملک ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ ز دنیای دون شد بجنت حسین
ز دل شد پی سال وصلش ندا ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ که عالی مکان حسن دولت حسین

تاریخ وفات محمود بن فیروز بن حسین لنگاهی که در سال نهصد و سی و یک بوقوع آمد

ز دنیا رفت در خلد معلی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ چو آن محمود شاهنشاه مسموم
بتاریخش خرد فرمود سرور ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ بگو شد شاه حق آگاه مسموم

ذکر شاهان کشمیر جنت نظیر

تاریخ وفات راجه رنجن بو المخاطب به سلطان صدر الدین که در سال هفتصد و بیست و ... بوقوع آمد

ز دنیا چو به صدر جنت نشست ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ شه دین و سلطان صدر دنیا و دین
وصالش ز منصور ناصر بجو ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ دگر جهر بان صدر دنیا و دین

تاریخ وفات شاه میر شاه بادشاه کشمیر که در سال هفتصد و چهل و هفت بوقوع آمد

سفر کرد چون شاه میر از جهان ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ ز حق یافتا در قصر فردوس جا
شد در سال ترحیل او جلوه گر ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ امیر جهان گیر اهل صفا

تاریخ وفات سلطان جمشید بن شاه میر که در سال هفتصد و چهل و هشت بوقوع آمد

چو آن جمشید ذیشان شاه جمجاه ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ شد از دست علی مجروح و مقتول
ز حشمت سال ترحیلش بجستم ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ دگر آمد ندا مقتول موصول

تاریخ وفات سلطان علی کشمیری که در سال هفتصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد

علی اعلی لقب سلطان عالی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ چو با قدر معلی در جنان شد
ز عالی مرتبه جستم وصالش ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ دگر باره شه جنت عیان شد

تاریخ وفات سلطان شهاب الدین کشمیری که در سال هفتصد و شانزده بوقوع آمد

ز دنیای دون یافت در خلد جا ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ چو آن شاه دین اهل دولت شهاب
بتاریخ ترحیل او ہاتفم ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ بگفتا بخوان زیب جنت شهاب

قطعهٔ ثانی

گذشت چون سلطان شهاب اهل دین ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ از جهان بر اوج جنت بهره یاب

۱۹۷

[illegible]

قطعهٔ ثانی

جای خود در دید در خلد برین | چون محمد آن شه روشن ضمیر
سال تاریخ وصالش سر ورا | گو محمد شاه دین میر کبیر

تاریخ وفات شمس الدین بن محمد شاه که در سال نهصد و چهل و پنج بوقوع آمد

شد چو از عالم بصد عز و وقار | سیر اکبر شاه شمس الدین سعید
فخر دنیا گو وصال پاک او | بار دیگر شاه شمس الدین سعید

تاریخ وفات اسماعیل شاه بن محمد شاه که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد

شاه والا جاه اسماعیل شاه | چون دین و دنیای دون مسموم گشت
رحلتش فیاض دانا شد رقم | بار دیگر از جهان معدوم گشت

تاریخ وفات نازک شاه بن فتح شاه که در سال نهصد و پنجاه و هفت بوقوع آمد

رستمانه بملک جنت رفت | چون سخی پادشاه نازک تن
دانی فضل گو تاریخش | هم توی پادشاه نازک تن

تاریخ وفات شاه چک غازی کشمیری که در سال نهصد و هفتاد و یک بوقوع آمد

چونکه غازی چک ازین فانی مقام | رفت با اعمال در دار الجزا
سال مرگ آن شه اهل ستم | ظالم است ای یار پاک قضا

تاریخ وفات حسین شاه چک که در سال نهصد و هفتاد و هفت بوقوع آمد

ز دنیا چو شد با هزاران الم | حسین آن غضبناک اهل التشیع
تاریخ آن اهل جور و جفا | خرد گفت سفاک اهل التشیع

تاریخ وفات علی شاه برادر حسین شاه که در سال نهصد و هشتاد و شش بوقوع آمد

چون علی اعلی مراتب پادشاه | از جهان با حسرت و غم آه رفت
سال تاریخش به طرز طرفه تر | هاتف فرمود سرور شاه رفت ۹۸۶

تاریخ وفات یوسف شاه بن علی که در سال نهصد و نود و نه بوقوع آمد

شد چو یوسف ازین سرای سپنج | در بقا زد قدم بپای ثبات
چشم زخم است رحلت آن شاه ۹۹۹ | هم دگر بار رافع الدرجات ۹۹۰

مختار کل ریاست غازی چک بود ... بعد محمد شاه پادشاه شد ... [illegible]

۱۹۶

[illegible]

ذکر شاهان عثمانیہ سلاطین روم

تاریخ وفات امیر سلیمان ابوالآبای شاهان عثمانی که در سال ششصد و بیست و شش بوقوع آمد

سلیمان چو بر تخت جنت نشست	بتاریخ او شد ندا از ضمیر
بیکے قبلۂ اہل جنت بگو (۶۲۶)	دگر سایۂ حق سلیمان امیر (۶۲۶)

تاریخ ولادت و وفات سلیمان بن طغرل بن سلیمان بادشاه اول از سلاطین عثمانیہ که ولادتش در ۶۵۶ھ و وفات در سنه ہفتصد و بیست و شش بوقوع آمد

امیر جہان بانے خاندان	شه دهر عثمان اہل کمال (۶۵۶)
تبولید آن شاه دولت پناه	زبید از دولت بجوسن و سال (۶۲۶)
بتاریخ ترحیل او دین پرست (۷۲۶)	بخوان بار دیگر عدیم المثال (۷۲۶)

قطعہ ثانی

رفت چون عثمان چو عثمان در بہشت	سال وصل آن شه روی زمین
از دلم آمد عیان عثمان بحیب (۷۲۶)	گشت پیدا باز شاهنشاه دین (۷۲۶)

تاریخ ولادت و وفات سلطان ارخان بن عثمان که ولادتش در سال ششصد و هشتاد و یک و وفات در سنه ہفتصد و شصت و یک بوقوع آمد

شاه ارخان که ذات اقدس او	حامی دین مصطفی آمد
گشت رافت عیان بتولیدش	همه گر سایۂ خدا آمد
مخزن دین است رحلتش دیگر (۷۶۱)	ارخنہ و شاه مجتبی آمد (۷۶۱)

تاریخ ولادت و وفات سلطان مرادخان بن ارخان عثمانی که ولادتش در سال ہفتصد و بیست و هشت و وفات در سنه ہفتصد و نود و یک بوقوع آمد

شاه عالی شان مراد اہل دل	آنکه با در نسل او دیگر نه زاد
گشت پیدا عارف دین بادشاه (۷۲۸)	طرفه تر تولید آن نیکو نهاد
رحلت پاکش خرد با صد الم	گفت جان اہل جنت با مراد (۷۹۱)

تاریخ وفات سلطان بایزید یلدرم بن مرادخان که در سال هشتصد و پنج بوقوع آمد

بایزید آن شاه اہل عدل و داد	چون به تخت خلد اعلی یافت جا
رحلتش از دل عیان شد جان نثار (۸۰۵)	همه گر اہل صداقت با صفا (۸۰۵)

یکی جاری هست از دل منبع فیض ... دگر اخلاص کش آمد ولادت
بوصل پاک آن سلطان رحم کن ... نهال گلشن اقبال در جنت

تاریخ وفات سلطان احمد خان ثانی عثمانی که در سال یکهزار و یکصد و شش بوقوع آمد

احمد آن حامد خدای کریم ... یافت احمد به بزم احمد جا
اعظم الدین بگو بتاریخش ... منبع فیض احمدی فرما

قطعه ثانی

رفت در بزم احمدی آخر ... احمد آن بادشاه عالی شان
سال تاریخ آن شه والا ... حافظ دین احمد است عیان

تاریخ وفات محمود اول عثمانی که در سال یکهزار و یکصد و شصت و هشت بوقوع آمد

چون شه محمود محمود الخصال ... رفت از دنیا بخلد جاودان
رحلتش محمود ظل الحق بگو ... اهل نعمت عاقبت محمود خوان

قطعه ثانی

اهل محامد شه محمود دین ... گشت چو زین دهر بجنت روان
سال وصال دل بی درد من ... گفت که محمود بهشت آشیان

تاریخ وفات عثمان ثالث که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و یه وقوع آمد

شاه عثمان شه ولایت دین ... شد ز دنیا بجنت الاعظم
سال تاریخ آن شه والا ... هست عثمان دین شه عالم

تاریخ وفات سلطان مصطفی خان ثالث که در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و هفت بوقوع

مصطفی چون آن شه گردون مکان ... یافت در خلد معلی مدعا
رحلتش روشن شد از اوج خرد ... نور دین حامی شرع مصطفی

تاریخ وفات عبد الحمید خان عثمانی که در سال یک هزار و دو صد و سه بوقوع آمد

چو سلطان دین شاه عبد الحمید ... مکان یافت در خلد دنیا بهشت
بتاریخ رحیل آن میر دین ... بگو زیب دین پادشاه بهشت

تاریخ وفات سلطان محمود ثانی عثمانی که در سال دو صد و پنجاه و پنج بوقوع آمد

شاه محمود آن حمید العاقبت ... چون ز دنیا یافت معراج بهشت

سال وصل اوست منظور جہان ۱۲۵۵	بار دیگر جلوہ تاج بہشت ۱۲۵۵

تاریخ ولادت و وفات سلطان عبد المجید خان عثمانی کہ ولادتش در سال یکہزار و دو صد و سی و ہشت یا سی و نہ و وفات در سنہ یکہزار و دو صد و ہفتاد و ہفت بوقوع آمد

وے اہل سیف و قلم بادشاہ	شہنشاہ عبد المجید سعید
شدہ چشمۂ فیض تولید او ۱۲۳۸	وصالش ز بحر سخاوت پدید ۱۲۷۷
و دیگر ...	
دو بار او وصالش نکو اختر ست ۱۲۷۷	دگر غازی الدین عبد المجید

قطعۂ ثانی

شاہ عبد المجید والا جاہ	آنکہ مثلش نبود کس زین بیش
سال تولید آن شہ والا	ہست عبد المجید خیر اندیش ۱۲۳۹
باز جستم ز مظہر اسلام ۱۲۳۸	سال ترحیل آن سعادت کیش
خان عبد المجید عالی شان ۱۲۷۷	رحلتش گفت طبع روشن خویش

ذکر شاہان سور افغان

تاریخ ولادت و وفات شیر شاہ بادشاہ دہلی کہ ولادتش در سال ہشتصد و ہفتاد و ہفت و وفات در سنہ نہصد و پنجاہ و دو بوقوع آمد

شیر شاہ شیر دل شیر دلیر	شیر دین شیر جوان بخت و جوان
بر زمین چون جلوہ گر شد مثل ماہ	شمع زینت شد بتولیدش عیان ۸۷۷
سال وصل او عیان شد از خرد	بادشاہ شیر دل اہل جہان ۹۵۲
باز شد روشن ز دل مہر بہشت ۹۵۲	رحلت آن شاہ دین جنت مکان

تاریخ ولادت و وفات اسلام شاہ بادشاہ ہند کہ ولادتش در سال نہصد و دو و وفات در سنہ نہصد و شصت بوقوع آمد

شہنشاہ اسلام اسلام شاہ	کہ بر اوج دین بود چون آفتاب
زہے بحر الکرامت کشو جلوہ گر ۹۰۲	بتولید او گر شماری حساب
ز دل سال ترحیل او شد عیان	شہنشاہ اسلام عالی جناب ۹۶۰

تذکرہ شاہان ایرانی و کابلی

تاریخ وفات شاہ طہماسپ شاہ ایرانی کہ در سال نہصد و ہشتاد و چار بوقوع آمد

۲۰۱

سور افغان است اول ملازم جمال خان حاکم جونپور بود بعد ازان ملازم دولت خان لودھی صوبہ دار بہار ماند و بعد قتل شیر شیر خان خطاب یافت ... بلازمی بابر ان سرفراز شد و بعد فوت ... بر صوبہ بہار متصرف شد و اجماع کثیر نمودہ بمقابلہ ہمایون پیش آمد و بعد فتوحات پے در پے متصرف مملکت ہند شد و ہمایون شکست یافتہ راہ ایران پیش گرفت و این بادشاہ در عدل گستری ...

علاء الدین نام داشت از اعاظم امرای شاهجهانی است اول کار طبابت میکرد چون دست شفا داشت بعواطف شاهی ممتاز شده بحکومت لاهور مامور شد مسجد جامع هیئنه وی تا حال در لاهور یادگار وی است ۱۲

موسوی خان صدر الصدور ... شاهجهان بود اول بملازمت ... ساکن لاهور و وزیر ... داروغه کتب شاهی شده ... رفته رفته بوزارت رسید ... حویلی نواب سعد اللّٰه خان در لاهور و مسجد جامع در چنیوٹ یادگار وی است ۱۲

بهر باغ جنت چو شد باریاب	وزیر امین میر روشن ضمیر
تاریخ ترحیل او شد عیان	ملکی کمل وزیر ...
تاریخ وفات نواب سعد اللّٰه خان وزیر که در سال یکهزار و پنجاه و شش بوقوع	
یافت ملک خلد از در بار حق	چونکه بعد از وصل سعد اللّٰه خان
رحلتش سر ... گن رقم	نیز صاحب عدل سعد اللّٰه خان ۱۰۵۶
تاریخ وفات نواب علی مردان خان که در سال یک هزار و شصت بوقوع آمد	
امیر صاحب حشمت شیر صاحب ...	ثنا گوی علی و مرد حق آگاه مردان خان
سفر چون کرد از دار فنا سوی بقا آخر	خرد فرمود تاریخش که یا الله مردانخان
تاریخ وفات آصف جاه الهوردی خان ترکمان که در سال یکهزار و شصت و هشت بوقوع	
چون الهوردی امیر با شرف	رفت از دنیا بخلد جاودان
گشت سال ارتحالش جلوه گر	طالب پاک دل امیر ترکمان ۱۰۶۸
تاریخ وفات امیر نصرت جنگ که در سال یک هزار و هفتاد و یک بوقوع آمد	
امیر غازی میدان جنگ نصرت خان	که بود حمله تیغش بجنگ مثل نهنگ
چو خورد ضرب بتیغ فنا ز دست اجل	ندا شد از دل سرور امیر نصرت جنگ
تاریخ وفات سید اسلام خان وزیر شاهجهان که در سال یکهزار و هفتاد و چهار بوقوع آمد	
چون بحکم حق رحیم اهل خلق	شد نهان اسلام فضل ایزدی
رحلتش گو عارف جنت کریم	هم بخوان اسلام فضل ایزدی ۱۰۷۴
تاریخ وفات امیر خان میر میران که در سال یک هزار و هفتاد و هشت بوقوع آمد	
میر میران چو از عطای خدا	شد ز دنیا بجنت ... جلیل
خواجه جنتی است تاریخش	هم بخوان میر عادل ابن خلیل ۱۰۷۸
تاریخ وفات میر خلیل اللّٰه خان ولد میر میران نعمت اللّٰه خان که در ... بوقوع	
داخل جنت چو شد با عز و شان	میر دین واقف خلیل اللّٰه خان
میر نعمت قبله علم آمد سبب	رحلتش عارف خلیل اللّٰه خان ۱۰۸۱
تاریخ وفات شایسته خان ابو طالب آصف خان طهرانی که در ۱۱۰۵ بوقوع آمد	
میر شایسته چو آن شایسته کار	رفت از دنیا بخلد جاودان

سال توصیل آن ذو الاکرام / بست بر وزیر با تدبیر

باز تاریخ رحلتش فرما / شمس عالم وزیر عالمگیر

تاریخ وفات نواب سید محمد قطب الملک که در سال یکهزار و یکصد و سی و هفت بوقوع

چو قطب الملک عبد الله محمد / بجنت شد ز دنیا انتقالش

علام الله و فضل المؤمنین خوان / شهید ذی القدر سال وصالش

تاریخ وفات معتمد الدوله اسحاق خان که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه به وقوع آمد

چون بحکم خالق اهل جهان / شد ز دنیا در جنان اسحاق خان

از لنظر تاریخ ترحیلش بجو / هم بخیابان رکن جهان اسحاق خوان

تاریخ وفات صمصام الدوله محمد عاصم خان دوران که در سال یکهزار و یکصد و پنجاه و یک

چون ز دنیا برفت عاصم دهر / عقل تاریخ او که شایان است

گفت مشتاق برحق است اول / باز دولا ار خان دوران است

تاریخ وفات امیر محمد امین الخاطب ببرهان الملک سعادت خان که در ۱۱۵۱ سنه بوقوع آمد

چو از دهر شد سوی جنت روان / محمد امین میر روشن ضمیر

بتاریخ ترحیل او طرفه تر / بخوان با سعادت امین بشیر

تاریخ وفات ذو الفقار الدوله نجف خان صفوی که در ۱۱۵۶ سنه به وقوع آمد

ذو الفقار آن صاحب سیف و قلم / یافت چون از حق به دار خلد بار

مهر افضل گو وصالش طرفه تر / باز چو سالش زوال ذو الفقار

تاریخ وفات نواب قمر الدین خان وزیر محمد شاهی که در ۱۱۶۱ سنه به وقوع آمد

شد ز دنیا چو در بهشت برین / قمر الدین وزیر نیک اختر

میر افضل بگو بتاریخش / نیر بحر کمال ارشاد قمر

تاریخ وفات ظفر خان امیر محمد شاهی که در سال یکهزار و یکصد و شصت و سه بوقوع آمد

روشن الدوله ظفر خان با ظفر / شد چو از دنیا به جنت باریاب

دل ببال ارتحالش طرفه تر / گفت روشن حامی دین آفتاب

تاریخ وفات اسد یار خان المتخلص به انسان که در ۱۱۶۲ سنه به وقوع آمد

چون سفر ورزید از دنیا اسد / [illegible] مثل شیر در خلد برین

[illegible]

ارتحالش شیر دل شیر حق است ۱۱۶۲	بار دیگر چو زخیمه الاکرمین ۱۱۶۴
تاریخ وفات آصف خان نظام الملک قمر الدین صوبه دار که در سنه ۱۱۶۱ بوقوع آمد	
ناظم دین نظام اهل جهان	شد ز دنیا چو در بهشت برین
سال تاریخ رحلتش سرور	هست اهل جمال ناظم دین ۱۱۶۱
تاریخ وفات ابو منصور صفدر جنگ صوبه اوده که در سنه ۱۱۶۷ به وقوع آمد	
میر منصور چون به صد نصرت	گشت روشن جنت پر نور
دل بتاریخ رحلت پاکش	گفت عادل سخی ابو منصور ۱۱۶۷
تاریخ وفات میر معین الملک المشهور میر منو صوبه لاهور که در سنه ۱۱۶۲ بوقوع آمد	
معین جهان میر والاصفات	چو شد از جهان در بهشت برین
شد از دل بتاریخ ترحیل او	عیان بنده خاص میر معین ۱۱۶۲
تاریخ وفات نواب بکهاری خان مرحوم که در سنه ۱۱۶۳ هجری به وقوع آمد	
سید دین حق بکهاری خان	شد تجلد برین چو از عالم
گفته ام شیخ پارسا تاریخ ۱۱۶۳	کرده ام زینت بهشت رقم ۱۱۶۳
ارتحالش سراج فضل آمد ۱۱۶۳	سید متقی است ای همدم ۱۱۶۳
تاریخ وفات شجاع الدوله جلال الدین حیدر که در سنه ۱۱۶۳ هجری به وقوع آمد	
شجاع شیر دل مردانه دهر	بفضل حق ز دنیا شد بجنت
به تاریخ وصال او رقم کن	امین الله مرد با شجاعت ۱۱۶۳
تاریخ وفات حافظ جمال الدین المشهور حافظ الدها که در سنه ۱۱۸۸ هجری بوقوع آمد	
حافظ قرآن جمال اهل دین	شد چو از دنیای دون با عز و جاه
حق نما حافظ بگو تاریخ او	بار دیگر حافظ عالم پناه ۱۱۸۸
تاریخ وفات نواب آصف الدوله محمد یحیی که در سال یکهزار و دو صد و دوازده بوقوع	
آصف ثانی و سلیمان جاه	شد چو اصل تقرب یزدانی
گفت تاریخ رحلتش سرور	با صفا بتاه آصف ثانی ۱۲۱۲
تاریخ تقرر حکومت رنجیت سنگه در لاهور که در سال یکهزار و دو صد و شانزده بوقوع آمد	
جوان و جوان بخت رنجیت سنگه	شد مالک پنجاب با عز و فر

۲۰۶

[illegible]

وہ بہادر سوچیت سنگھ افسوس — آگے بالا سے کہیت قتل ہوا

بہر تاریخ بولا سرور ہائے — بے بہادر سوچیت قتل ہوا ۱۲۶۱

تاریخ قتل سردار جواہر سنگھ کہ در سال یکہزار و دو صد و شصت و دو بوقوع آمد

پایا غرور سر جب سکھون کا جواہر سنگھ نے — فوج مین پہونچا تکبر اپنا یکسر توڑ کر

مار جب ڈالا گیا آخر تو سرور ہر سال — بولا اہل فوج نے ڈالا جواہر توڑ کر

تاریخ وفات میان محمد بخش صحاف لاہور سے کہ در سال یکہزار و دو صد و شصت و سہ بوقوع آمد

محمد بخش از فضل الٰہی — چو در بزم محمد یافتہ بار

زدل تاریخ سال ارتحالش — ندا آمد محمد بخش و انبدار ۱۲۶۳

تاریخ حاضری شیر سنگھ و چتر سنگھ مفسدان کہ در سال یکہزار و دو صد و شصت و پنج بوقوع آمد

جب آکر چتر سنگھ اور شیر سنگھ — وہ دونون گنہگار حاضر ہوے

وہین سوچ سرور نے تاریخ سال — یہ لکھی کہ لاچار حاضر ہوے ۱۲۶۵

تاریخ جلاوطنی مہاراجہ دلیپ سنگھ کہ در سال یکہزار و دو صد و شصت و شش بوقوع آمد

چون شہ پنجاب از پنجاب رفت — چشمہ سان از چشم مردم آب رفت

عالمے در چشم مردم شد سیاہ — چون ز چشم آن غیرت مہتاب رفت

جامہ گل در ہجر او چور زند گل — بلکہ از نرگس خمار خواب رفت

بلبلان در فرقتش نعرہ زدند — چون ز بستان صحبت احباب رفت

گفت سرور از سر درد این سخن — نو گلے از گلشن پنجاب رفت ۱۲۶۶

قطعہ ثانی

در تاریخ جلاوطنی مہاراجہ دلیپ سنگھ مطابق سمت ۱۹۰۵

چون لارڈ گورنر بہمت خویش — در ملک دلیپ سنگھ تاوان برد

باحیف و باہ سرور آندم نالید — از دست یتیم ناتوان نان برد ۱۹۰۵

قطعہ ثالث

جب تصرف اہل انگلش نے تمام — کر لیا پنجاب مین بے خوف و بیم

سال تاریخ اسکا بولا دل کہ ہای — لٹ گیا ناحق مین ہیوچپا یتیم ۱۲۶۶

تاریخ وفات فقیر نورالدین مرحوم که در سال یکهزار و دو صد و شصت و هشت بوقوع

پرتو افگن گشت بر اوج بهشت | چون جناب نور دین نور یقین
شد چو زاغ دین لباسش جلوه گر ۱۲۶۸ | هم بخوان نور الکرامت نور دین ۱۲۶۸

تاریخ وفات راجه دینا ناته که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد و چهار بوقوع آمد

راجه و دیوان که دینا ناتھ بود | شد چو از دنیاے فانی شادکام
سال تاریخ وفاتش طرفه تر | گفت دل اهل سخاوت نیک نام ۱۲۷۴

تاریخ وفات مهاراجه گلاب سنگه والی کشمیر که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد و پنج بوقوع

گلاب آن شیر دل والے کشمیر | شه کوه و بیابان صاحب تاج
چو رفت از دهر تاریخش عیان شد | امین و مهر دشمن کش مهاراج ۱۲۷۴

تاریخ وفات شیخ امام الدین مرحوم که در سال یکهزار و دو صد و هفتاد و پنج بوقوع آمد

چون امام دین بفضل ایزدے | شد امام روضهٔ خلد برین
هست تاریخ وصالش طرفه تر | حامے شرع امام دین متین ۱۲۷۵

تاریخ وفات راجه تیج سنگه که در سال یک هزار و دو صد و هفتاد و نه بوقوع آمد

نهان شد ز روے نظر مثل ماه | چو برداشت زین جا قدم تیج سنگه
بتاریخ ترحیل او گفت دل | زهے ماهتاب کرم تیج سنگه ۱۲۷۹

تاریخ وفات نواب علی رضا خان مرحوم که در سال یکهزار و دو صد و هشتاد و دو بوقوع

حامے دین علے رضا نواب | فدوے حیدرے فداے علی
رفت چون زین جهان بدار البقا | یافت جاے بقرب جاے علے
گفت سرور بسال تاریخش | اهل دین بنده رضاے علی ۱۲۸۲

قطعهٔ ثانی

حامے دین علے رضا نواب | حق مددگار او بنے حامے
سرور از سال ترحیلش | گفت برضاے علی حامے ۱۲۸۲

تاریخ وفات دیوان امرناته اکبری که در سال یکهزار و دو صد و هشتاد و چهار بوقوع آمد

شد چو در دیوان گه ملک بقا | آه دیوان اکابر امرناتهه
رحلت او فاضل علم اکبری است ۱۲۸۴ | بار دیگر هے شاعر امرناته ۱۲۸۴

تاریخ وفات مفتی غلام رسول لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و هشتاد و هفت بوقوع آمد

چون غلامی از غلامان رسول	گشت در خلد برین مسندنشین
مصرع تاریخ سرور زد رقم	صاحب دین مفتی شرع مبین (۱۲۸۷)

تاریخ وفات مفتی حافظ غلام احمد لاهوری که در سال یکهزار و دو صد و نود و یک بوقوع آمد

چونکه اسپ از جهان بخلد برین	تیز راند حافظ کلام الله
دامن همت خود از دنیا	خوش فشاند حافظ کلام الله
وقت رحلت بیاد خویش آورد	آنچه خواند حافظ کلام الله
نقش هذا فراق بر دلها	بنشاند حافظ کلام الله
سال تاریخ رحلتش سرور	گو نماند حافظ کلام الله (۱۲۹۱)

قطعه ثانی

چون غلام احمد آن مرد خدا	جان سپرد آخر بنام احمدی
وقت رحلت یافت از فضل اله	بادهٔ الفت ز جام احمدی
عام شد زانعام حق بر ذات او	فضل یزدان لطف عام احمدی
سرورا تاریخ سال رحلتش	گو محب حق غلام احمدی (۱۲۹۱)

تاریخ وفات مولوی غلام رسول ساکن قلعه میهان سنگه که در سنه ۱۲۹۱ بوقوع آمد

چون غلام حضرت خیر الرسل	کرد رحلت ازین دنیا نزول
ماند جسمش همچو گنجینه بخاک	روح شد با وصل یزدانی وصول
رفت از دلها قرار از رفتنش	ماند یاران در بیابان جهان ملول
کرد آن فیاض رحلت ای دریغ	آه رفت آن فاضل اهل قبول
مصرع تاریخ او سرور نوشت	بندهٔ مطلوب و مشتاق رسول (۱۲۹۱)

تاریخ وفات شیخ عزیز الدین مهتمم مطبع وکتوریا پریس لاهور که در سنه ۱۲۹۱ بوقوع آمد

عزیز دین ز دنیا رخ بپوشید	ز چشم اهل دین جان رفت افسوس
گل از باغ زمانه روی بنهفت	سهی سرو از گلستان رفت افسوس
جوان بخت بعمر نوجوانی	ز دنیا مثل پیران رفت افسوس
مکان کرد از مکان و در لامکانی	مکین اندر لامکان رفت افسوس

پسری مفتی غلام محی الدین قایم مقام پدر خویش است شوق تجارت دارد ... مصنف کتاب ... قرآن مجید حفظ داشت ... قرآن را بلحن خوش می خواند ... در تلاوت مشغول ... تمام عمر در تعلیم قرآن صرف کرد ... ضیاء الدین و مظفر الدین و فصیح الدین و ضمیر الدین چهار فرزند داشت ... از علمای پنجاب بود فضیلت در فقه و حدیث و تفسیر فاضل کامل بود ... در طریقت نقشبندیه مجددیه

سال تاریخ چلتش سرور — گفت دیدار حق با حمید بخش ۱۲۸۴

تاریخ وفات غلام حسن المتخلص بخرم لاهوری که در سال یکهزار و دوصد و هشتاد و چار بوقوع

شد چو خرم با هزاران خرمی — خرم و خرسند در باغ جنان

طوطی طبعم بسال وصل او — گفت بستان عندلیب خوش بیان ۱۲۸۴

تاریخ وفات نواب دبیر الملک اسد الله خان دهلوی المتخلص بغالب که در سنه ۱۲۸۵ بوقوع آمد

چو غالب شهنشاه ملک سخن — زد دنیا ببام فلک خیمه زد

رقم کرد سرور بتاریخ او — که رفت از جهان گنج عرفان اسد ۱۲۸۵

تاریخ وفات میر انیس شاعر لکهنوی که در سنه یکهزار و دوصد و نود و دو بوقوع آمد

رفت چون از جهان بخلد برین — سیر حق بین انیس بزم بهشت

گفت سرور بسال رحلت او — عارف دین انیس بزم بهشت ۱۲۹۲

تاریخ وفات میرزا دبیر شاعر لکهنوی که در سال یکهزار و دوصد و نود و دو بوقوع آمد

چون دبیر از دار دنیا رخت بست — رحلت آن شاعر روشن ضمیر

گو دبیر المومنین مرد خدا ۱۲۹۲ — بار دیگر شاعر ارشد دبیر ۱۲۹۲

قطعهٔ ثانی

دبیر سخن گو چو رفت از جهان — بتاریخ آن مرد روشن ضمیر

عیان گشت توقیر هندوستان ۱۲۹۲ — دوباره سخن گوی رنگین دبیر ۱۲۹۲

قطعات تاریخ که بعد تحریر کتاب درج شدند

قطعهٔ تاریخ قتل لارڈ میو صاحب بهادر گورنر جنرل هند که در سنه ۱۲۸۹ه بوقوع آمد

جناب میو صاحب لارڈ هند — شد از دست ستمگر کشته افسوس

به بیرحمی گورنر گشت مقتول — شد آن والی کشور کشته افسوس

چراغ خانهٔ هندوستان شد — ز جور باد صرصر کشته افسوس

غضب گشت آنکه بی یار و مددگار — شد آن سالار کشور کشته افسوس

همای اوج عز و جاه گردید — ز دست مور بی پر کشته افسوس

ز غم جان برلب آمد بندگان را — چو گشت آن بندهپرور کشته افسوس

بظلم آن عدوی تیره طالع — شد آن مهر منور کشته افسوس

سال ۱۲۸۴ زینت بزم شعرای لاهور ... [illegible] ... یگانهٔ نقش ... مثنوی ... وفات ... سال ۱۲۸۵ از امرای ... دهلی ... ۱۲۹۲ ... کلیات ... زینت بزم شعرای لکهنو ...

۲۱۷

... در مرثیه نویسی ید بیضا داشت ... وفاتش در همین زمانه ... سال ۱۲۹۲ این شخص در مرثیه نویسی از همه شعرای عهد خویش ممتاز بود و در رنگین مضامین ... طاق ... دعوی همسری ... بود ۱۲۸۹ میو صاحب بهادر وایسرای هند و گورنر جنرل اقلیم هند بود ... شیر علیخان ... بمقام جزیرة المشهوره کالا پانی کشته شد ۱۲

غریق بحر غم شد خلق چون گشت — چنین پاکیزه گوہر گشتہ افسوس
ہمہ سبز سران دہر با ہم — چو از سر گشت افسر گشتہ افسوس
بچرخ آمد ز داغ غم دل چرخ — چو شد آن ماہ پیکر گشتہ افسوس
شد از خشم غم آن کجان عالم — جہان بی تیغ و خنجر گشتہ افسوس
دل بلبل ز داغ ہجر گل خورد — ز گلچین شد گل تر گشتہ افسوس
فغان زد سرور آخر انہ سر آہ — کہ شد ناحق گور در گشتہ افسوس ۱۲۹۳

تاریخ وفات مہاراجہ مہندر سنگھ بہادر والئے پٹیالہ کہ در ۱۲۹۳ھ بوقوع آمد

مہندر سنگھ کرد از دہر رحلت — بلاہور جنگ مرد پہلوان مرد
بسال رحلتش سرور بنالد — کہ رستم دل مہاراجہ جوان مرد ۱۲۹۳

ایضاً مطابق ۱۸۷۶ء

افسوس کہ در موقع ایام جوانی — از ملک جہان والی پٹیالہ دوان رفت
تاریخ جوان مرگے آن والی اقلیم — دل گفت مہاراجہ فیاض زمان رفت ۱۸۷۶

تاریخ وفات رئیس نامدار دیوان کرپا رام صاحب وزیر سرکار مہاراجہ جموں کشمیر

زینت دیوان عالم فخر دیوانیان — یعنی کرپا رام دیوان صاحب نام و نشان
آن امیر ابن امیر و آن وزیر ابن وزیر — صاحب تدبیر عالمگیر و عالی خاندان
صاحب دولت جوان طالع علو المنزلت — اہل علم و اہل فضل و افسر دانشوران
در اطاعت خاک بوسش و آسمان زمین — خم بپیش آستانش گردن گردن کشان
رفتہ پوشید از عالم رخ پر انوار خویش — ہمچو مردم شد نہان از چشم مردم ناگہان
شد دل دریا دل بجوش آتش آمد بجوش — دیدہ ہا چون ابر گوہر بار شد گوہر فشان
چار سو ہنگامہ شد گرم در پنجاب کرد — نالہ و زاری و آہ و شور و فریاد و فغان
سینہ چاک انداز پریشانی چو زلف تابدار — در زمانہ نیک و بد پیر و جوان خرد و کلان
سرور غمگین بصد حسرت پی تاریخ سال — گفت کرپا رام دیوان فخر رفت از زمان ۱۸۷۶

تاریخ وفات محمد سلطان خان رئیس اعظم لاہور

آہ صد افسوس کان سلطان والا منزلت — رفت از ملک جہان آخر باقلیم جنان

مہاراجہ مہندر سنگھ فرمان فرمائے علاقہ پٹیالہ بود ... فیاض علم دوست ... ۱۳۱۸

۲۱۹

چشمهٔ فیض از زمین مسدود شد واحسرتا | آه شد بسته آب از پنجاب دریای روان
گشت پنهان صورت گنجینهٔ جسمش در زمین | جان پاکش کرد پیدا از زمکان بالا مکان
در غمش پیر و جوان یک حشر برپا ساختند | نوحه‌ها کردند اندر ماتمش خرد و کلان
هست باقی ذکر خیرش در گروه اهل خیر | ماند نام نامیش مذکور در نام آوران
بهر سال رحلتش سرور ز کلک اشکبار | شد عیان با پیش [illegible]

ایضاً

چو سلطان اقلیم دانشوری | به نیکو خصائل [illegible]
نهم کرد سرور پی تاریخ سالی | که سلطان عالی [illegible] رفت

تاریخ تشریف آوری شهزاده ولی عهد پرنس آف ویلز بهادر در اقلیم هندوستان
که در سال یکهزار و هشتصد و هفتاد و شش به وقوع آمد

چو در هندوستان ولی عهد شاه انگلستان آمد | بگوش مردم از هر سو صدای مرحبا آمد
عیان برج نیکو اختری شمس الضحی آمد | برون از مطلع عز و شرف بدر الدجی آمد
چنان پیدا ز لندن با دبابش در هوا آمد | که در یک یک قدم بنا و پناهی بادپا آمد
عجب از خطهٔ انگلند شد بحر عطا جاری | عجب از سرزمین لندن ابر سخا آمد
امیری تاجداری شهسواری بخت بیداری | جوانی پهلوانی مهر باسی مه لقا آمد
شه عالم پناهی کج کلاهی عرش درگاهی | بحمد الله که در ملک هندوستان فضل خدا آمد
نرفت از فیض آن سرچشمهٔ جود و کرم بیرون | که در دربار [illegible] گدائی بی‌نوا آمد
بگوش هر که رفت از مقدم این شاه ایما | ز سر پا کرد و در خدمت به صدق و صفا آمد
ندارد در جهان این گنج بخشش هیچ ثانی | که از گنجینه‌اش صد گنج گوهر یافت یا آمد
گند راندر تکان خویش کرد این صاحب کنت | همین خانه با اقبال و دولت سرا آمد
پی سر اهل غم سرتا پا شد مقدمش راحت | ز دیدار صفا بخشش بلا رفت و شفا آمد
ندا آمد ز هاتف بهر سال مقدمش سرور | ز لندن تاجدار دولت و کتوریا آمد ۱۸۷۶

تاریخ اخذ خطاب شاهنشاهی هندوستان حضرت ملکهٔ معظمه وکتوریه که در سنه ۱۸۷۶ء بوقوع آمد

یافت تاج اقتدار و افتخار اقلیم هند | چون شاه انگلستان شاهنشاه عالی جاه رفعت
از دل سرور پی تاریخ سال این نوید | شد ندا وکتوریه در هند شاهنشاه شد ۱۸۷۶

[illegible] سال [illegible]

ملکهٔ معظمه کوئین وکتوریا بادشاه هند و انگلند درین سال اطلاق خطاب شهنشاه هندوستان برخود کرده ۱۲

خاتمة الطبع

حمد بجناب کردگار خالق اللیل والنہار کہ درین حین فرح آئین کتاب لاجواب مسمی بہ گنجینۂ سروری معروف بہ گنج تاریخ مصنفہ عالی گہر سخنور نامور مفتی غلام سرور صاحب لاہوری متضمن قطعات تاریخ ولادت ووفات حضرت سرور کائنات علیہ الصلوٰۃ والسلام واصحاب کرام وائمہ عالی مقام ومشائخ عظام سلاسل عالیہ قادریہ وچشتیہ ونقشبندیہ وسہروردیہ وبزرگان خاندانہای متفرقات ونساء عارفات ومجانین ومجاذیب وخلفای بنی امیہ وعباسیہ وسلاطین غزنویہ وغوریہ وخلجیہ وتغلقیہ وخضر خانیہ ولودیہ وچغتائیہ وبہمنیہ وعادلشاہیہ ونظام شاہیہ وقطب شاہیہ وگجراتیہ ومالویہ وبرہان پوریہ وخاندیسیہ وپوربیہ وشرقیہ وجونپوریہ وشاہان سندھ وٹھٹھہ وکشمیر وسلاطین عثمانیہ رومیہ وافغانان سوریہ ودرانیہ وبارکزئیہ وتذکرہ امرای نامدار وشعرای ذوی الاقتدار یار دوم در مطبع نامی منشی نولکشور واقع لکھنؤ بماہ نومبر ۱۸۸۹ء مطابق ماہ ربیع الاول ۱۳۰۷ ہجری حلیۂ انطباع پوشید والله الموفق والمعین وبہ نستعین

قطعات تاریخ طبع سابق از نتائج طبع مفتی غلام صدر صاحب لاہوری تخلص فوقانی مصنف کتاب

گنج تاریخ است رنگین نسخۂ نادر کتاب	دفتر فہم وذکا مجموعۂ سبالاترے
بوالعجب تاریخ تاریخ شہان باوقار	طرفہ ذکر اولیاے امت پیغمبرے
گنج صورت گنج معنی گنج علم وگنج فضل	بحر حسن ومعدن خوبی وکان بہترے
وقت تحریرش بہ تحریر مضامین بلند	جست کلک تیز زبان باشاخ طوبی ہمسرے
نامۂ نامی ست بہر انکشاف جملہ حال	جام جمشید است یا آئینۂ اسکندرے
در بہار این چمن خللی نبیند از خزان	رنگ وبوی این گلستان از نقصان برے
سرور لاہوری این گنج لطافت جمع کرد	آنکہ در ملک سخن دارد بسر تاج سرے
مثل صاحب ساز اصحاب دارد این اہل سخن	ہست طبع روشنش روشن چو طبع انورے
سال طبعش جست فوقانی چو آخر از سروش	گفت گویا گنج سفینۂ نسبت گنج سرورے ۱۲۹۴

از مفتی غلام حیدر صاحب تخلص حیدر لاہوری خلف مصنف کتاب

چو شد مطبوع طبع اہل اکرام	دوبارہ گنج دولت گنج تاریخ

از مفتی غلام اکبر صاحب تخلص کیفی فرزند دلبند مصنف کتاب

دوسری بار جب ہوئی کہ مطبوع
یہ گنج تاریخ یہ نئی تاریخ
پہلے اس سے تمام دنیا میں
ایسی ہرگز کوئی نہ تھی تاریخ
کہیں مذکور ہے مشائخ کا
کہیں شاہوں کی ہے لکھی تاریخ
کیسی نادر ہوئی ہے یہ تصنیف
[illegible]

رسالۂ علم موسیقی - مصنفۂ مولوی محمد عثمان قیس کاغذ سفید وحنائی -

رسالۂ اوزکدہ فن معامین از مولوی محمد عثمان شہید - کاغذ سفید -

افشاے اسرار فریمشن - تاثیری حالات حالت فریمشن از منشی ظہیر الدین -

دانش نامۂ جہان - ہر شے کی آفرینش بطور حکمت فلاسفہ - از عنایت اللہ -

دبستان مذاہب عقائد مذہبیہ اقوام مختلف -

رسالۂ منازعت تقدیر و تدبیر - از مولوی نجم الغنی -

مخزن العلوم - مع نقشہ -

قول فیصل غریب - رسالہ ہو دربارہ محاکمہ از کلام شیخ میان علی حزین اہل زبان بمقابلۂ ارتفاع اعتراضات سراج الدین علی خان آرزو جو کلام شیخ پر وارد کیے از مولوی امام بخش صہبائی -

مخزن اسرار صہبائی - یہ رسالۂ نادرہ مصنفۂ سرآمد سباقان معرکۂ نکتہ پیرائی جناب مولانا امام بخش صاحب مغفور المتخلص بہ صہبائی دہلوی متضمن فنون معما بہ مصطلحات فارسی دانی لائق انتخاب کہ جو بطور تمثیل اسامی مذکور و معروف ہی -

رسالۂ جواہر منظوم صہبائی مصنفۂ مولوی امام بخش مغفور المتخلص بہ صہبائی دہلوی در رباعیات علم معما -

رسالۂ گنجینۂ رموز صہبائی - مصنفۂ ماہر علوم وفنون شاعر نامدار نازک خیال سخن سنج مولانا امام بخش مغفور متخلص بہ صہبائی دہلوی معروف درباب فنون معما و مصطلحات -

مطلع العلوم ومجمع الفنون - ہر علم و فن کا ذکر - از مولوی واجد علی -

تواریخ شاہان وراجگان وغیرہ

اکبر نامہ - کامل ہر سہ دفتر واضح قلم و خوش خط مصنفۂ شیخ ابوالفضل وزیر اکبر بادشاہ مشہور و معروف تاریخ ہو یعنے (۱) دفتر مین ذکر ولادت اکبر شاہ اور (۲) دفتر مین انتظامات اور وضع تاریخ جدید الٰہی وغیرہ (۳) دفتر مین فتوحات ملکی کا ذکر -

آئین اکبری - ہر سہ دفتر کامل با تصویرات و نقشجات مختلف رنگ کے حسب موقع سرخ و سبز وسیاہ مصنفۂ شیخ ابوالفضل وزیر اکبر شاہ (۱) آئین مین آئین خزانہ آبادی و جواہرات و دار الضرب وغیرہ (۲) آئین مین قوانین متعلقہ صوبہ او ومہ (۳) آئین مین انتظامات متفرقہ کے قواعد -

تاریخ فرشتہ - دو حصہ مین یک جائی کامل و مشہور و معتبر تاریخ کی کتاب جسمین حالات راجگان اور سلاطین ہند تا عہد اکبر شاہ بشرح و بسط مرقوم ہین مصنفۂ ملا حیدر قاسم ہندو شاہ استرآبادی -

طبقات اکبری - از مولانا نظام الدین احمد متضمن سات طبقہ -

حدیقۃ الاقالیم - باعتبار تقسیم اقالیم کے ہر اقلیم کے ملکون کے بادشاہون و اہل کمال کا ذکر -

منتخب التواریخ - نہایت عمدہ تاریخ متضمن حالات ہر سنہ کے یعنی ابتدائے احوال نبی اسلامی سے تا اول فتح پنجاب اور ہر ایک کے احوال کے مصابیح مادہ تاریخی واقعات کے اور کتبہ عمارات در مقام اکبرآباد کی تاریخین مولفہ ٹامس ولیم صاحب بہادر -

جامع التواریخ جسمین ابتدائے تخلیق عالم سے احوال پیدائش زمین و آسمان و عرش و کرسی و حالات بعثت انبیا و سائر ائمہ و خلفا و طبقات ملوک و خواقین مع جغرافیہ ہر دیار خوب تحریر کیا ہی تالیف جناب عالم علوم مولوی فقیر محمد صاحب -

سیر المتاخرین جلد اول جسمین لطیف حالات سیر ابی ہندوستان و سلطنت راجگان و اہل اسلام مع جماعت علما و کملا تا سلطان اورنگ زیب عالمگیر مذکور ہین - مصنفہ منشی غلام حسین طباطبائی -

تاریخ دکن - مولفہ مولوی نصیر اللہ خان رحمہ اللہ مفصل حالات دکن -

تاریخ طبری - از شیخ ابو جعفر ابن جریر طبری نہایت عمدہ صحیح تاریخ از ابتدائے خلقت عالم تا مستظہر باللہ عباسی ہر چہار جلد یکجائی -

شاہنامہ فردوسی طوسی مشہور و معروف کامل دو جلد مین -

شاہنامہ ملا قاسم گنا بادی متضمن حالات جنگ و جدال شاہان ہندوستان -

ترجمہ تاریخ روس - اس کتاب کا ترجمہ جسمین کل حالات سلطنت روس کے درج ہین بزبان اردو و اصل کتاب انگریزی مصنفہ ڈاکٹر میکنزی ولیس صاحب بہادر سے حرف بحرف مقابلہ ہو کر شائع ہو چکا ہو - اور اب اسی کا ترجمہ بزبان فارسی نہایت صحت سے چھپکر تیار ہوا ہو - فارسی کے مترجم جناب مولوی ابو الحسن صاحب پنشنر تحصیلدار اودھ ہین یہ ترجمہ بہت سلیس اور پاکیزہ ہو -

تزک جہانگیری - کہ جو بنفس نفیس خود جہانگیر بادشاہ نے ہر ایک روئداد کو اوسط سال ۱۷ جلوس تک تحریر فرمایا من بعد شروع سال ۱۹ - معتمد خان نے مسودات حالات مابعد کے بعد ملاحظہ بادشاہ کے شامل کیے ان بعد منشی مرزا ہادی نے ترتیب دیکر اور دیباچہ لکھکر تکمیل کو پہونچایا -

جنگ نامہ نعمت خان عالی - حالات رزم و کارزار باہمی شاہزادگان دہلی

وقائع نعمت خان عالی - حالات بادشاہ عالمگیر و سوانح دکن -

روضۃ الصفا - مشہور تاریخ از محمد خاوند شاہ ہروی کامل سات جلد مین یکجائی -

وقائع شاہ معین الدین چشتی از منشی بابو لال صاحب متضمن احوال مخصص حضرت حسن سنجری ثم الاجمیری -